



## بسم الله الرحمن الرحيم

تهیه و تنظیم: معاونت پژوهش جامعه الزهراء عجها

سر دبیر: نرگس موحدی

مدیر داخلی: معصومه السادات حسینی محمد

ویراستار: مرتضی حسینی نسب

طراح گرافیک: محمد حسین همدانیان

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

ریحانه حقانی: استاد حوزه و دانشگاه - گروه فلسفه و کلام

حجت حیدری چرانی: استاد مرکز تخصصی مهدویت - گروه تاریخ و فرقه های انحرافی

نرگس موحدی: استاد حوزه و دانشگاه - گروه فلسفه و کلام اسلامی

محمد رضا نصوری: استاد مرکز تخصصی مهدویت - گروه تاریخ و فرقه های انحرافی

- نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی: قم، سالاریه، خیابان بوعلی، جامعه الزهراء عجها تلفن: ۳۲۱۱۲۱۷۶ - ۰۲۵

آدرس الکترونیکی: [anjoman.pajohesh@jz.ac.ir](mailto:anjoman.pajohesh@jz.ac.ir)

شمارگان: ۵۰۰ نسخه



## سخن سردبیر

موعودباوری در همه ادیان؛ اعم از ابراهیمی و غیر ابراهیمی، آموزه‌ای زنده و پویاست. بازتاب این اندیشه در تاریخ اسلام، متون و منابع کلامی، تفسیری و حدیثی و حتی در فرقه‌های مختلف مذهبی و مکاتب فکری- معنوی مسلمانان، حاکی از دغدغه پرسمان و پژوهش در این قلمرو است. پرسمان در حیطة باورداشت مهدویت در طول تاریخ، بر اثر عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی دچار تحول و تطور تاریخی شده است. در فرآیند این تطور، آسیب‌ها و چالش‌هایی دامن‌گیر عرصه مهدویت بوده که ضرورت تحقیقات آسیب‌شناختی در جهت پالایش و آفت‌زدایی از اندیشه مهدویت را دو چندان می‌کند.

«چکامه انتظار» برآن است تا با انعکاس یافته‌های پژوهشی اساتید، پژوهشگران و طلاب جامعه‌الزهراء علیها السلام، در موضوع «مهدویت و چالش‌های آن»، راه رشد و ارتقاء علاقمندان پژوهش هموار نماید.

سردبیر





فهرست مطالب

۹

راهکارهای مقابله با شک و تردید در زندگی مهدی باوران  
زینت سادات باستان / نرگس بزرگ‌خو

۲۳

دلایل افول ارزش‌های دینی در جامعه منتظر  
فاطمه السادات امیری تهرانی زاده / نرگس بزرگ‌خو

۲۵

مسئولیت‌گریزی در عصر غیبت  
ربابه محمدبیگی / نیره سادات اسماعیلی طباطبائی

۶۵

راهکارهای غفلت‌زدایی از جامعه منتظر در نگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام  
نجمه شاهمرادی / نرگس بزرگ‌خو

۸۷

عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت  
اکرم عسگری / نرگس بزرگ‌خو

۱۰۳

رسالت متکلمان در پیشگیری از فتنه‌های آخرالزمان  
محمدحسین حشمت پور / طاهره محقق

## راهنمای تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله باید به زبان اصلی و رسمی نشریه (فارسی) و حجم آن حداکثر ۶۰۰۰ الی ۸۰۰۰ کلمه باشد.
۲. عنوان:  
عنوان مقاله باید دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.
۳. مشخصات نویسنده:  
شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مشخصات تحصیلی به تفکیک رشته، مقطع و محل تحصیل، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.
۴. چکیده:  
آیینیه تمام‌نما و فشرده بحث است که باید دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، قلمرو و ماهیت پژوهش، هدف پژوهش، روش تحقیق و اشاره به مهم‌ترین نتایج باشد و در ده سطر یا ۱۵۰ کلمه تنظیم شود.  
واژه‌های کلیدی: واژه‌های کلیدی باید حداقل سه واژه و حداکثر پنج واژه از میان کلماتی که نقش نمایه و فهرست را ایفا می‌کند و کار جست و جوی الکترونیکی را آسان می‌سازد، انتخاب شود.
۵. مقدمه:  
شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌ها و پیشینه پژوهش باشد.
۶. بدنه اصلی مقاله:
  - ۱-۶. بدنه مقاله شامل متن اصلی و بندهای مجزا بوده، به گونه‌ای که هر بند حاوی یک موضوع مشخص باشد و هر دسته از موضوعات مرتبط در ذیل یک عنوان خاص قرار می‌گیرد.
  - ۲-۶. در ساماندهی بدنه اصلی لازم است به مواردی چون: توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده و تقسیم‌بندی مطالب در قالب محورهای مشخص، پرداخته شود.
  - ۳-۶. در مواردی که مطلبی بعینه از منبعی نقل می‌شود، ابتدا و انتهای آن مطلب در گیومه «» قرار داده شود.
۷. نتیجه‌گیری:  
قریب ۱۰۰-۲۰۰ کلمه و شامل یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌ها با اهداف پژوهش و ارائه راه‌کارها و پیشنهادات.
۸. ارجاعات:  
ارجاع به منابع و مآخذ در متن مقاله، به شیوه استاندارد (APA) باشد و در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده، به شکل ذیل آورده شود:
  - ۱-۸. منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛ مثال: (حسینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۳)
  - منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛ مثال: (۷۱.p, ۱۹۹۸, planting)
  - آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه)؛ مثال: (بقره: ۲۵)
  - ۲-۸. چنانچه نام خانوادگی مؤلف، مشترک باشد باید نام او هم ذکر شود.
  - ۳-۸. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال، بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر

متمايز شوند.

۴-۸. چنانچه به دو اثر با مؤلفان متفاوت ارجاع داده شده است به این صورت به آن دو اشاره شود:

(نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه / نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه)

۵-۸. یادداشت‌ها و پانوسه‌ها: تمام توضیحات ضروری، در انتهای متن مقاله آورده شود. (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها، مانند متن مقاله، به روش درون‌متنی (بند ۸) خواهد بود.)

۹. فهرست منابع:

در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود:

۱-۹. کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، تاریخ چاپ (ق/م).

مثال: مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۸۳.

۲-۹. مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، سال نشر، از صفحه تا صفحه.

مثال: فرامرز قراملکی، احد، «طبقه‌بندی جریان‌های رازی‌شناسی در ایران و غرب»، آینه میراث، ش ۵، بهار و تابستان ۹۱، ص ۲۵-۲۳۵.

۳-۹. مقاله مندرج در مجموعه مقالات یادایرةالمعارف‌ها: نام خانوادگی و نام نویسنده، «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، سال نشر.

مثال: قربان‌نیا، ناصر، «زن و قانون مجازات اسلامی»، مجموعه مقالات زن و خانواده، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.

۴-۹. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام، عنوان پایان‌نامه، رشته، نام دانشگاه، نام کشور، سال دفاع.

۵-۹. منابع الکترونیکی: نام خانوادگی، نام، نام مقاله، نشانی اینترنتی.

۱۰. نقل قول‌های مستقیم، به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی‌متر) از سمت راست درج گردد.

۱۱. عنوان کتاب در متن مقاله، ایتالیک و عنوان مقاله در گیومه « » قرار گیرد.

۱۲. مقاله در الگوی A۴ با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان‌سطرها، در محیط word، و متن مقاله با قلم B Mitra ۱۴ (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) و یادداشت‌ها و کتابنامه B Mitra ۱۲ (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) حروف‌چینی شود.

۱۳. عناوین تیتراها: عناوین با روش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی، از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی به کار رود.

۱۴. اشکال، نمودارها و جداول: اصل عکس‌ها و نمودارها، باید همراه با متن مقاله، در محل مناسب علامت‌گذاری شده و دارای زیرنویس باشد.

ارتباط با مدیریت مجله از طریق تلفن ۳۲۱۱۲۴۸۴ و نشانی دفتر انجمن علمی-پژوهشی

یا رایانامه (anjoman.pajohesh@jz.ac.ir) امکان پذیر است.





# راهکارهای مقابله با شک و تردید در زندگی مهدی باوران

زینت سادات باستان<sup>۱</sup>  
نرگس بزرگ‌خو<sup>۲</sup>

## چکیده

از جمله آسیب‌های عصر غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه، شک و تردید درباره وجود منجی و ظهور است. شک و تردید بین دو چیز، در مقابل ایمان و یقین از حالت‌های نفسانی انسان است که اگر درمان نشود، فرد شکاک را دچار اضطراب و سردرگمی کرده و زندگی‌اش را مختل می‌کند. مقاله حاضر در صدد است ضمن تعریف شک و آثار مخرب آن، راهکارهایی برای از بین بردن شک و تردید در زندگی مهدی باوران بیان نماید. تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف کاربردی صورت گرفته و از جمله نتایج آن در دو بخش راهکارهای فردی و اجتماعی شامل تقویت ایمان، تلاوت قرآن، طلب یاری از خداوند، ترویج فرهنگ مهدویت و کسب آمادگی برای ظهور بیان شده است.

واژه‌های کلیدی: شک، تردید، مهدی باوری، مهدویت، عصر غیبت.

۱. طلبه سطح دو جامعه الزهرا عجل الله تعالی فرجه الیه، zyntbastan67@email.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآنی، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهرا عجل الله تعالی فرجه الیه، Nabozorgkhoo@gmail.com

## مقدمه

اندیشه مهدویت و ظهور منجی یکی از باورهای اساسی شیعیان است. فطرت همه انسان‌ها، همیشه تشنه عدل و مجری عدالت بوده است اما در عمل فرصتی پیش نیامده که در این جهان، چنین آرزویی را به طور کامل تجربه کنند؛ از این رو خداوند کریم برای تحقق این آرزو، نعمت انبیا و اولیا را به جامعه بشری ارزانی داشته که این نعمت با ظهور مهدی موعود کامل شده و زمین را صالحان به ارث خواهند برد (قصص: ۵) و این وعده به وسیله نهمین فرزند از نسل حسین بن علی علیه السلام محقق خواهد شد.

در دوران غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وظیفه منتظران بسیار سخت است؛ زیرا منتظر واقعی کسی است که از وضع موجود ناراضی بوده و برای رسیدن به وضع بهتر و مطلوب تلاش نماید؛ اما باید دانست مفهوم انتظار همانند برخی مباحث اعتقادی دیگر دچار آفاتی شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد این آسیب‌ها و انحرافات، باور به مهدویت را از هدف صحیح خود به مرور زمان دور ساخته و باعث ایجاد شک و تردید در دل برخی منتظران و مهدی‌باوران شده است. این تردیدها اعتقاد به مسئله مهدویت را تحت الشعاع قرار داده تا جایی که ممکن است فرد منتظر در اصل ظهور و آمدن منجی دچار ناامیدی و یأس شود، انتظار در قلب او کمرنگ گردد و انگیزه‌ای برای خودسازی، زمینه‌سازی و آماده‌سازی جامعه منتظر نداشته باشد. حال با توجه به اهمیت بالای این موضوع، باید آسیب‌ها و انحرافات در مسئله مهدویت و معرفت به آن شناسایی و تلاش لازم در جهت مقابله با آن آسیب‌ها صورت گیرد.

کتاب *مکیال المکارم* آیت‌الله محمدتقی اصفهانی و مقاله «ویژگی‌های منتظران» خانم شکوه دلاوری تا حدی به این موضوع پرداخته‌اند؛ اما مطالعه آثار مرتبط به موضوع مهدویت و منجی موعود حاکی از آن است که تاکنون کار مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است. از این رو در این پژوهش سعی می‌شود راهکارهای مقابله با شک و تردید در زندگی مهدی‌باوران مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

## ۱. تعریف شک

شک در لغت حالت نفسانی ناشی از تردید بین دو یا چند چیز است و مقابل یقین قرار می‌گیرد؛

اعم از آن که دو طرف تردید، همسان (پنجاه - پنجاه) باشند یا یک طرف برطرف دیگر رجحان داشته باشد. در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام، الفاظ دیگری به معنای شک به کار رفته است؛ مانند: «ریب» و مشتقات آن یا مثل «ارتیاب»، «مرتاب» که فراوان در قرآن به کار رفته است. در معنای اصطلاحی شک باید گفت که به معنی علم نداشتن است و هر زمان علم وجود داشته باشد، شک منتفی است. به اصطلاح اهل منطق، تقابل میان شک و یقین از نوع «تقابل عدم و ملکه» خواهد بود (موحدیان عطار، ۱۳۸۷ش، ص ۴۷). فردی که شکاک شود از نور یقین محروم می ماند. چنانچه از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که می فرماید: «یا أَيُّهَا النَّاسُ سَلُوا اللَّهَ الْيَقِينَ ... وَخَيْرُ مَا دَامَ فِي الْقَلْبِ الْيَقِينَ ...؛ ای مردم! از خدا یقین طلب کنید... و بهترین چیز که در قلب بماند یقین است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۷، ص ۱۷۶). در زندگی مهدی باوران جایی شک مطرح است که فرد در دو گزینه مردد شود؛ اینکه آیا منجی موعودی هست که بخواهد ظهور کند یا نه؟ و برای هیچ یک از این دو طرف مسئله، مزیتی که به علم و قطع برسد، وجود نداشته باشد.

## ۲. اقسام شک

### ۲،۱ شک معقول و شک غیرمعقول

شک، اساساً پدیده‌ای ناپسند نیست، بلکه می توان از آن گذر کرد و به وادی یقین و ایمان راه یافت؛ به طوری که بسیاری از پیشرفت‌های علمی در طول قرن‌های متمادی، نتیجه این گونه تردیدها و عدم توقف در مرحله شک بوده است. اگر انسان راه مناسبی برای اطلاع از امری در اختیار نداشته باشد یا اطلاع کافی برای تصدیق یا تکذیب امری نداشته باشد، تردید و شک در این موارد، امری معقول و طبیعی خواهد بود؛ زیرا هم جنبه عملی و عقلی دارد و هم طبیعی و قابل قبول است. معمولاً دامنه این نوع شک (شک عملی) محدود است و شامل مسائل معین علمی می شود، چنان که ممکن است کسی درباره مسائل دینی یا امور سیاسی شکاک باشد. ابعاد شک عملی، همه گستره عملی انسان‌ها را در برمی گیرد.

حالت مقابل شک عملی، اراده و تصمیم قاطع است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که «با شک و تردید و عناد (حاصل از شک) هیچ عملی سودمند و صحیح نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶). حال اگر موضوع شک در امری باشد که انسان به اندازه کافی در مورد آن اطلاع و

آگاهی دارد که بتواند درباره آن حکم کند تردید درباره آن طبیعی نبوده و این شک غیرمعقول است؛ بنابراین شک می‌تواند باعث رشد و ترقی انسان شود؛ به شرط آن‌که از شک خود نتیجه نگیرد و به محض شک کردن حکم نکرده و در مرحله شک توقف ننماید؛ بلکه برای رسیدن به یقین تلاش کند.

## ۲،۲ شک مستقر و شک غیرمستقر (ابتدایی)

انسان ممکن است در مواجهه با هر موضوع قابل نفی و اثباتی دچار تردید شود؛ اما باید دانست تا زمانی که اطلاعات و دلایل کافی بر نفی یا اثبات موضوع وجود نداشته باشد ضروری است از تکذیب یا تصدیق آن خودداری نماید؛ زیرا این تردید ابتدایی است و باید از آن گذر نمود؛ همان طور که حضرت علی علیه السلام در مورد پروازندن شک ابتدایی می‌فرماید:

«ریب نکنید تا به شک نیفتید» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۰۶).

البته ممکن است با وجود روشنی حقیقت و دلایل کافی بر نفی یا اثبات موضوعی، باز فرد در تردید باقی بماند. چنین شکی، شک مستقر و پایدار تلقی می‌شود. امام حسن عسکری علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«سالم‌ترین دل‌ها آن است که از شک و شبهه‌ها پاک باشد» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲ش، ص ۴۰۹).

بنابراین قرآن کریم و روایات در مورد شک ابتدایی و غیرمستقر چندان حساسیتی روا نداشته و بیشتر مسئله شک را در مورد کسانی که با وجود دلایل و نشانه‌های کافی باز هم مردد هستند، مورد توجه قرار داده است. شهید مطهری در مورد شک ابتدایی قائل است:

«شک، مقدمه یقین، پرسش، مقدمه وصول و اضطراب، مقدمه آرامش است. شک، معبر (پل و عبورگاه) خوب و لازمی است هر چند منزل و توقفگاه نامناسبی است. اسلام که این همه دعوت به تفکر و ایمان می‌کند، به طور ضمنی می‌فهماند که حالت اولیه بشر، جهل و شک و تردید است و با تفکر و اندیشه صحیح باید به سرمنزل ایمان و اطمینان برسد» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۷).

بنابراین آنچه مذموم است، شک غیرمعقول و شک مستقری است که فرد تلاشی برای رفع آن نمی‌کند.

### ۳. برخورد قرآن کریم با حالت‌های شک

در قرآن کریم، روش‌های مختلفی برای مقابله با شک در حقایق دینی به کار رفته است. در بعضی موارد به بیان شواهد و دلایل کافی برای کسانی که مبتلا به شک و تردید شده‌اند، می‌پردازد؛ مثلاً در آیات ۶ و ۵ سوره حج، خداوند خطاب به افرادی که دچار شک و تردید شده‌اند، می‌فرماید اگر در حقانیت روز رستاخیز در تردید هستید، به خلقت خود از خاک تا نطفه و از نطفه تا خروج از رحم و از طفولیت تا مرگ توجه کنید و بیندیشید. خداوند در این دو آیه به شرح احیای زمین به وسیله باران پرداخته و نتیجه می‌گیرد که همه آن‌ها حکایت از حقانیت خداوند، حیات دوباره مردگان و قدرت خدا بر حشر دارد. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، شک را از مصادیق تعبیر «مرض قلبی» در قرآن می‌داند که دل‌های مبتلایان به آن به پرگاهی می‌مانند که هر لحظه دست خوش نسیم‌ها گشته، به این سو و آن سو کشیده می‌شوند (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۶۲۰-۶۲۱). همچنین قرآن کریم، گاهی تلاش کردن بر اثبات یقین را بی‌فایده دانسته و ارائه حقایق عینی در مورد آن‌ها را بی‌اثر می‌داند. در سوره حجر آمده است:

«حتی اگر ما دری از آسمان به روی ایشان بگشاییم تا آن‌ها در آن شروع به بالا رفتن و سیر در عوالم غیب کنند، باز خواهند گفت: ما را چشم‌بندی کرده‌اند و ما سحر شده‌ایم» (حجر: ۱۴-۱۵).

### ۴. پیامدهای شک و تردید در زندگی مهدی باوران:

شک و تردید در زندگی منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه آثار مخربی دارد که ضعف اعتقادی، عدم استجابت دعا و عدم بهره‌مندی از جمله نشانه‌های آن است.

#### ۴٫۱ عامل سستی و ضعف اعتقادی

شک و عوامل شک‌آفرینی، آفتی است که همواره انسان مؤمن و اخلاق‌مدار را تهدید می‌کند. به همین دلیل فرد مهدی‌باور باید همواره خود را از این آفت حفظ نموده و تلاش کند به آن مبتلا نشود؛ زیرا شک و تردید در اموری که ایمان به آن‌ها واجب است موجب نابودی ایمان و حیات معنوی است و سعی در از بین بردن آن از واجبات است؛ از این رو شک و تردید در زندگی کسانی

که به مهدویت ایمان دارند چیزی جز سستی در باور و مردد نمودن وی نسبت به وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک و باور ظهور، نخواهد بود.

در روایات نیز به این موضوع اشاره شده که طول غیبت حضرت، باعث به وجود آمدن شک و شبهه در قلوب افراد متزلزل می‌شود تا جایی که عده‌ای در وجود امام شک می‌کنند که آیا اصلاً چنین فردی متولد شده است؟ بنابراین در حوزه مهدی باوری، اثبات وجود منجی نقش بسزایی دارد؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریک به ناچار غیبتی دارد... و همان کسی است که مردم در ولادت او شک می‌کنند، برخی می‌گویند در رحم مادرش است و برخی می‌گویند پدرش مُرد و جانشینی از خود ندارد و برخی می‌گویند او دو سال پس از فوت پدرش به دنیا آمده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۲).

## ۴،۲ عدم استجابت دعای فرد شکاک

در روایتی از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:

«استجابت دعا به کسی اختصاص دارد که ولایت ما را داشته باشد.»

این روایت نه تنها اشاره به شرط قبولی دعاست، بلکه اشاره به قبولی اعمال، چه واجب و چه مستحب دارد. در همین معنا محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«به امام عرضه داشتم ما بعضی از مخالفان شما را می‌بینیم که دارای عبادت، سعی، تلاش و خشوع در امر دین هستند. آیا این اعمال، او را نفعی می‌بخشد؟ فرمودند: ای ابامحمد! مثل ما مثل اهل بیته از بنی اسرائیل است که روش ایشان این بود که هیچ‌کس از این خانواده چهل شب دعا نمی‌کرد، مگر آنکه دعای او اجابت می‌شد و مردی از این خانواده چهل شب کوشید و مجاهده نمود و دعا نمود؛ ولی از اجابت اثری ندید. به خدمت حضرت عیسی علیه السلام آمد و شکایت حال خویش را نمود و از او خواست که برایش دعا کند. پس حضرت وضو گرفت و نماز گزارد و دعا کرد، خدا به او وحی کرد: ای عیسی بنده من از دری غیر از من وارد شد و از من درخواست کرد، ولی در قلب وی نسبت به رسالت تو شک وجود

دارد؛ بنابراین اگر آن قدر دعا کند تا گردنش قطع شود و انگشتانش از هم جدا شود من اجابتش نمی‌کنم. پس حضرت عیسی علیه السلام به او فرمود: آیا پروردگارت را می‌خوانی و قلبت نسبت به پیامبرش شکاک است! عرضه داشت ای روح خدا، به خداوند قسم همان‌گونه بود که گفתי؛ پس از خدا بخواه که آن شک از من زایل شود. حضرت عیسی علیه السلام برای او دعا کرد و خدا به او تفضل فرمود و شکش زایل و حاجتش برآورده شد و خداوند عمل بنده‌ای را که در ولایت ما اهل بیت علیهم السلام نیز شک دارد را قبول نمی‌کند» (ابن فهد حلی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۶۴).

### ۴،۳ عدم بهره‌مندی از آیات و نشانه‌ها:

انسانی که مبتلا به شک است، از دلایل و آیات و نشانه‌های الهی، به حق پی نبرده و دلش آرام نخواهد گرفت؛ زیرا این‌گونه افراد، ذهن و روحشان در اثر گناه و سرکشی از حق منحرف شده و با شک‌های پیاپی و تردیدهای مداوم، دیگر به هیچ دلیل و برهانی آرام نمی‌گیرند. در قرآن کریم آیات فراوانی به این حقیقت اشاره دارد. آیاتی که سودمندی را تنها از آن اهل تفکر، تعقل، صاحبان دل‌های صاف و کسانی که مانعی برای حصول یقین ندارند، بیان می‌کند؛ مثل:

﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ...﴾ (ذاریات: ۲۰).

و

«در زمین نشانه‌هایی است برای اهل یقین...»

اما کسانی که به بیماری شک مبتلا شده‌اند از این آیات و ادله به حق راه نمی‌یابند و یقین پیدا نمی‌کنند، بلکه شکی بر شک‌هایشان افزوده خواهد شد. همچنین خداوند غوطه‌ور بودن در شکاکیت و تردید را مایه محرومیت انسان از درک حقایق دانسته است (دخان: ۷-۹).

و در آیه ۱۲۵ سوره توبه می‌فرماید:

«آنان که دل‌هایشان به مرض شک و نفاق مبتلاست، بر خبث ذاتی آن‌ها خبائتی

افزود تا به حال کفر جان دادند.»

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز آمده که فرمودند:

«هر قلبی که در آن شک یا شرک باشد، بی‌ارزش است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶).

بنابراین انسان مهدی باور با توجه به این آیات و روایات باید در تلاش باشد خود را از شک و تردید دور کند؛ زیرا اگر خود را دور نسازد به حق راه نمی‌یابد و دچار گمراهی و تباهی خواهد شد.

## ۵. مقابله با شک و تردید در زندگی مهدی باوران

راهکارهای مقابله با شک و تردید در زندگی منتظران و مهدی باوران را می‌توان از دو طریق پیگیری نمود که شامل درمان فردی و درمان اجتماعی است.

### ۵٫۱ درمان فردی

با توجه به طولانی شدن عصر غیبت و دشواری‌های زندگی مؤمنان، بسیاری از منتظران ممکن است نسبت به وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یا مسئله ظهور دچار شک و تردید شوند، برای مقابله با چنین شک و تردیدی که فرد منتظر را درگیر می‌کند، لازم است فرد منتظر در زندگی خود، به امور زیر اهتمام ورزد:

### ۵٫۱٫۱ تقویت ایمان و یقین با کسب معرفت نسبت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی دیگر از راهکارهای مقابله با شک و تردید در زندگی منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کسب معرفت نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تقویت ایمان و یقین است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند: «مؤمن در دینش پابرجا و از کوه‌های بلند هم سخت تر است؛ زیرا کوه‌ها را با کندن و تراشیدن می‌توان در آن نقصان پدید آورد، ولی از مؤمن نمی‌توان چیزی کاست؛ زیرا او نسبت به دینش بخل می‌ورزد و به دیگران نمی‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۴، ص ۲۹۹).

تقویت ایمان با بالا بردن علم و یقین است؛ به این معنا که منتظر برای تقویت و تحکیم اعتقادات دینی، باید به مرتبه یقین برسد؛ از جمله وظایف فرد مهدی باور، بالا بردن ایمان و یقین و کسب معرفت نسبت به امام خویش است. این کسب معرفت اهمیت بالایی دارد تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«هر کس بمیرد و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۱).

فرد منتظر و مهدی باور همواره باید سعی کند در زندگی به یاد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد و زمینه کسب



معرفت و شناخت امام را در خود ایجاد کند؛ البته که معرفت نسبت به امام فقط به اسم حضرت و نسب ایشان ختم نمی‌شود، بلکه باید صفات و خصوصیات حضرت را بشناسد و با اهداف و آرمان و مسئولیت‌ها و حقوق ایشان آشنا شود (تقوی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۷۸) و در راستای تقویت ایمان و یقین نسبت به حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام خود را برای ظهور حضرت آماده کند. در واقع می‌توان گفت که شناخت امام و کسب معرفت نسبت به ایشان از این جهت اهمیت بیشتری دارد که می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی مهدی باوران منشأ تحول و اثر باشد؛ چراکه با دستیابی به حقیقت صفات و خصوصیات حضرت، نه تنها منتظر و مهدی باور واقعی هیچ‌گاه از یاد و نام حضرت غافل نمی‌شود؛ بلکه تمام همت خود را صرف یآوری ایشان خواهد نمود.

## ۵،۱،۲ تلاوت قرآن

یکی از راهکارها برای درمان شک و تردید، تلاوت قرآن است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾؛ از قرآن،

آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران (و

زیان) نمی‌افزاید ﴿(اسراء: ۸۲).

منظور از شفا دادن بیماری دل‌ها یا به تعبیر قرآن شفای چیزی که در سینه‌هاست، همان آلودگی‌های معنوی و روحانی مانند بخل، کینه، حسد، شرک، نفاق و امثال این‌هاست که همه از بیماری‌های روحی و معنوی است. قرآن کریم انسان‌ها را اندرز می‌دهد و زنگار گناه و صفات زشت را از قلب آن‌ها می‌شوید و نور هدایت را به دل‌ها می‌تاباند و نعمت‌های الهی را بر فرد و جامعه نازل می‌گرداند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۳۱۸). در حقیقت قرائت قرآن، ذکر خداوند است و با ذکر خدا دل‌ها آرام می‌گیرد؛ بنابراین برای یک فرد شکاک، خواندن قرآن بسیار سودمند است و او را از گمراهی نجات می‌دهد و باعث آرامش روحی او در زندگی می‌شود.

## ۵،۱،۳ صدقه دادن و دعا نمودن برای فرج

از دیگر وظایف فرد منتظر، صدقه دادن و دعا نمودن برای تعجیل در فرج حضرت است؛ زیرا دعا کردن و صدقه دادن برای فرد منتظر و مهدی باور، سازنده و تکامل‌آور است؛ با صدقه، سلامتی حضرت و با دعاء، تعجیل در فرج تضمین می‌شود و با ظهور حضرت، فرج بندگان نیز حاصل خواهد شد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

مداومت بر دعا و صدقه برای حضرت باعث توجه مدام و انس قلبی منتظر با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود و مانع ایجاد شک و تردید در دل او خواهد شد؛ چنانکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی که در جواب سؤال‌های اسحاق بن یعقوب فرستادند، فرمودند:

«زیاد برای تعجیل در فرج دعا کنید؛ زیرا فرج شما در آن است» (طوسی، ۱۴۱۱،

ص ۲۹۲ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ص ۹۲).

#### ۵،۱،۴ طلب یاری از خداوند نسبت به محبت امام

اگر خداوند انسان را یاری کند، هیچ‌کس و هیچ‌چیزی نمی‌تواند بر او غلبه کند. فرد منتظر باید از خدا نصرت بخواهد و با اعتراف و ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله»، از خداوند توفیق روزافزون بخواهد. توفیق منتظر جز با محبت داشتن به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف میسر نخواهد شد. این علاقه و محبت با عنایت حق و معرفت به حضرت حاصل خواهد شد. عشق به هر چیز با میل و گرایش به آن همراه است. در حقیقت کشش و گرایش باعث همانندی عاشق و معشوق می‌شود و اصولاً محب دوست دارد همانند محبوب خود شود. هر چه علاقه و محبت شدیدتر باشد مهیا شدن برای این همانندی بیشتر و زیادتر می‌گردد و زمانی که محبوب انسان کامل باشد، عشق باعث تعالی و تکامل عاشق می‌شود و در سایه محبت پاکان و نیکان است که رستگاران به رستگاری دست خواهند یافت.

#### ۵،۱،۵ مقایسه کردن یقین و شک

در مقایسه بین یقین با شک، نباید این دو را مانند هم دانست؛ زیرا این دو حالت با هم متفاوت‌اند و هیچ تناسبی با یکدیگر ندارند. زمانی که ایمان و یقین به وجود آید، دیگر شک معنایی ندارد. همان‌گونه که یقین و علم، باعث آرامش روح و موجب تکامل انسان است، در مقابل، شک و تردید موجب اضطراب و سلب آرامش و مانع حرکت و تکامل است. به همین جهت اسلام شک را با شرک برابر می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۹)؛ چنان‌که فیلسوفان اسلامی نیز در شکاکیت را در رأس کارهای فلسفی و علمی خود قرار می‌دهند و با ابزار فکر و اندیشه به مبارزه با این بیماری می‌پردازند تا جامعه را از این خطر نجات دهند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۲، ص ۵-۱۲). حالت طلب یقین طبیعی است؛ اما شک، ناشی از نوعی بیماری روحی است که قرآن از آن به انحراف دل تعبیر می‌کند که خود ناشی از فسق و گناه است؛ بنابراین فرد مهدی‌باور با مقایسه

این دو حالت باید به مضموم بودن شک و تردید پی ببرد و در تلاش برای رسیدن به حالت طلب یقین در خود باشد.

## ۵٫۲٫۱ راهکارهای اجتماعی برای مقابله با شک و تردید در جامعه منتظر

در بعد اجتماعی نیز منتظران می‌توانند با ترویج فرهنگ مهدویت، آمادگی عمومی برای یاری امام و مقابله با مفسدات اجتماعی ...، از شک و تردید مهدی باوران بکاهند. برخی از این راهکارها عبارتند از:

### ۵٫۲٫۱٫۱ ترویج فرهنگ مهدویت

ضروری است فرد منتظر و مهدی باور بعد از خودسازی، در راه دگرسازی و اصلاح جامعه بکوشد و فرهنگ مهدویت را در بین مردم رواج دهد. این فرهنگ ریشه در تاریخ بشر دارد. در اسلام نیز اولیای الهی، همواره مؤمنان را به فرا رسیدن عصر طلایی مهدوی بشارت داده‌اند. محور اساسی فرهنگ مهدوی را می‌توان تحقق فرج و ظهور منجی موعود دانست و هرگونه نگرش، هنجار و شعائر خاص جامعه مهدوی حول چنین اعتقادی می‌چرخد. برای ترویج این فرهنگ ناب لازم است راه جذب مردم، مخصوصاً جوانان، نسبت به حضرت و زنده کردن دل‌های مردرد را پیدا کرد و سعی نمود مقامات و کمالات و فضایل حضرت را برای جامعه بازگو کرد.

### ۵٫۲٫۱٫۲ آمادگی برای نصرت امام در مقابله با مفسدات اجتماعی

فرد منتظر در هر موقعیتی که قرار دارد باید از تمام امکانات، در جهت یاری رساندن به حجت خدا استفاده کند. نصرت و یاری نمودن حضرت به صورت‌های مختلف زبانی، عملی و قلبی قابل انجام است. از مصادیق یاری رساندن با زبان، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

(۱) ذکر احادیث و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام؛

(۲) نشر علوم و فضایل امام در دوران غیبت؛

(۳) دعا کردن برای تعجیل؛

(۴) تبلیغ اعتقادات و احکام دین؛

(۵) دفاع از اعتقادات اصیل تشیع و پاسخ‌گویی به شبهات دشمنان.

از مصادیق یاری رساندن عملی نیز می‌توان به چنین مواردی اشاره نمود:

۱) انجام احکام و دستورات دینی؛

۲) داشتن حسن خلق و صداقت و ورع؛

۳) کمک رساندن به شیعیان و دوستان آن حضرت؛

۴) برگزاری و شرکت در مراسم و مجالس دینی.

در حقیقت باید دانست که یاری کردن حضرت با قلب، محبت ورزیدن به ایشان است و تمام مصادیقی که برای یاری رساندن حضرت با زبان و عمل بیان می‌شود، از لوازم و آثار محبت و علاقه قلبی به آن حضرت است.

### ۵,۲,۳ تسلیم نشدن جامعه منتظر در مقابل مفاسد و آلودگی‌ها

از وظایفی که فرد مهدی‌باور و منتظر دارد این است که در برابر آلودگی‌های اجتماع و محیط فاسد تسلیم نشود؛ زیرا هنگامی که فساد فراگیر شود، اکثریت یا جمع زیادی را به آلودگی می‌کشاند. گاهی افراد منتظر در یک بن‌بست سخت روانی قرار می‌گیرند، بن‌بستی که از تردید و شک سرچشمه می‌گیرد. این تردید ممکن است فرد را تدریجاً به سوی فساد و هم‌رنگی با محیط بکشاند و او نتواند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کند.

تنها چیزی که می‌تواند به افراد منتظر «امید» و «یقین» بدهد و آن‌ها را به مقاومت و خویشتن‌داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید و باور به اصلاح نهایی است؛ بنابراین لازم است که منتظران و مهدی‌باوران، از طول کشیدن عصر غیبت و فزون شدن قدرت کاذب قدرتمندان جهان، تردید و شک به دل راه ندهند و روح خود را با سم مهلک شک و ناامیدی مسموم نسازند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«اِنتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةٌ» (مجلسی، ۴۰م، ج ۵۲، ص ۱۴۵).

توصیه به صبر برای انسان منتظر، به معنای لزوم شکیبایی در مورد غیبت امام برای رفع دغدغه خاطر و نفی تزلزل است.

### ۶. نتیجه‌گیری

با طولانی شدن غیبت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام عده‌ای به شک و تردید افتاده و حتی از ظهور مصلح جهان ناامید گشته‌اند. این مسئله آثار زهرآگینی همچون تن دادن به وضع موجود،

تبدیل شدن به افراد و جامعه‌ای مأیوس، گرایش به فساد و رذیلت‌ها، سرخوردگی و ناامیدی و ... بار می‌آورد؛ از این رو ضروری است که شک و تردید در زندگی منتظران درمان شود. در این مقاله راهکارهای درمان و مقابله با شک و تردید در زندگی مهدی‌باوران در دو بخش فردی و اجتماعی مورد کنکاش قرار گرفت. راهکارهای فردی شامل تقویت ایمان و یقین و کسب معرفت نسبت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تلاوت قرآن کریم و صدقه دادن و دعا نمودن برای فرج حضرت، طلب یاری از خداوند نسبت به محبت امام و مقایسه کردن حالت یقین و شک است.

در بعد اجتماعی نیز با ترویج فرهنگ مهدویت، آمادگی جامعه برای نصرت امام در مقابله با مفساد اجتماعی و تسلیم نشدن جامعه منتظر در مقابل مفساد و آلودگی‌ها، می‌توان به از بین بردن شک و تردید و مقابله با آن در زندگی مهدی‌باوران کمک نمود.

### پیشنهاد‌های عملی برای مقابله با شک و تردید در زندگی مهدی‌باوران

علاوه بر آنچه در این مقاله گذشت به نظر می‌رسد برای درمان و مقابله با شک و تردید نسبت به وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور حضرت، لازم است اقدامات عملی هم صورت بگیرد. از جمله کارهایی که در این زمینه می‌توان انجام داد عبارت‌اند از:

۱. انجام پژوهش‌های عمیق و علمی در تاریخ زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
۲. فیلم‌سازی و عرضه آثار هنری و ادبی در زمینه مهدویت، مخصوصاً زندگی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی‌ها و زمان ظهور؛
۳. ایجاد کرسی‌های مهدی‌شناسی در حوزه و دانشگاه‌ها؛
۴. تربیت مبلغان در دوره‌های مهدی‌باوری و اعزام به مدارس و دانشگاه‌ها؛
۵. فرهنگ‌سازی مفهوم انتظار و مهدی‌باوری در بین عموم مردم؛
۶. شناخت دشمنان مهدی موعود و مهیا شدن برای مقابله و دفاع؛
۷. جلوگیری از خرافات و افراط‌گری در باب مهدویت؛

وظایف تربیتی خانواده‌ها نیز در این زمینه شامل آشناسازی فرزندان با مفهوم مهدویت، شرکت دادن فرزندان در مراسم حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و تربیت فرزندان با اخلاق و منش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علی علیه السلام، ۱۳۸۲.
۲. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، ترجمه محمدحسین نایبجی، قم: انتشارات قدس، ۱۳۸۶.
۳. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، قم: نشر مشهور، ۱۳۸۴.
۴. حسن زاده آملی، حسن، معرفت نفس، ج ۱، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۵. شیخ مفید، محمد بن محمد، قم: انتشارات کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمدباقر، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴.
۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الغیبه، قم: موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، لبنان: مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، آفتاب ولایت، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
۱۱. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه امام علی علیه السلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۰.
۱۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۱۴. موحدیان عطار، علی، از شک تا یقین، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷.

چکامتنیوزار

# دلایل افول ارزش‌های دینی در جامعه منتظر

فاطمه السادات امیری تهرانی زاده<sup>۱</sup>

نرگس بزرگ‌خو<sup>۲</sup>

## چکیده

ارزش‌ها هم‌سنگ با باورها و عقاید مردم شکل می‌گیرند و افول ارزش‌ها در جوامع برابر با نابودی باورها و عقاید مردم است و به همین سبب حفظ ارزش‌ها، در همه جوامع اهمیت بسیار دارد. جامعه منتظر نیز با برپایی ارزش‌های معنوی و دینی معنا پیدا می‌کند و تا رسیدن به هدف نهایی که ظهور حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلًا است، باید در حفظ ارزش‌های خود بکوشد. هدف نوشتار پیش‌رو یافتن عواملی است که باعث افول ارزش‌های دینی در جامعه منتظر شده است تا از این طریق گامی در جهت حفظ ارزش‌های دینی برداشته شود. روش به‌کاررفته در این تحقیق توصیفی-تحلیلی است. این جستار ضمن تبیین ارزش‌ها در جامعه منتظر، مواردی مانند رسانه، ترجمه کتب غربی، روشنفکران غرب‌زده، رواج شبهات و عالمان دنیازده را از جمله دلایل از دست رفتن ارزش‌های دینی برشمرده است.

**واژگان کلیدی:** دین‌داری، ارزش‌ها، جامعه منتظر، افول ارزش‌ها.

۱. طلبه سطح دو جامعه الزهرا عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلًا، f.s.tehrani007@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآنی، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهرا عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلًا، Nabozorgkhoo@gmail.com

## مقدمه

مهم‌ترین سرمایه جامعه اسلامی، پایبندی مؤمنان به ارزش‌هاست؛ ارزش‌های الهی‌ای که نجات زندگی فردی و اجتماعی انسان و به دنبال آن نجات کل جامعه را در پی دارد. در سال‌های اخیر با قدرت گرفتن نظام جمهوری اسلامی، با هدف تربیت انسان‌های الهی و معتقد به ارزش‌های دینی و مهدوی، تلاشی برای حاکمیت بخشیدن به ارزش‌های اسلامی در تمام ابعاد جامعه آغاز شده است. این امر هنگامی در جامعه اسلامی تحقق می‌یابد که بتواند پایبندی افراد جامعه به ارزش‌های دینی را ارتقا بخشد و از افول ارزش‌ها در رفتار و افکار عموم مردم جلوگیری کند.

در عصری که جامعه اسلامی در معرض طوفان سهمگین امواج ماهواره و سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی قرار دارد و سیل شبهات اعتقادی و سیاسی به سوی آن روان است، پایبندی به ارزش‌ها و اعتقادات بسیار مشکل شده است. این در حالی است که نه تنها کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی، که گاه جایگزین شدن برخی ضد ارزش‌ها به عنوان ارزش در جامعه منتظر، سبب غفلت جامعه از آرمان‌های عصر ظهور شده و جامعه را از انتظار حقیقی غافل و دور می‌کند. در خصوص معضل‌های دین‌داری، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نگاشته شده که مقاله «معضل دین‌داری در دنیای جدید»، نوشته احمد رازقی، مقاله «افول دین‌داری و معنویت در ایران، توهم یا واقعیت»، تألیف محمدرضا طالبان، کتاب *عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث*، نوشته علی شکوهی و کتاب *نقش رسانه‌ها بردین‌گریزی و دین‌پذیری در جوامع مختلف*، نوشته دکتر مجید کاشانی از آن جمله است. این نوشته‌ها از دیدگاه آسیب‌شناسی دین‌داری به این مقوله پرداخته‌اند.

در زمینه ارزش‌ها نیز کتاب‌های بسیاری نگاشته شده است که از جمله آنها *انتظار، بایدها و نبایدها*، نوشته ابراهیم شفیع‌ی سروستانی است؛ اما در این میان درباره افول ارزش‌های دینی در جامعه منتظر، تلاش علمی چندانی صورت نگرفته است و این مسئله ضرورت تدوین این مقاله را برای کاهش آسیب‌ها و حل این معضل نشان می‌دهد.

شناخت علمی دلایل اصلی افول ارزش‌های دینی و تلاش در جهت رفع این عوامل، اولین گام مؤثر در نهادینه کردن ارزش‌ها در جامعه و تقویت و گسترش ارزش‌ها و باورهای دینی میان مردم است؛ از این رو هدف این مقاله شناسایی دلایل افول ارزش‌های دینی در جامعه منتظر، به منظور



محافظت از ارزش‌های متعالی و انسان‌سازی است که منجر به ظهور امام عصر می‌شود. در نوشتار حاضر به این منظور ابتدا ماهیت جامعه منتظر و ارزش‌ها در آن بیان خواهد شد. سپس دلایل افول ارزش‌های دینی در حیطه‌های مختلفی همچون رسانه، ترجمه کتب غربی، رواج شبهات و عالمان دنیازده تحلیل خواهد شد.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱. ماهیت جامعه منتظر

جامعه منتظر جامعه‌ای است که جدا از اسلامی و دین‌دار بودن، به افقی روشن امید دارد و در انتظار تحقق آن به سر می‌برد. انسان منتظر، لزوماً مسلمان نیست؛ چراکه انتظار ظهور منجی در بسیاری از ادیان وجود دارد و روح انتظار موجب همدلی و اشتراکات بسیاری بین پیروان ادیان می‌شود. می‌توان گفت بزرگ‌ترین وجه مشترک میان تمام منتظران امید است؛ زیرا کسی که در انتظار منجی و مصلح است، از ظلم بیزار است و به برقراری عدالت امید دارد.

این ویژگی در جامعه مسلمان شیعه بزرگ‌تر و پررنگ‌تر است؛ چرا که در بسیاری از روایات شیعی به آن توجه شده است. در مذهب شیعه انتظار تنها یک باور نیست؛ بلکه کنشی بسیار پویا است که در آن انسان منتظر به آماده‌سازی خود و جامعه‌اش مشغول می‌شود؛ بنابراین در جمهوری اسلامی، جامعه منتظر جامعه‌ای است که اسلام ناب و پیرو ولایت اهل بیت علیهم‌السلام در آن نمود دارد؛ یعنی آموزه‌های آن در نظام زندگی، حکومت جامعه، اندیشه‌های دین‌داران و هویت و شخصیت آنها بروز پیدا می‌کند و عملی می‌شود.

در جامعه منتظر جاهلیت‌های پیش از اسلام جایگاهی ندارد؛ بلکه در آن تمدن اسلامی برگرفته از آیات قرآن مجید حاکم است؛ آیاتی این چنین:

﴿...تَعَالُوا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...﴾ بیابید

به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خدای یگانه را نپرستیم و

چیزی را شریک او قرار ندهیم... ﴿(آل عمران: ۶۴).

ارزش‌های چنین جامعه‌ای همگی وحیانی و قرآنی است:

﴿لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ﴾ (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ص ۵۶۳).

جامعه منتظر، جامعه‌ای زنده، قدرتمند، شجاع، صادق و خودکفا است:  
 «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (حجرات: ۲۹)؛ و «أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى  
 الْكَافِرِينَ» (مائده: ۵۴).

در چنین جامعه‌ای، همه افراد همگی با هم در تشکیل هویت اسلامی مشارکت و همیاری دارند. بانوان در این جامعه جایگاه ویژه‌ای دارند و با مردان بیگانه اختلاطی ندارند. جامعه منتظر، جامعه حجاب، عفت و پارسایی است. این ویژگی‌ها و ده‌ها ویژگی پسندیده دیگر با دمیده شدن روح انتظار در جامعه بیشتر ظهور پیدا می‌کند.

## ۲-۱. ارزش‌ها در جامعه منتظر

ارزش‌ها و جایگاه آنها در بستر جامعه و مردم به دوام اعتقادات افراد جامعه کمک شایانی می‌کند. این اعتقادات ابتدا در درون افراد شکل می‌گیرد و پس از اینکه در شاکله وجودی آنها نقش بست، در اعمال و رفتار ظاهری آنان نمود پیدا کرده و ظاهر افراد را با ارزش‌های دینی هم‌سو می‌کند. یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جامعه منتظر، عدالت محوری آن است که جامعه را در جهت میل به اهداف انتظار هدایت می‌کند. عدم دنیاگرایی افراد جامعه منتظر، از دیگر ارزش‌های چنین جامعه‌ای است که با وجود آن، افراد از بسیاری آفت‌های دین‌داری مصون می‌مانند. همچنین در جامعه منتظر، اعتقاد به انتظار موعود دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که از آن به‌عنوان یکی از اصول اعتقادی مهم یاد می‌شود.

براساس اعتقاد شیعیان، منتظران خود در ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ، نقشی اصلی و کلیدی دارند. انسان‌ها باید شایستگی خود را برای حضور امامشان نشان دهند. پس در جامعه‌ای که در آن فرد خود را منتظر می‌خواند، اولین آرمان، دستیابی به این شایستگی است. بدین منظور افراد باید به اصلاح خود و جامعه مشغول شوند، ارزش‌های اسلامی را حفظ کنند و در ناملازمات دنیا امید خود را به پروردگار از دست ندهند.

در ادامه بحث این ارزش‌ها را شرح خواهیم داد:

## ۲-۱. استحکام اعتقادات (اعتقاد به خدا، قیامت، مبدأ و معاد)

بی‌شک اعتقاد به خدا یکی از اصلی‌ترین ارزش‌ها در جامعه منتظر به‌شمار می‌آید که در تحقق

جامعه مهدوی از اهمیت بالایی برخوردار است. آنچه در دنیای کنونی، انسان را رنج می‌دهد، حس بی‌هدفی و بی‌معنایی فرد در زندگی است. درحقیقت آنچه بر رفتار انسان تأثیر دارد، باورها و عقاید او است که در انگیزه‌ها، نیت‌ها و در نتیجه در اعمال او تأثیر می‌گذارد و به آنها سمت و سوی توحیدی می‌دهد (احمدوند و طاهری اندانی، ۱۳۹۴، ص ۳-۴). انسانی که به خدا و در نتیجه، به معاد اعتقادی ندارد، به ظهور و انتظار هم اعتقادی نخواهد داشت. چنین انسانی هیچ‌گاه در پی ظهور امام زمان نیست.

اعتقاد به قیامت و روز جزا نیز از مسائلی است که بر سبک و روش زندگی فرد تأثیر می‌گذارد. فردی که به قیامت و روز بازخواست ایمان دارد، در عملکردش محتاط و مراقب است و می‌کوشد تا هم‌سو با فرامین دین اسلام رفتار کند و از مسائلی که در اسلام نهی شده و از هوای نفسش دوری نماید و سختی ترک گناه و انجام عبادات را به جان می‌خرد تا در روز قیامت از نیکوکاران باشد. در مقابل فردی که به قیامت اعتقاد ندارد، ترس و واهمه‌ای از انجام گناه ندارد، عبادات را پوچ می‌پندارد و هرآنچه را منطبق با هوای نفسش می‌بیند، انجام می‌دهد. تنها معیار درستی و نادرستی نزد او، تشخیص عقل و هوای نفسش است. چنین فردی فاقد ارزش‌های فرد منتظر است. بنابراین اعتقاد به مبدأ و معاد افراد جامعه را در جهت تحقق امر ظهور هدایت می‌کند.

## ۲-۱- پایبندی به احکام دین (نماز، روزه، حجاب، ...)

دین اسلام همچون دیگر ادیان آسمانی دارای احکامی است که پیروان آن می‌بایست به آنها عمل کنند و در جهت حفظشان بکوشند؛ احکامی همچون نماز، روزه، حجاب، پرداخت خمس و زکات و ...

هراندازه اعتقادات یک فرد قوی‌تر باشد، پایبندی‌اش به احکام و ظواهر دینی بیشتر می‌شود و این پایبندی، از ارزش‌های اساسی جامعه منتظر به‌شمار می‌رود؛ زیرا اولاً جامعه منتظر در حقیقت نمایی از جامعه عصر ظهور است و ثانیاً با پایبندی جامعه اسلامی به ظواهر دین، زمینه برپایی ظهور فراهم می‌شود. جامعه منتظر ظهور، خواستار برقراری اسلام واقعی است؛ از این رو نمی‌تواند خود گرفتار مشکلاتی چون روزه‌خواری، بدحجابی و بی‌نمازی باشد. در واقع افراد یک جامعه با پایبندی به ظواهر اسلام می‌توانند صدق خود را در خواستن حکومتی کاملاً اسلامی نشان دهند.

توجه به این نکته از اهمیت بسیاری برخوردار است که عمل به احکام دین تنها وقتی بر مسلمان تأثیرگذار است که همراه با معرفت و شناخت خداوند باشد. در این صورت است که عملی سودمند و روبه‌رشد برای فرد مسلمان محسوب می‌شود (اسعدی، ۱۳۸۳، ص ۷۲-۷۳). این مطلب در سخنی زیبا از حضرت علی علیه السلام این‌گونه بیان شده است:

«متعبد جاهل همچون الاغ آسیاب است که دور خود می‌چرخد و حرکتی روبه‌جلو ندارد» (آمدی، بی‌تا، ص ۹۳، ح ۲۰۹۲).

### ۳-۲-۲. عدالت محوری

مسئله عدالت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ادیان الهی و همچنین از آرمان‌های بزرگ انسانی است. عدالت خواسته قلبی و فطری همه انسان‌ها است. عموم مردم انتظار دارند که روابط بین فردی و حتی گروهی و همچنین قوانین و مقررات جامعه و نهادهای اجتماعی براساس عدالت باشد. ملزومات اجتماعی و قوانین وضع شده در جامعه، آن زمان از دید مردم مشروعیت دارد که بر مبنای عدالت پایه‌ریزی شده باشند (عیسی‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۲).

درحقیقت عدالت جزو سنت‌های تغییرناپذیر الهی است که بر تمام عالم حکم فرماست. حضرت علی علیه السلام در این زمینه فرموده است:

«عدل پایه و ستونی است که هستی بدان پایرجا و استوار است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۸۳).

چیزی جز عدالت نمی‌تواند استمرار ملت‌ها و بقای دولت‌ها را ضمانت کند. چنانچه جامعه‌ای بتواند خود را با این اصل هماهنگ سازد، درواقع خود را با کل هستی هماهنگ کرده است. در قرآن کریم این ارزش چنین بیان شده است:

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۱۸).

در این آیه خداوند خود را اولین اقامه‌کننده عدل معرفی کرده، خود به آن شهادت داده و ملائکه و صاحبان دانش را هم بر آن گواه گرفته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برقراری عدالت از شروط حیاتی بقای یک جامعه منتظر است. جامعه‌ای که به انتظار تحقق حکومتی مانند حکومت عدل علی است، نمی‌تواند بدون عدالت خواهی داعیه انتظار سردهد.

## ۴-۲-۲. عدم دنیاگروی

به فرموده حضرت علی علیه السلام:

«هم چنان که خورشید و شب با هم جمع نمی‌شوند، دوستی خدا و دوستی دنیا نیز با هم جمع نمی‌گردند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۳۶، ح ۲۵).

به همین سبب، فردی که محبت دنیا را در دلش داخل کرده است، نمی‌تواند محبت خدا را وارد آن کند.

یکی از شاخه‌های دنیادوستی، مال دوستی است که هرگونه لذت زودرسی را شامل می‌شود. بزرگ‌ترین آفت دنیا مال است که هرانسانی به آن احساس نیاز می‌کند. از سویی نبود مال موجب فقر است و فقر در آستانه کفر قرار دارد و از سوی دیگر وجود مال باعث احساس غنا و سرکشی و طغیان است. برای همین تشخیص خیر و شرّ مال، امری دشوار است (نوری کلکناری، ۱۳۹۲، ص ۳).

قرآن مجید آیات متعددی در نکوهش مال دارد؛ از جمله:

﴿أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ \* حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾؛ تباختن شما را غافل کرد؛ تا

اینکه کارتان [و پایتان] به گورستان رسید ﴿تکاثر: ۱-۲﴾.

البته پیدا است که منظور از نکوهش مال دوستی، همان طور که در قرآن آمده، آن است که انسان را غافل کند. مال و ثروت ابزاری برای خدمت به انسان است و نباید به هدف تبدیل شوند. آنان که دل به خداوند داده‌اند، علاقه و انسشان را با عبادت برای خداوند اظهار می‌کنند و از دنیا تنها به اندازه ضرورتشان طلب می‌کنند؛ زیرا ایمان دارند که این دنیا و تمام متعلقات آن فانی و پایان پذیر است. انسان منتظر برای کسب مال حلال تلاش می‌کند تا هم روزی خود را به دست آورد و هم از مال برای ساختن جامعه منتظر بهره ببرد.

مؤمنان و منتظران حقیقی چنانچه درگیر مسائل دنیوی و لذت‌های نفسانی شوند، از حقیقت عبادت و بندگی دور خواهند شد و در پس این حب دنیا که در قلبشان ظاهر شده، مفاسد و امراض قلبی دیگری گریبان‌گیرشان خواهد شد. از این رو است که فرموده‌اند:

﴿حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ﴾؛ رأس هر خطایی، دوستی دنیاست» (منسوب به جعفر

بن محمد، ۱۴۰۰، ص ۱۳۸).

کسی که به اموال خود دل بسته باشد، نمی‌تواند به آسانی آن را به نیازمندی ببخشد و در راه

خدا خرج کند و در نتیجه ویژگی یک منتظر واقعی را نخواهد داشت. خوگرفتن افراد جامعه به دنیا موجب می شود جامعه از ارزش های جامعه منتظر فاصله بگیرد و ظهور محقق نخواهد شد. از این رو ویژگی عدم دنیاگری را از ارزش های جامعه منتظر می شمارند.

### ۵-۲-۲. انتظار پویا

از اعتقادات راسخ در تفکر شیعی، انتظار موعود به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی است. در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تأکید شده است؛ از آن جمله حدیث زیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ است:

«آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی پذیرد؟ گفتم: چرا. فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و فرستاده اوست و اقرار به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان - یعنی خصوص امامان - و تسلیم شدن به آنان و پرهیزگاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰).

منزلتی که در روایات اسلامی برای منتظران بیان شده است، به اندازه ای بزرگ است که این پرسش را به ذهن می آورد که چگونه عملی به ظاهر ساده، از چنین جایگاه و فضیلت بزرگی برخوردار است؛ اما با اندکی دقت در مفهوم انتظار، پاسخ به دست می آید. انتظار به این سبب از چنین جایگاهی برخوردار است که حلقه اتصال شیعه با امام معصومش است. انتظار اعلام پذیرش امامت و ولایت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الشَّرِيفِ است و همین امر سبب می شود که ارتباط شیعیان با امامشان، گرچه در حد ارتباطی قلبی و معنوی، حفظ شود و آنها از برکات حضور امام بهره ببرند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۲۱).

هنگامی که انسان ها به این باور برسند که خود توانایی برقراری جامعه موعود را ندارند، سعی در اصلاح خود می کنند تا زمان ظهور هرچه زودتر برسد و خود نیز از محنت نجات یابند. بنابراین باور به ظهور و منتظر بودن مقدمه اصلاح است. جامعه کنونی ما در عصر انتظار به سر می برد که طولانی ترین مرحله در تاریخ اسلام است. داشتن انتظاری پویا باعث کوتاه شدن این انتظار و تحقق ظهور می شود. انتظار پویا ویژگی هایی

دارد؛ از جمله آنها داشتن آگاهی است. منظور از آگاهی برخورداری از بینش توحیدی است؛ بدین معنا که فرد باور دارد تمام هستی از آن خداست و همه چیز در کف قدرت اوست و فرد از خود هیچ اختیاری ندارد. همچنین ایمان دارد که وعده الهی در شرایط دشوار سیاسی و در مواقع بحران و ناکامی، تحقق می‌یابد.

از دیگر ویژگی‌های انتظار پویا، امیدواری به تحقق یافتن وعده‌های خداوند به قدرت و اقتدار او است. فردی که انتظار پویا دارد و امیدوار است، با پیوند نیرو و توانش به قدرت الهی توان خود را پایان ناپذیر می‌کند.

مقاومت که از نتایج امیدواری در فرد است، دیگر ویژگی انتظار پویا است. فرد منتظر با وجود مسائل و مشکلات، به امید رسیدن به ساحل آرامش، تلاش می‌کند تا بر همه مشکلات غلبه کند؛ زیرا در درون خود، برای این امر، نیرویی شگرف می‌یابد و در نتیجه با ناملایمات از پا نمی‌افتد و برای رسیدن به نتایج، تلاش مضاعف دارد.

از دیگر وظایف منتظران در عصر انتظار، امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به سوی خدا، زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی دولت عدالت محور مهدوی، ایجاد آمادگی‌های فکری، تشکیلاتی، اعتقادی و ایمانی و ایجاد توانایی در نسل باایمانی است که امام را یاری می‌دهند. بدون شک وجود دعا به همراه حرکت و فعالیت و امر به معروف و نهی از منکر، از مسائلی است که باعث تعجیل در ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود. دعاهای بسیاری در خصوص ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست شیعیان رسیده که از جمله آنها دعای فرج و دعای عهد است (آصفی، ۱۳۸۴، ص ۵۷-۶۰).

### ۳. دلایل کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی در جامعه منتظر

ارزش‌هایی که در مبحث پیش بیان شد، اصول یک جامعه منتظر را تشکیل می‌دهند. با کم‌رنگ شدن هریک از آنها، جامعه به تدریج از حالت انتظار خارج می‌شود و در نتیجه شایستگی ظهور ولی خدا را نخواهد داشت.

در ادامه برخی از مهم‌ترین عواملی را که باعث کم‌رنگ شدن یا از بین رفتن ارزش‌ها می‌شود،

بررسی می‌کنیم:

### ۱-۳. رسانه

رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی کشورها پیوند محکمی با ارزش‌های والای فرهنگی دارد؛ به‌گونه‌ای که بی‌توجهی به آن موجب سستی و انحراف در اصول اعتقادی و ملی جامعه می‌شود. در دنیای امروز بیش از پیش آثار سوء این بی‌توجهی احساس می‌شود. رسانه به‌عنوان بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین عامل در نهادینه‌کردن ارزش‌ها، نقش بیشتری در ایجاد این آثار سوء در جامعه داشته است. رسانه‌ها با هر شکل و قالبی که دارند، می‌توانند به دین‌پذیری یا دین‌گریزی مردم دامن زنند. علت این مسئله این است که دین و رسانه از دیرباز رابطه تنگاتنگی با یکدیگر داشته‌اند و در دنیای معاصر این ارتباط یک واقعیت اجتماعی دوسویه است (کاشانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰). یکی از بزرگترین عواملی که زندگی در عصر کنونی را با گذشته متفاوت می‌کند، وجود رسانه‌ها با فناوری پیشرفته است. سرعت پیشرفت این رسانه‌ها روزه‌روز بیشتر می‌شود. در گذشته جریان انتقال فرهنگ به تدریج صورت می‌گرفت و جامعه‌ای که در معرض دریافت فرهنگ جدید بود، به آرامی و با توجه به منافع و مضار فرهنگ جدید، آن را می‌پذیرفت؛ اما در این روزگار، تأمل و تدریج جای خود را به سرعت و شتاب داده است و فرهنگ جدید به وسیله هجوم ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و جذاب، چنان بر ذهن و روان مخاطب اثر می‌گذارد که اندیشیدن، تصمیم‌گرفتن و انتخاب را برای هر فرد، بسیار دشوار و گاه مختل می‌کند (پویا، ۱۳۸۱، ص ۳).

بررسی تأثیر رسانه بر دین‌داری مردم، امری مهم در یافتن عوامل افول ارزش‌های دینی در جامعه منتظر است. اینجا از میان رسانه‌های موجود تنها تأثیر شبکه‌های اجتماعی و ماهواره و کارکرد آنها را بررسی می‌کنیم که در عصر حاضر بیشترین تأثیر را بر دین‌داری مردم دارند.

#### ۱-۱-۳. شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی نقش غیرقابل‌انکار، مهم و بسیار تأثیرگذاری در دنیای امروز دارند. گسترش و نفوذ شبکه‌هایی همچون «اینستاگرام»، «فیسبوک» و «توییتر» میان اقدار مختلف جامعه، به‌ویژه جوانان پیامدهای منفی‌ای در فرهنگ جامعه به‌جا گذاشته است که با گذر زمان، این آثار جزئی از عادت‌ها و خلق و خوی مردم شده است (رضائیان، ۱۳۹۳، ص ۲).

شبکه‌های اجتماعی از رسانه‌های مدرن‌اند که در سال‌های اخیر نقش ویژه‌ای در فرهنگ‌سازی جامعه و مردم پیدا کرده‌اند. یکی از قابلیت‌های آنها این است که تولیدکنندگان



برنامه‌ها، این امکان را دارند که اطلاعات و آگاهی‌ها را برای شمار بسیاری از مخاطبان ارسال و از این راه با انتشار دست‌اول اطلاعات، ارتباطی بسیار نزدیک و سریع با مخاطبانشان برقرار کنند (کاشانی، ۱۳۹۰، ص ۷۹).

## کارکرد

نسل جوان امروز دچار خلأهای بسیاری است و برای جبران آنها به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی گرایش پیدا کرده است. این شبکه‌ها کاربران را هرچه بیشتر به خود توجه می‌دهند و غرق می‌کنند. کاربران در این شبکه‌ها به دنبال پرکردن خلأهای خود هستند؛ اما در واقع خلأهایشان به وسیله این شبکه‌ها عمیق‌تر و درعین حال مخاطب بیش از پیش به آنها وابسته می‌شود.

از جذابیت‌های مهم این شبکه‌ها جنبه سرگرمی آنهاست. این قابلیت در سال‌های اخیر پررنگ‌تر شده و توانسته سن مخاطبان را به نوجوانان و حتی کودکان کاهش دهد. این مسئله نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی قادرند تربیت نسل آینده ما را به دست گیرند. بدین ترتیب نسلی که باید برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه تربیت شود، به نسلی مصرف‌گرا و غرب‌زده تبدیل خواهد شد.

این شبکه‌ها ابزار بسیار مناسبی برای مخالفان اسلام است که سعی دارند با نابودی نسل جوان و از بین بردن اسلام واقعی میان آنها، موانع ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه را بیشتر کنند. جامعه اسلامی و منتظر باید در مقابل چنین اموری طرح و برنامه داشته باشد تا بتواند پیامدهای منفی آنها را خنثی کند. آگاهی بخشی به نسل جوان، طراحی و ساخت شبکه‌های اجتماعی قدرتمند، مفید و سالم برای پاسخ‌گویی به نیاز جوانان، نهادینه کردن و تحکیم اعتقادات دینی از جمله اقداماتی است که اندیشمندان حوزه دین و فعالان فرهنگی می‌توانند در این زمینه انجام دهند.

در اینجا از میان کارکردهای متفاوت شبکه‌های اجتماعی تنها از کارکرد اطلاع‌رسانی آنها به علت اهمیت بیشتر آن بحث می‌شود. اساسی‌ترین کارکرد این رسانه انتشار جریان رویدادهای اجتماعی است که سبب شناخت بهتر فرد از محیط زندگی‌اش می‌شود و به او کمک می‌کند تا توجه به این شناخت، نیازهای فردی و جمعی خود را برطرف سازد. این کارکرد همچنین موجب

می‌شود فرد بینش صحیحی به‌دست آورد، قضاوت‌های درستی در برابر مسائل مختلف داشته باشد و به‌عنوان عضوی از جامعه، با داشتن آگاهی کامل نسبت به حقوق و مسئولیت‌هایش رفتار درستی در زندگی اجتماعی‌اش داشته باشد (معمد نژاد، ۱۳۷۱، ص ۱۲).

ویژگی مهم این کارکرد، سرعت آن در انتقال اطلاعات است. در شبکه‌های اجتماعی تازگی و به‌روزر بودن اخبار، اطلاعات و رویدادهای دینی اهمیت بسیار دارد. مزیت آنها نسبت به رسانه‌های دیگر در قابلیت کوتاه‌کردن و ساده‌کردن دسترسی به این‌گونه اطلاعات است (کاشانی، ۱۳۹۰، ص ۷۹). این مزیت باعث جذب مخاطبان بسیاری در زمینه‌های مختلف به شبکه‌های اجتماعی شده است. در شبکه‌های اجتماعی کاربران ارتباطی متفاوت با روابط رودررو را تجربه می‌کنند که ویژگی‌هایی همچون سرعت بالا، ناشناس ماندن و... دارد. این ویژگی‌ها ارتباط را برایشان جذاب‌تر می‌کند و تجارب متفاوتی را فارغ از جنسیت، طبقه، قوم، نژاد و مکان برای آنها ایجاد می‌کند.

ارتباطات کاربران اینترنتی با هم، جهت‌گیری‌های ذهنی و گرایش‌های جدیدی برای کاربران ایجاد می‌کند که رفتار آنها را در دنیای حقیقی تغییر می‌دهد. یکی از این تغییرات، هویت‌زدایی کاربران اینترنت است. پیشرفت فناوری‌های نوین در زمینه ارتباطات و اطلاعات سبب شکل‌گیری هویت‌های جدیدی شده است که با گذشته بسیار تفاوت دارد. این هویت‌های مجازی در حال فرامی‌تشتی شدن هستند. هویت انسان در فضای مجازی، حالتی بی‌ثبات و منعطف دارد و مدام در حال تغییر است.

این امر باعث سوءاستفاده جوامع غربی برای ضربه‌زدن به اعتقادات جوانان و از بین بردن هویت اسلامی و دینی آنان شده است. دولت‌های غربی برای این اهداف خود مطالعات و برنامه‌ریزی‌های بسیاری انجام می‌دهند؛ از جمله فرهنگ اسلامی و ایرانی و نیازهای مردم را به صورت دقیق مطالعه می‌کنند و از این طریق قادرند به‌آسانی باورهای مردم را به‌سوی آنچه می‌خواهند سوق دهند.

تغییر اندیشه در درجه اول بر دین‌داری مردم اثر می‌گذارد و در درجه بعد، بر سبک زندگی و اخلاق آنها. پس از آن، تغییر سایر ارزش‌های جامعه کار دشواری نخواهد بود. بدین سبب این دوران را دوران جنگ نرم می‌خوانند؛ چراکه بیشترین فعالیت و اثرگذاری دشمن بر جامعه

و دین‌داری مردم نه با ابزارهای نظامی، که از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. این مسئله اهمیت توجه به این حوزه را برای مقابله با شبهه‌افکنی‌ها و حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی بیش از پیش روشن می‌سازد.

## ۲-۱-۳. ماهواره

ماهواره به‌عنوان رسانه‌ای پیشرفته در فناوری ارتباطات، روابط طبیعی بین ارسال‌کننده پیام فرهنگی و دریافت‌کننده آن را کاملاً تغییر داده و این موازنه را به‌نفع ارسال‌کننده پیام، به‌هم زده است (پویا، ۱۳۸۱، ص ۳).

راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای فراوان، یکی از راهبردهای دولت‌های غربی برای ازبین بردن فرهنگ دینی و اسلامی بوده است. یکی از موارد استفاده از ماهواره برای تضعیف فرهنگ دینی، رواج بی‌بندوباری جنسی است. این شبکه‌ها با پخش برنامه‌هایی با محتوای هرزگی اخلاقی، فرهنگ ضداسلامی را به‌خصوص در جمهوری اسلامی گسترش می‌دهند و زندگی مادی و بی‌قیدوبند جنسی را ترویج می‌کنند.

مهم‌ترین و اساسی‌ترین معضل ماهواره هم‌خوانی نداشتن آن با فرهنگ دینی افراد است. فرهنگ غرب در تلاش است در مرحله نخست به خداباوری افراد جامعه دینی هجوم آورد؛ سپس با ترویج مفاسد دینی، به باورهای دینی آسیب زده و افراد جامعه منتظر را از دین‌گرایی دور کند (خبرگزاری بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۶). البته تنها راه مقابله منع افراد از استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، نیست. جامعه‌ای که هدف آن فرهنگ‌سازی برای انتظار و ظهور امام زمان است، باید ابتدا استفاده درست از تکنولوژی را به افرادش بیاموزد.

## ۲-۳. ترجمه کتب غربی

باوجود تبلیغات ضددینی فراوان در رسانه‌ها، جهان امروز تشنه دین است. ازاین‌رو مخالفان دین تلاش می‌کنند نیاز بشر به دین و مذهب را از طریق عرفان‌های نوظهور پاسخ دهند. این عرفان‌ها غالباً در جلسه‌ها، سمینارهای خصوصی و همچنین به‌صورت کتاب و جزوه به نسل جوان معرفی می‌شود.

هدف از ترویج چنین عرفان‌هایی ضربه‌زدن به دین، اسلام و جایگزین‌کردن افکار و

اندیشه‌های غربی است. نوشته‌های مربوط به این فرقه‌ها که کاملاً از فرهنگ غرب نشأت گرفته است، در قالب طرح مطالب جذاب به‌ویژه برای جوانان، برداشت‌هایی نادرست از دین به آنها القا می‌کند. به این ترتیب جوانان که غالباً از پدیده‌های نو استقبال می‌کنند، به‌علت کم‌تجربگی و ناآگاهی، به‌راحتی به پذیرش این مطالب تن می‌دهند.

در جامعه اسلامی که در آن زمینه برای ظهور منجی فراهم می‌شود، باید از منابع فرهنگی و دینی مناسب برای ارائه الگویی اسلامی درمقابل این تهاجم فرهنگی استفاده شود. متأسفانه به‌علت عملکرد ضعیف نهادهای فرهنگی و دینی تاکنون این اتفاق نیفتاده است.

### ۳-۳. رواج شبهات

شبهات یا باورهایی که آمیزه‌ای از حق و باطل‌اند، از مهم‌ترین آسیب‌های دین‌داری در عصر حاضرند. در جهان امروز وجود اندیشه‌ها و عقاید مختلف، بسیاری را دچار تشویش ذهنی کرده و در انتخاب راه درست به‌سختی انداخته است. کسانی با استفاده از این فضای پیچیده و ابهام‌آلود با انتشار مطالب نادرست و طرح شبهات، تشخیص حق از باطل را برای افراد دشوارتر می‌کنند.

برخی شبهات در زمینه‌های اعتقادی و سیاسی و با اهداف بلندمدت طراحی می‌شوند. از آنجا که بسیاری از این شبهات در ذهن افراد پاسخی نمی‌یابند، پایه‌های اعتقادی آنان سست می‌شود و آنها نسبت به اصول دینی و مبانی سیاسی جامعه اسلامی بدبین می‌شوند. بعد از این، قربانیان شبهات خود ابزار فرهنگ مهاجم می‌شوند و به خدمت برنامه آنها برای نفوذ اندیشه‌های ضددینی درمی‌آیند (کیا، سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۷).

در عصر حاضر، وجود شبهات در زمینه‌های مختلف، بسیاری از دین‌داران را بی‌آنکه بخواهند، از دین و ایمانشان دور کرده است:

کارکرد شبهات و آسیب‌های آنها درخصوص ایمان، در سخنان امام علی علیه السلام بیان شده است که برخی از آنها را به‌اختصار مطرح می‌کنیم:

### ۳-۴-۱. تاریخ ساختن فضای فکر و اندیشه

زمانی که مؤمن گرفتار شبهه‌ای شود که توانایی لازم را برای تجزیه و تحلیل آن نداشته باشد، تشخیص حق از باطل برایش دشوار می‌شود و به‌خطا می‌رود. علت این مسئله در ماهیت شبهه نهفته است که در آن فضا مبهم است و حق و باطل با هم آمیخته شده‌اند. باین‌همه فردی که

آگاهی و بصیرت کافی در زمینه دین دارد، در شبهه گرفتار نمی‌شود.

در واقع بین شبهه و دریافت نادرست از دین، رابطه متقابل برقرار است؛ یعنی همان‌گونه که شبهات باعث درک نادرست از دین می‌شوند، درک نادرست از دین نیز می‌تواند باعث ایجاد شبهه در فرد شود؛ بنابراین مهم‌ترین مسئله در خصوص شبهه، داشتن آمادگی کافی و رعایت اصول صحیح در برخورد با آن است. آمادگی برای مقابله با شبهه از جمله به‌وسیله آشنایی همه‌جانبه و عمیق با مبانی دینی به دست می‌آید. کسانی که این ویژگی‌ها را ندارند، باید در برخورد با شبهات، جانب احتیاط نگه دارند و به اهل علم و بصیرت مراجعه کنند (اسعدی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶-۱۸۷).

### ۲-۴-۳. رواج شک و تردید در باورهای دینی

یکی از مهم‌ترین نتایج شبهه، ایجاد شک و تردید در باورها و عقاید فرد و از دست دادن قدرت تشخیص حق از باطل از او است. هنگامی که مسائل از جهات مختلف با یکدیگر شباهت داشته باشند، فرد در تشخیص و انتخاب دچار سردرگمی می‌شود و یقین و اطمینانش را از دست می‌دهد. در کلام حضرت علی علیه السلام، شبهات مایه کوری و حجاب شناخت معرفی شده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۸۳، ص ۱۳۶).

از آنجاکه داشتن ایمان در جامعه منتظر نیازمند معرفت است، ایجاد شک و تردید در آن، آسیب جدی به ایمان فرد منتظر وارد خواهد ساخت. در واقع شک و تردید، باور و ایمان قلبی و یقینی منتظر را سست می‌کند و چنانچه این شک و تردید در فرد استمرار داشته باشد، ایمانش به‌طور کامل از دست می‌رود. به فرموده امام علی علیه السلام:

«تداوم شک موجب حدوث شرک است» (آمدی، بی تا ۳۳۵، ح ۹۴).

در نتیجه عدم ایمان و یقین، اعمال عبادی فرد نیز بی‌ارزش می‌شوند و جنبه عملی دین‌داری نیز نقصان و کاستی می‌یابد (اسعدی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۸-۱۹۰).

### ۳-۴-۳. دشوار کردن تشخیص وظیفه

از آنجاکه در شبهات تشخیص حق و باطل دشوار است، افراد نمی‌توانند به درستی وظایف دینی خود و حلال و حرام خدا را بشناسند؛ از این‌رو در معرض گناهان قرار می‌گیرند و هیچ‌گاه اطمینان ندارند که به وظیفه خود عمل کرده‌اند و مسئولیت خود را انجام داده‌اند. در روایتی از امام علی علیه السلام، آمده است:

«بپرهیز از افتادن در شبهات و حریص بودن به خواهش‌ها. پس به درستی که آنها تو را به افتادن در حرام و ارتکاب بسیاری از گناهان می‌کشانند» (آمدی، بی‌تا، ۱۵۶، ح ۹۲). براساس این حدیث در خصوص اینکه چگونه شبهات فرد را به انجام اعمال حرام و ارتکاب گناهان می‌کشانند، دو احتمال وجود دارد: اول اینکه، فردی که در دام شبهات می‌افتد، به تدریج بر انجام گناهان جرأت پیدا می‌کند و مرتکب گناه می‌شود. دیگر اینکه، در شبهات، شرایطی برای فرد پیش می‌آید که ناگزیر گناهان بسیاری مرتکب می‌شود؛ چراکه گناه و غیر گناه با هم آمیخته شده‌اند و از هم تشخیص داده نمی‌شوند.

از سوی دیگر ارتکاب محرمات و ترک فرائض مؤمنان را به انحراف عملی از دین داری می‌کشاند و چنین فردی سرانجامی جز تیره‌بختی و شقاوت ندارد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۶۶) این انحرافات عملی به معرفت و بینش آسیب می‌زند و انحراف فکری را موجب می‌شود و در نتیجه ارزش‌ها را از بین می‌برد (اسعدی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱-۱۹۲).

#### ۴-۳. ایجاد زمینه برای سوءاستفاده منافقان و سیاستمداران

فضای غیرشفاف و پرتردید شبهه، بسیار مورد سوءاستفاده جریان‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد. این گروه‌ها همواره به دنبال فرصت‌اند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و به منافع خود دست پیدا کنند. حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای یکی از ویژگی‌های منافقان را این دانسته است که با گفتارشان، دیگران را به تردید و اشتباه می‌اندازند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۴، ص ۴۰۸). با توجه به این مسئله دشمنان و مخالفان، برای رسیدن به اهداف خویش، فضای جامعه را شبهه‌آلود می‌کنند تا دین‌داری هم از جهت فردی و هم از جهت اجتماعی دچار آسیب شود (اسعدی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲-۱۹۴).

#### ۵-۴-۳. از بین رفتن روحیه مقاومت و پایداری

فردی که در آرمان‌ها و اهدافش به یقین رسیده است، در راه رسیدن به اهدافش تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد و از هیچ مانعی نمی‌هراسد؛ اما کسی که گرفتار شبهه شده و در درک حقایق به مشکل برخورد کرده است، انگیزه‌ای برای رویارویی با موانع و تحمل سختی‌ها ندارد و انگیزه جهاد و مبارزه را از دست خواهد داد (همان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخنرانی‌ای در سرزمین «ذی‌قار» اصحاب جمل و ناکتین را

سرزنش و از تهدید آنان به جنگ، اظهار شگفتی کرده و علت نترسیدنش از جنگ را نداشتن شک و تردید بیان نموده است:

«شگفتا! از من خواستند به میدان نبرد آیم و برابر نیزه‌های آنان قرار گیرم و ضربت‌های شمشیر آنان را تحمل کنم! گریه‌کنندگان بر آنها بگریند! تاکنون کسی مرا از جنگ نترسانده و از ضربت شمشیر نهراسانده است. من به پروردگار خویش یقین داشته و در دین خود شک و تردیدی ندارم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲، ص ۶۷).  
در جامعه منتظر برخورداری از روحیه مقاومت، از اساسی‌ترین نیازهای جامعه است و بدون آن ارزش‌های دینی هم افول خواهد کرد.

### ۳-۵. عالمان دنیازده

سخنان اخلاقی و تبلیغ گفتاری تأثیر مهمی بر هدایت انسان‌ها دارد؛ اما اگر عالمان دینی و متولیان تبلیغ و فرهنگ، خود در عمل معتقد به باورها و آراسته به خصلت‌ها و کمالات پسندیده و عاری از صفات ناپسند نباشند، مردم آن‌گونه که بایسته است، آموزه‌های دینی را جدی نمی‌گیرند و به تدریج از آنها روی‌گردان می‌شوند.

عملکرد مثبت یک فرد، چنان تأثیر چشمگیری بر دل‌ها می‌گذارد که چندین سخنرانی پرجاذبه هم نمی‌تواند آن تأثیر را ایجاد کند (شکوهی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳).  
آیت‌الله شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله علیه در این زمینه نوشته است:

«هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید مردم از انبیا و اولیا زیاد پیروی می‌کنند؛ ولی از حکما و فلاسفه آن قدرها پیروی نمی‌کنند؛ چرا؟ برای اینکه فلاسفه فقط می‌گویند، فقط مکتب دارند، فقط تئوری می‌دهند؛ اما در گوشه حجره‌اش نشسته است. هی کتاب می‌نویسد و تحویل مردم می‌دهد؛ ولی انبیا و اولیا، تنها تئوری و فرضیه ندارند؛ عمل هم دارند. آنچه می‌گویند، اول عمل می‌کنند؛ حتی این‌طور نیست که اول بگویند؛ بعد عمل کنند. اول عمل می‌کنند؛ بعد می‌گویند. وقتی انسان بعد از آنکه خودش عمل کرد، گفت، آن گفته، اثرش چندین برابر است» (مطهری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۰۶).

در سخنان امام علی علیه السلام هم آمده است:

«مردم را به دین دعوت کنید؛ اما نه با زبان. با غیر زبان دعوت کنید» (کلینی،

۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۸).

انسان با عمل خود می‌تواند جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. در این میان تأثیرگذاری علمای دین بر رفتار دینی مردم بیشتر از سایر اقشار جامعه است؛ از این رو رفتار آنها و به طور کلی رفتاری همه متولیان دین، در تحکیم جایگاه دین یا تضعیف آن نقش بسیار مهمی دارد. رفتار عالمان دنیا زده و بی‌عمل مردم جامعه را به دنیا طلبی سوق می‌دهد و آنها را از ارزش‌های جامعه منتظر دور می‌کند.

#### ۴. پیشنهادها

برای حفظ یک جامعه منتظر و جلوگیری از استحاله فرهنگی آن، باید عواملی را که ارزش‌های آن را کم‌رنگ می‌کنند یا تغییر می‌دهند، از بین برد. بدین منظور در ادامه راهکارهایی مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد کاربست آنها تأثیر مهمی در این زمینه داشته باشد:

##### ۱-۴. رواج سرگرمی‌های حلال

سرگرمی‌های حلال، علاوه بر اینکه مانع گرایش افراد به سرگرمی‌های حرام می‌شود، با ایجاد روحیه شاد در افراد، انگیزه آنها را برای اصلاح شرایط فردی و اجتماعی‌شان افزایش می‌دهد. کارهایی نظیر برگزاری مناسبت‌های دینی، هم‌نشینی و مصاحبت با دوستان خوب، سفرهای زیارتی و سیاحتی، بازی‌های مناسب و هدفمند، تماشای فیلم و سریال‌های سالم و آموزنده و ترویج ورزش‌های سالم مانند شنا، کوهنوردی، دوچرخه‌سواری، با ایجاد نشاط درونی، روحیه فرد را تقویت کرده و او را آماده می‌سازد تا برای اصلاح عیوب خود و سپس جامعه‌اش قدم بردارد و جامعه را برای ظهور منجی آماده سازد.

##### ۲-۴. شناسایی شبهات و پاسخ به آنها

شناسایی شبهات و پاسخ دقیق و صحیح به آنها مانع بسیاری از آسیب‌ها به ارزش‌ها است. از جمله اقدامات در این زمینه تشکیل گروه‌های تخصصی علمی برای شناسایی شبهات و پاسخ



به آنهاست. همچنین ترویج مطالعه کتاب‌های اعتقادی که باعث تقویت باورهای اعتقادی و دینی جوانان می‌شود، می‌تواند با افزایش سطح معلومات دینی جوانان، در برخورد با شبهه به آنان کمک کند.

### ۳-۴. مقابله با اندیشه‌های غربی

جوان امروز همواره به دنبال اندیشه‌های تازه‌ای است تا با آنها عطش فکری و روحی خود را پاسخ دهد. از آنجاکه در این زمینه بیش از هر چیز با کتاب‌های ترجمه‌شده غربی روبه‌رو می‌شود، تحت تأثیر اندیشه فرهنگ غرب قرار گرفته و با باورهای دینی‌اش فاصله می‌گیرد. اندیشمندان مسلمان می‌توانند براساس نیاز جوانان، با تولید نوشته‌های جذاب و جوان‌پسند همچون رمان، نیاز فکری و روحی جوانان را تأمین کنند و از این طریق راه نفوذ اندیشه‌های غربی را ببندند.

### ۴-۴. آموزش عالمان

برخی از عالمان دینی با وجود برخورداری از دانش فراوان، تأثیر چندانی بر جامعه ندارند. آموزش عالمان دینی برای برقراری ارتباط مؤثر با جامعه یا فراهم کردن زمینه استفاده از عالمان دینی برای مردم، عاملی بسیار مهم و تأثیرگذار در احیای فرهنگ و ارزش‌های دین و خنثی کردن عوامل تغییر ارزش‌های دینی است.

### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی مهم‌ترین شاخصه‌های یک جامعه منتظر، پایبندی به ارزش‌هاست؛ ارزش‌هایی که نجات‌بخش و اصلاح‌کننده جامعه است و با وجود آنها، جامعه برای ظهور منجی آماده می‌شود. در جامعه کنونی عوامل بسیاری بر این ارزش‌ها اثر گذاشته و آنها را کم‌رنگ کرده یا تغییر داده است. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای، متون ترجمه‌شده غربی، رواج شبهات و عالمان دنیازده. شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای از یک سو با تولید برنامه‌ها و بازی‌های سرگرم‌کننده، موجب غفلت افراد جامعه و به‌ویژه جوانان از ارزش‌های دینی شده‌اند و از دیگر سو با ترویج فرهنگ ابتذال و بی‌بندوباری جنسی، باعث کم‌رنگ شدن اعتقادات و گرایش آنان به فرهنگ مادی شده‌اند.

برخی، متون ترجمه شده غربی را به عنوان ابزاری برای حمله به اعتقادات اسلامی، تفکرات اومانیستی، لیبرالی و نهیلیستی رواج می دهند که در نقطه مقابل مبانی، اصول و اهداف جامعه دینی و منتظر قرار دارد. مخاطب عمده این متون، قشر دانشگاهی و فرهیخته جامعه است. از آنجاکه در فضای شبهه آلود، تشخیص حق از باطل دشوار می شود، چنین فضایی فرصتی مناسب برای تهاجم فکری و فرهنگی و تغییر ارزش ها و جایگزینی ضدارزش ها است. شبهات سبب می شوند اعتقادات و باورهای مردم که آشنایی کمتری با مبانی دینی دارند، سست شود و این به انحراف عملی در دین داری آنها می انجامد.

عالمان دنیازده هرچند در زبان از ارزش های دینی سخن می گویند، در عمل فرهنگ دنیاطلبی و مادی گرایی را ترویج می دهند. به جهت تأثیرپذیری مردم از رفتار عالمان و متولیان دین، اگر ارزش های دینی را در سیره عملی این گروه مشاهده نکنند، اعتقادات دینی را جدی تلقی نکرده و در عمل به آموزه های دینی سست می شوند.

## فهرست منابع

### کتاب‌ها

#### قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۹.
۲. آصفی، محمدمهدی، انتظارپویا، دوم، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۴.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام، مترجم: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲.
۴. اسعدی، علیرضا، امام علی علیه السلام و دین‌داری: پژوهشی در آسیب‌شناسی دین‌داری، قم: آیت عشق، ۱۳۸۳.
۵. النعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر، کتاب الغیبه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، محقق / مصحح: سیدمهدی رجائی، قم: دارالکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، مترجم: محمدعلی انصاری، جلد دوم، قم: دارالکتب، بی‌تا.
۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم، انتظار، بایدها و نبایدها، تهران: موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۶.
۹. شکوهی، علی، عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۱۰. کاشانی، مجید، نقش رسانه‌ها بر دین‌گریزی و دین‌پذیری در جوامع مختلف، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۰.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، جلد ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، محقق / مصحح: جمعی از محققان، جلد ۷۵، بیروت: دارأحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۶.
۱۴. معتمدنژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۱.
۱۵. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، مصباح الشریعه، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ق.

### مقالات

۱. احمدوند، معروف علی و سمیه طاهری اندانی، «نقش اعتقاد به خدا در معنابخشی به زندگی»، تحقیقات کلامی، ش ۱۱، زمستان ۱۳۹۴، ص ۷-۲۰.
۲. پویا، علی‌رضا، «ماهواره و مخاطرات فرهنگی»، علوم اجتماعی، پژوهش‌های ارتباطی، ش ۳۰ و ۳۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۵-۱۶۹.

۳. عیسی‌زاده، خالد و بشارت عیسی‌زاده، «جایگاه عدالت در حکومت اسلامی»، حبل‌المتین، ش ۲۱، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۲۰-۱۳۶.
۴. نوری کلکناری، مه‌ری، «دنیا و دنیا‌گرایی»، نامه جامعه، ش ۱۰۷، آذر و دی ۱۳۹۲، ص ۴-۹.
۵. نوری کلکناری، مه‌ری، «دنیا و دنیا‌گرایی (قسمت دوم و پایانی)»، نامه جامعه، ش ۱۰۸، بهمن و اسفند ۱۳۹۲، ص ۳۶-۴۰.

#### سایت‌ها

۱. کیا، سارا، [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir)، باشگاه خبرنگاران جوان، شبهات فضای مجازی، روش نوین نفوذ بر باورهای جوانان، گروه فضای مجازی؛ دنیای ارتباطات، ۲۸ شهریور ۱۳۹۷.
۲. خیرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، [www.Iqna.ir](http://www.Iqna.ir)، بررسی آثار و مضرات ماهواره بر فرهنگ دینی، شعب استانی: کردستان، ۱۳۹۶.

# مسئولیت‌گریزی در عصر غیبت

ربابه محمدیگی<sup>۱</sup>

نیره‌سادات اسماعیلی طباطبائی<sup>۲</sup>

## چکیده

در دین اسلام، انسان علاوه بر مسئولیت عبادی (در برابر آفریدگار) و مسئولیت فردی (شناخت خود و صیانت از نفس)، مسئولیت اجتماعی نیز دارد. مقاله حاضر به دنبال تبیین مفهوم مسئولیت‌پذیری در دوران غیبت است. روش تحقیق در این مقاله اسنادی است و در آن تلاش شده است مجموع متون غربی در کنار گزیده‌ای از مشهورترین آیات و روایات و شروح آنها بررسی شود. سؤال اصلی تحقیق این است که: مسئولیت‌گریزی در دوران غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چه مؤلفه‌ها و مصادیقی دارد؟ این مسئله مهم در جوامع امروزی، به‌ویژه جامعه ایرانی تبیین شده است. پس از تبیین موضوع، پنج راهکار یا وظیفه اجرایی که می‌تواند مانع مسئولیت‌گریزی در جامعه باشد، مطرح شده است.

این راهکارها عبارت‌اند از: ارائه الگوهای مناسب رفتاری، کلامی، ظاهری، برای نهادینه‌شدن مسئولیت‌پذیری میان اقشار جامعه، زدودن فقر فرهنگی و تقویت بینش مهدی‌گرایانه در منتظران واقعی در جامعه، اصلاح جامعه در مسیر کاهش آسیب‌های اجتماعی، پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی بیگانگان برای تضعیف ارزش‌های دینی و تحریف آنها و فراهم‌کردن امکانات مناسب برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر. واژگان کلیدی: اسلام، مسئولیت‌پذیری، مسئولیت‌گریزی، انتظار، غیبت

۱. دانشجوی دکتری الهیات - کلام جدید، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و استاد جامعه الزهرا ع

۲. دانشجوی دکتری الهیات - کلام اسلامی دانشگاه پردیس قم و استاد جامعه الزهرا ع

## مقدمه

اسلام مجموعه‌ای جامع از راهبردهای فردی و اجتماعی است و سبک زندگی خاصی را با بیان بایدها و نبایدها و ارزش‌ها و ضدا ارزش‌ها برای رشد همه‌جانبه انسان‌ها ارائه نموده است که سعادت حقیقی تنها در پرتو عمل به این راهبردها محقق خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که ارتباطی مستقیم با زندگی انسان‌ها در عصر غیبت دارد و در دنیای مدرن نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، مقوله «مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی» است. انسان ذیل مفهوم مسئولیت، می‌پذیرد که به‌عنوان شهروندی آگاه، وظایف اجتماعی و فرهنگی خاصی دارد و به‌منظور داشتن روابط اجتماعی آگاهانه و ایمن، ملزم به رعایت آنهاست. همچنین به‌عنوان انسانی متعهد و دارای اراده در پیشگاه خداوند، نسبت به سایر انسان‌ها و دیگر آفریده‌ها نیز حقوق و تکالیفی دارد که باید نسبت به آنها پاسخ‌گو باشد. بنابراین مفهوم مسئولیت‌پذیری در گُنه ارزش‌های اخلاقی و الگوهای رفتار اجتماعی نهفته است و نمی‌توان تحقق حیات اجتماعی را بدون در نظر گرفتن آن متصور شد.

از دیدگاه دین اسلام، تعهدپذیری و مسئولیت‌پذیری انسان پیشینه‌ای به قدمت تاریخ خلقت بشری دارد؛ یعنی از همان لحظه که به‌امر پروردگار روح الهی در وجودش دمیده شد و مسجود درگاه الهی گردید، به‌علت بهره‌مندی از حق انتخاب، آزادی اراده، اختیار و رسیدن به مقام شایسته و عظیم خلیفه‌اللهی، مسئولیت مسئولانه و انسانی‌زیستن را برعهده گرفت. بنابراین انسان از بدو آفرینش، به‌مشق مسئولیت‌پذیری و ممارست نسبت به اجرای آن در جهان هستی پرداخت و در برابر خالق بی‌همتای خود، نفس خود و جهان پیرامونش مسئولیت خطیر انسان بودن را پذیرفت (حسینی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۲۸۰).

به‌بیان دیگر طبق آموزه‌های دینی، انسان علاوه بر تعهد و مسئولیت‌عبودی (در برابر آفریدگار خود) و مسئولیت فردی (شناخت خود و صیانت از نفس) مسئولیت اجتماعی نیز دارد و بدون حضور در جامعه، پیمودن راه تکامل در مسیرهای دیگر نیز برای او قابل‌تصور نیست. بنابراین تقابل انسان‌ها در چهارچوب تکالیف، مسئولیت‌ها و وظایف تعیین می‌شود. در نگرش اسلامی، انسان‌ها با الزامات و بایدهای بیرونی روبه‌رو هستند و فرد در قبال آنها نیز با نیرویی نشأت‌گرفته از درون مواجه می‌شود (باقری، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰).

در جامعه اسلامی انتظار می‌رود افراد به ریسمان الهی چنگ زده، حول محور ایمان به خداوند، پیمان‌های اجتماعی خود را استوار سازند تا شیرازه روابط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه بنیان یابد. این امر نیز جز با آموختن مسئولیت‌پذیری افراد جامعه و نهادینه کردن و پایدارسازی آن در رفتارهای فردی و اجتماعی ممکن نخواهد بود؛ بنابراین گریز از مسئولیت موجب پراکندگی اجزای جامعه از هم و آسیب‌پذیری و شکنندگی ساختارهای اجتماعی می‌شود و ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد می‌سازد. روایت: «كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ به راستی که همه شما حافظ و سرپرست و پاسخ‌گوی زیردستان خود هستید»، به همین مطلب اشاره دارد (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۲، ص ۳۸).

زمانی که از انسان و رفتارش سخن گفته می‌شود، در کنار واژه «مسئولیت‌پذیری»، مفهوم متقابل آن یعنی «مسئولیت‌گریزی» نیز برجسته می‌شود. بی‌توجهی انسان به مسئولیت فردی و اجتماعی او را دچار خودخواهی و خودمحوری می‌کند و پیوندش را با عناصر و عواملی که به نحوی در سرنوشت او مؤثر هستند، سست می‌کند.

به‌گفته سبحانی نژاد و نجفی در مقاله «تحلیل ابعاد شناسانه مسئولیت در سبک زندگی اسلامی»، متأسفانه این اصل مهم در جوامع امروزی و به اصطلاح مدرن انسانی، کم‌رنگ و پایبندی بدان ضعیف شده و بسیاری از افراد به راحتی از پذیرش مسئولیت خود در قبال دیگران شانه خالی کرده و غافل هستند که چه زیان‌های جبران‌ناپذیری به جامعه وارد می‌کنند (سبحانی نژاد و نجفی، ۱۳۹۳). همچنین حسینی و همکارانش در مقاله «بررسی بُعد اجتماعی مسئولیت از نظر اسلام و قرآن»، ابعاد گوناگون این مسئله را مطرح کرده و بیان داشته‌اند که یافته‌های ماعدتاً در حد تئوری و نظریه مانده‌اند و نتوانسته‌ایم راهکاری کاربردی و عملی برای ضعف مسئولیت‌پذیری در جامعه نوگرای اسلامی-ایرانی خود ارائه دهیم (حسینی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۹-۳۰۴).

با وجود آنکه مسئولیت‌پذیری جایگاهی مهم در آموزه‌های دین دارد و هدف غایی نظام‌های پرورشی و تربیتی است، یافته‌های پژوهش‌های مذکور نشان می‌دهند که تاکنون این مهم در خصوص جامعه منتظر و وظایف و مسئولیت‌های فرد بررسی نشده است. بنابراین هم از نظر کاربرد مفهومی مسئولیت و ضرورت اجتماعی آن در نظام اجتماعی و هم از نظر نبودن آن در عصر غیبت، پرداختن به این مسئله مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

به منظور تبیین مسئله «مسئولیت‌گریزی در عصر غیبت»، در این تحقیق نخست این مفهوم بررسی می‌شود. سپس با تبیین چالش‌های پیش‌روی انسان معاصر در عصر غیبت، مؤلفه‌های مسئولیت‌گریزی و مسئولیت‌پذیری با رویکردها و راهکارهای قرآنی و روایی کاوش می‌شود. مسئله اصلی مورد کاوش در این پژوهش، چگونگی مسئولیت‌گریزی در دوران غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مؤلفه‌ها و مصادیق آن در جامعه اسلامی است که لازم است در ابتدا به چند سؤال فرعی نیز پاسخ داده شود؛ مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی در فرهنگ اسلامی و بر مبنای آیات و روایات چگونه تبیین و تعریف می‌شوند؟ چگونه می‌توان با یاری جستن از آموزه‌های فردی و اجتماعی دین اسلام و به‌کار بستن آنها در زندگی و با افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی زمینه ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم ساخت؟

این مطالعه با روش تحلیلی-توصیفی و کتابخانه‌ای و با بررسی متون اسلامی صورت گرفته است. با توجه به موضوع مقاله، جامعه تحلیلی تحقیق، تمام منابع مرتبط با موضوع را شامل می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی مسئولیت

مسئولیت به معنای پاسخ‌گوبودن و مورد بازخواست قرارگرفتن است. از نظر لغوی مسئولیت را مترادف با موظف‌بودن یا متعهدبودن به امری می‌دانند. این واژه همواره با واژه‌هایی مانند وظیفه، تکلیف، تعهد و حقوق متقابل تلازم دارد. واژه مسئولیت‌پذیری در رشته‌های فلسفه، جامعه‌شناسی، حقوق و روان‌شناسی به‌کار رفته است (رستمیان، ۱۳۹۳، ص ۳۳).

جان استوارت میل<sup>۱</sup>، از فیلسوفان مشهور غرب، در مقاله خود با عنوان «در مورد آزادی» از این واژه استفاده کرد. وبر<sup>۲</sup> نیز با مطرح‌کردن واژه «اخلاق مسئولیت» زمینه ورود این واژه به جامعه‌شناسی و علوم انسانی غیردینی را فراهم نمود (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۵۵). در ادیان الهی نیز مفهوم مسئولیت به معنای چیزی برگردن کسی بودن و در عهده و ضمان و پایبندی او بودن است.

واژه «مسئولیت» و ریشه‌های آن از گروه واژه‌هایی است که به صورت مکرر، در جای جای قرآن کریم به آن تصریح شده است. با نگاهی به این‌گونه آیات که در برخی از آنها بر پرسش‌گری



خداوند از انسان‌ها تأکید شده است، به خوبی می‌توان دریافت که مقصود از سؤال و مسئولیت، پرسش‌گری در برابر وظیفه و تکلیف یا به تعبیر دیگر مؤاخذه است. در قرآن آمده است:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾<sup>۳</sup>

و از آنچه بدان آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و قلب همگی مسئول هستند﴾ (حاجی زاده و آورجه، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳-۱۳۹).

انسان‌ها نسبت به انتخاب‌هایشان مسئول‌اند و باید پاسخ‌گوی اعمالشان باشند. هرگاه انسان متعهد به انجام کاری می‌شود، درحقیقت مسئولیت انجام آن کار را پذیرفته است. در سبک زندگی اسلامی به مسئولیت‌پذیری به‌عنوان مؤلفه‌ای که به همه جنبه‌های حیات انسان رنگ و بوی معنوی و الهی می‌دهد نگاه می‌شود؛ زیرا انسان دارای نیازهای پنج‌گانه هرم مازلوئی، اگر در پناه ارزش‌های دینی و معنوی قرار نگیرد، یکسره تابع هواهای نفسانی می‌شود و تنها به دنبال تأمین نیازهای پایان‌ناپذیر خود می‌رود. در مقابل مسئولیت‌پذیری، مسئولیت‌گریزی مطرح می‌شود. دین اسلام با توجه به شناخت جامع انسان و نیازهای گوناگون او و بر مبنای توانایی‌ها و توانمندی‌هایش، مسئولیت‌های انسانی را تبیین نموده است و انجام‌ندادن هر یک از آنها به معنای مسئولیت‌گریزی است.

عالمان مسلمان مسئولیت‌پذیری اجتماعی را غالباً در دو عرصه تعیین می‌کنند: الف) وظایفی که مربوط به نهاد خانواده است و به آن «تدبیر منزل» گفته می‌شود؛ ب) وظایفی که انسان‌ها فارغ از نسبت‌های خویشاوندی، همسایگی و سایر پیوندهای اجتماعی نسبت به یکدیگر برعهده دارند. اجرا و رعایت قسم دوم، یا به حکم انسان بودن (در مقام آفرینش) و یا در جایگاه مسلمان بودن (در مقام دین‌داری و خدااباوری) به افراد جامعه اسلامی واگذار شده و چنانچه افراد از رعایت آنها سرباز زنند، مانند سایر عرصه‌های مسئولیت‌پذیری مرتکب گناه می‌شوند و از وظیفه انسانی خود در نظام آفرینش باز می‌مانند (حاصلی نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴).

به‌علت عدم حضور آشکار امام زمان عجله الله تعالی فرجه الشریح در دوران غیبت و نبود امکان رؤیت آن حضرت برای همه مسلمانان،<sup>۳</sup> مقوله مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی در این دوران به نوعی با مفهوم انتظار و وظایف مسلمان منتظر به صورت فردی و اجتماعی در هم ادغام شده و این درهم‌تنیدگی معنا و جایگاه خاصی بدان بخشیده است.

در آموزه‌های اسلامی، انسان از آن جهت که انسان است، دارای مسئولیت‌های خاصی در ارتباط با خدا، خویشتن، انسان‌ها و جهان هستی است که در صورت توجه، پذیرش و شکوفاسازی تمام آنها، زندگی آدمی نظامی مطلوب به خود می‌گیرد و انسان به کمال شایسته خود رهنمون می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۵۵). در واقع در منطق قرآنی، رفتار مسئولانه از شاخص‌های انسان سالم است که تقویت و رشد آن جز با شناسایی عوامل مؤثر بر رفتار مسئولانه امکان‌پذیر نیست. در نظر گرفتن مواردی مانند اصل تناسب تکلیف با توان فرد و پی‌گیری مسیر عمل به تکالیف، از جمله نکات مهم در جهت افزایش مسئولیت است و اساساً طرح آن در قرآن، به منزله آن است که قرآن به جامعه‌شناسی و زندگی اجتماعی انسان، نگرش دقیق و جامعی دارد.

ذکر دو نکته درباره سطوح مسئولیت‌پذیری اجتماعی انسان‌ها در الگوهای رفتاری و آموزه‌های معرفتی اسلامی مهم می‌نماید: نخست اینکه مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی همواره دو روی یک سکه هستند و نبود یکی در نهاد یک فرد، به معنای وجود دیگری است. به دیگر سخن افراد یا نسبت به وظایف و تکالیف محوله مسئولیت‌پذیرند یا مسئولیت‌ناپذیر؛ یعنی گاهی مامشات می‌کنند و از پذیرش مسئولیت‌ها شانه خالی می‌کنند یا فرافکنی کرده و مسئولیت‌ها را با دلیل تراشی و بهانه‌گیری به دیگران واگذار می‌کنند. در ادبیات اسلامی، این دو جلوه‌هایی از مسئولیت‌ناپذیری است.

دومین نکته اینکه تمام ابعاد چهارگانه مسئولیت‌پذیری همواره به یکدیگر پیوسته هستند و با هم پیوندی ناگسستنی دارند (میراشرفی، ۱۳۸۱، ص ۴۶)؛ از این رو عدم پرورش و بی‌اعتنایی در یک بُعد اعم از فردی، اجتماعی، زیست‌محیطی و الهی و معنوی، به این معناست که فرد به رشد و تعالی کامل نرسیده است. علت این است که لایه‌های مسئولیت‌پذیری درهم تنیده شده‌اند. بنابراین بر همدیگر کنش و تأثیرگذاری دارند و لازم و ملزوم یکدیگر هستند. در نتیجه برای ترسیم الگوی مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی باید چندگانگی آن را در نظر گرفت.

برای ارائه تصویری از جامعه مسئولیت‌پذیر، نخست جایگاه مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی را در دین اسلام تبیین می‌کنیم.

به طور کلی نظام حقوقی اسلام نظامی تکلیف‌گراست. در آن آدمیان همان‌طور که نسبت به یکدیگر حقوقی دارند، تکالیف و مسئولیت‌هایی هم دارند؛ چه اینکه نسبت به خداوند نیز همین

طور است؛ یعنی خدای متعال به جهت آنکه نعمت‌ها را به انسان ارزانی داشته است، بر آدمیان حقوقی نیز دارد و برای همین انسان باید وظیفه و مسئولیت خود را نسبت به او بشناسد و انجام دهد (آقابخشی، ۱۳۷۹). امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«إِعْلَمَ رَحِمَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرِكُهَا وَ سَكْنَةٍ سَكَنَتْهَا أَوْ حَالٍ حَلَّتْهَا أَوْ مَنَزِلَةٍ نَزَلَتْهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلَبَتْهَا أَوْ آلَةٍ تَصَرَّفَتْ فِيهَا فَأكْبَرِ حُقُوقَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَ عَلَيْكَ لِنَفْسِهِ مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ الْحُقُوقِ؛ بدان که خدای عزوجل را بر تو حقوقی است که در هر جنبشی که از تو سر می‌زند و هر آرامشی که داشته باشی یا در هر حالی که باشی یا در هر منزلی که فرود آیی یا در هر عضوی که بگردانی یا در هر ابزاری که در آن تصرف کنی، آن حقوق اطراف تو را فرا گرفته است» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق: ۲۵۵)



در قرآن برای بیان بار مسئولیت آدمی از واژه «وزر» به معنای سنگینی استفاده شده است:

«وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ بلکه هرکس مسئولیت عملی را که انجام داده است، بر عهده دارد (با کمی دخل و تصرف، پیشین).

گفتنی است در نظام اسلامی مسئولیت انسان در برابر خدا در دو چیز خلاصه می‌شود: یکی شناخت خدا و دیگری پرستش او. در روایات اسلامی نیز موضوع مسئولیت‌پذیری از اهمیت بالایی برخوردار است. حضرت علی علیه السلام، چنان خود را در پیشگاه الهی مسئول دانسته است که حتی درباره آنچه گفت، خود را متعهد و ضامن می‌دانست:

«ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِيْنَةً وَ أَنَا بِهِ زَعِيْمٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶)؛ عهده‌ام در درستی سخنم قرار دارد و نسبت به آن ضامن و پایبندم» (رستمیان، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

به همین جهت ایشان مسئولیت رهبری و خلافت را زمانی که مردم خواهانش بودند، پذیرفت:

«أَمَّا وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُّوا عَلَى كِطْلَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ

عَفْطَةَ عَنَز (نهج البلاغه، خطبه ۳) به خدایی که دانه را شکافت و انسان را به وجود آورد، اگر حضور حاضر و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکم بارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننمایند، دهنه شتر حکومت را بر کوهانش می انداختم و پایان خلافت را با پیمانۀ خالی اولش سیراب می کردم. آن وقت می دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بز کمتر است» (رستمیان، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

در آموزه های دینی، حس مسئولیت اجتماعی انسان ها از دایره مسلمانان و خویشاوندان فراتر رفته و همه هم نوعان را در برمی گیرد. امام علی علیه السلام می فرماید:

«به مردم محبت داشته باش؛ چون آنها از دو دسته خارج نیستند: یا برادر دینی تو آند یا نظیر تو در آفرینش» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از سوی دیگر آموزه های دینی انسان ها را به تفکر در سلامت نظام اجتماعی فرا می خواند و آنها را مسئول سرنوشت و نظام اجتماعی شان می داند. شاید بهترین تعبیر از جایگاه مسئولیت های اجتماعی افراد جامعه نسبت به یکدیگر در این روایت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«یک فرد گناهکار میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود و هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن موضعی پردازد که در آن نشسته است و هرگاه به او اعتراض کنند، در جواب بگوید من در سهم خود تصرف می کنم. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند، طولی نمی کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یک باره همگی در دریا غرق می شوند» (تفسیر نمونه، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۸).

پیامبر اسلام با این مثال، هم بر مسئولیت نظارت فرد بر اجتماع تأکید می کند، هم پیوستگی مسئولیت های فردی و اجتماعی در جامعه مطلوب اسلامی را نشان می دهد<sup>۴</sup> و هم دفاع از سلامت جامعه را حق و تکلیفی الهی و حتی نیازی طبیعی برای انسان ها برمی شمارد؛ مقوله ای که اگر به آن به درستی پرداخته شود، خود زمینه ساز ظهور منجی عالم بشری و برپاشدن جامعه جهانی اسلامی خواهد بود.

اکنون پرسش این است که جامعه منتظر راستین، نه نمادین (که تنها مؤلفه های ظاهری ظهور

را در خود دارد)، به لحاظ مسئولیت اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارد؟ پس از آن این مسئله مطرح می‌شود که وضعیت کنونی کشور ما چگونه است؟ آیا جامعه ما جامعه‌ای است مسئولیت‌پذیر یا مسئولیت‌گریز؟ آیا می‌توانیم شرایط فعلی را منطبق بر جامعه در حال انتظار منجی بشر بدانیم؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها نخست نیم‌رخ شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه منتظر را از منظر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بررسی می‌کنیم؛ سپس با رویکرد تطبیقی، ویژگی‌های جامعه منتظر را با خصوصیات نظام اجتماعی ایران به‌عنوان منادی فرهنگ انتظار مقایسه می‌کنیم.

## ۲. ویژگی‌های جامعه منتظر

به‌طور کلی در فرهنگ مهدویت، جامعه منتظر جامعه‌ای است که قبل از هر چیز مقوله انتظار را بخش جدایی‌ناپذیر و ضرورت وجودی حیات خود می‌داند و فرهنگ انتظار در تار و پود نظام اجتماعی آن تنیده است؛ یعنی افراد آن جامعه، انتظار را نه به‌عنوان یک حالت روانی موقت، که به‌عنوان الگوی عملکردی در نظام‌های فردی و اجتماعی خود نهادینه ساخته‌اند؛ زیرا اگر این مهم تحقق نیافته و درونی نشده باشد، در بحران‌های اقتصادی یا کشاکش‌های سیاسی یا چالش‌های نظری‌ای که جامعه را تهدید می‌کند، جریان انتظار و حتی غیبت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی به فراموشی سپرده می‌شود (مهدوی، ۱۳۸۳ و رهنمایی، ۱۳۸۹، ص ۳۹، با کمی دخل و تصرف). با توجه به مطالب گفته‌شده، جامعه منتظر با شاخصه‌هایی چون خدامحوری، عدالت‌محوری و دین‌محوری از جوامع دیگر متمایز می‌شود و در چنین جامعه‌ای برای اجرایی شدن شاخصه‌های فوق، همه افراد، اعم از زن و مرد، مسئولیت‌های مهمی در عرصه‌های مذکور برعهده دارند. استاد مطهری رحمته‌الله‌علیه در این زمینه نوشته است:

«آرمان قیام و انقلاب مهدی عجل‌الله‌تعالی یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از این که الهام‌بخش ایده و راهگشای به‌سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان‌های اسلامی. این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی، فلسفی و جهانی است و جزئی از جهان بینی اسلامی است، برخی فرهنگی و تربیتی است و برخی سیاسی است و برخی اقتصادی است و برخی اجتماعی است و برخی انسانی یا انسانی طبیعی است» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۵).

با در نظر گرفتن خصوصیات فوق و مقایسه آن با تصویر امروزی جامعه اسلامی می‌توان میزان مسئولیت‌پذیری یا مسئولیت‌گریزی افراد جامعه را ارزیابی کرد. به زعم بیشتر پژوهشگران علوم انسانی، جامعه نوین اسلامی-ایرانی در سال‌های اخیر با ورود عناصر نو به عرصه‌های گوناگون آن و گسترش ارتباطات اجتماعی در حوزه‌های مسئولیتی افراد (اعم از فردی، اجتماعی، معنوی و حتی زیست‌محیطی) شاهد تغییرات گوناگون بوده است؛ به گونه‌ای که در سال‌های اخیر حتی سبک زندگی افراد آن نیز دستخوش تغییرات فراوان شده است.

### ۳. بررسی تطبیقی ویژگی‌های جامعه منتظر با خصوصیات جوامع اسلامی (به ویژه ایران اسلامی به عنوان منادی فرهنگ انتظار)

امروزه در جوامع اسلامی، به علت تغییر ساختارهای خانوادگی، به ویژه تغییر سبک‌های تربیتی به شیوه‌های فرزندسالارانه و همچنین کم‌رنگ شدن حضور زن در خانه و اشتغال مادران، افراد جامعه فرصت مناسبی برای رشد و تقویت ارزش‌های معنوی و انسانی ندارند؛ از این رو فرزندان در مقابل تبلیغات فزاینده رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی تنها به گیرندگانی منفعل تبدیل می‌شوند که توانایی آموختن ارزش‌های اخلاقی را ندارند.

در کشور ایران نیز با گسترش شهرنشینی و همگانی شدن نظام آموزشی و رشد ارتباطات اجتماعی، الگوی ساختاری خانواده، دستخوش تغییراتی شده و شکل مسلط خانواده ایرانی که تابع سنت‌های دیرپا و باورها و ارزش‌ها و آموزه‌های مذهبی بود، دگرگون شده است (حسینیان و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵۹۰). بنابراین در عمل فرصت درونی‌سازی و نهادینه‌سازی و الگوسازی برای فرزندان در حوزه‌های فردی کم‌رنگ شده و در برخی از موارد کاملاً از دست رفته است.

در عرصه‌های خانوادگی نیز با وجود آنکه در اسلام خانواده رکن اساسی جامعه است و جامعه سالم در گرو خانواده سالم است، در سال‌های اخیر تغییراتی اساسی در ساختار ارزشی جامعه و سبک زندگی اعضای خانواده به وجود آمده است و به تدریج بستر خانواده از یک امر فرهنگی و الهی به امری اقتصادی و مادی تبدیل شده و روابط زن و شوهر با یکدیگر و مناسبات آنها با فرزندان دگرگون شده است.

پیامدهای این تغییر در اموری چون روی‌گردانی از تشکیل خانواده و عدم پذیرش روابط

پایدار اجتماعی، افزایش طلاق و گسترش روابط خارج از عرف میان دو جنس جلوه‌گر شده است؛ مقولاتی که پیش از هر چیز بر مسئولیت‌گریزی جوانان نسبت به خانواده دلالت دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۸).

در عرصه‌های اجتماعی (مراودات شغلی، تحصیلی و تحقیقی) نیز نشانه‌هایی مانند کاهش ساعات سرانه مطالعاتی، کاهش ساعات کار مفید، بازده پایین اشتغال در کشور به‌ازای ساعات اشتغال به کار و... در کنار افزایش آسیب‌های اجتماعی (افزایش تمایل به مصرف مواد مخدر، افزایش بیکاری، بی‌نظمی در گذران اوقات فراغت، روند صعودی فسادهای اداری در سال‌های اخیر) همگی بر این دلالت دارد که از نظر اجتماعی با رشد فزاینده بی‌مسئولیتی و مسئولیت‌گریزی مواجهیم (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱ و مجموعه مقالات بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶-۱۳۱).

در عرصه مسئولیت‌های الهی و معنوی نیز علی‌رغم تلاش‌های گوناگون، هنوز یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان و سیاست‌گذاران، دین‌گریزی افراد جامعه است. دین‌گریزی و گرایش به فرهنگ غربی در سده‌های اخیر، به‌ویژه در قرن بیستم، بخش عظیمی از جوامع مسلمان را فرا گرفته و حتی موجب شکل‌گیری مکاتب فلسفی الحادی و ایدئولوژی‌های دین‌ستیز یا دین‌گریز شده است.

سؤال اصلی در این باب این است که: چرا انسانی که فطرت او با درون‌مایه‌های دینی پیوند دارد، دین‌گریزی می‌شود؟ در پاسخ، باید گفت: در دین الهی هیچ عنصر گریزاننده‌ای وجود ندارد. اگر انسان‌ها معارف دینی را درست دریابند و درکی صحیح از دین حق پیدا کنند، هرگز از آن نمی‌گریزند. دین هم ذهن انسان را تغذیه می‌کند و هم به دل آدمی حیات، حرکت و نشاط می‌بخشد. آنچه دین‌گریزی را موجب می‌شود، عدم تقویت ارزش‌های دینی و به‌روزرنگ کردن کارکرد آموزه‌های دینی است.

توجه به خلأهای آموزشی و پرورشی در عرصه‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی، ریشه این گریز از مسئولیت‌پذیری دینی را به‌خوبی آشکار می‌سازد؛ به‌عنوان مثال نوجوان یا جوانی که در خانواده‌ای نابسامان و بدون ساختار و محیطی آشفته و آمیخته با اختلافات خانوادگی پرورش یافته، به‌سختی در مدرسه قابل تربیت خواهد بود. اگر والدین بیش از آنکه به نیازهای مادی فرزندان‌شان اهمیت می‌دهند، به جنبه‌های روحی آنان توجه کنند، مشکلات کمتری به‌بار می‌آید

و بزه‌کاری‌ها در بزرگسالی نیز کاهش خواهد یافت و تربیت عمیق دینی در مناسبات اجتماعی جای خواهد یافت؛ همین‌طور اگر فرزند در خانواده‌ای مسئولیت‌پذیر رشد کند، می‌توان یقین داشت که بذر نواکشته خانواده در مدرسه، جامعه، حیات اجتماعی و الگوهای دین‌باورانه‌ی او به‌بار می‌نشیند و تفکر بنیانگذاری جامعه‌ای مهدوی و دغدغه‌مند و مسئول نسبت به وقایع اجتماعی پیرامون او شکوفا می‌گردد (رهنمایی، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۳۲).

در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ اهمیت درونی‌سازی الگوهای دینی چنین بیان شده است: «برتری جوان عابدی که در جوانی خود ره بندگی پیش گرفته، بر پیری که در بزرگسالی به عبادت روی آورده، همچون برتری فرستادگان الهی بر دیگر مردمان است. (کنز العمال: ۴۳۰۵۹)

باتوجه به شواهد مذکور ما با جلوه‌هایی متکثر و درهم‌تنیده از مسئولیت‌گریزی اجتماعی مواجه هستیم که جامعه را از معنای انتظار در دوران غیبت و آرمان‌ها و شاخصه‌های مطلوب آن دور می‌سازد. در واقع آسیب‌های اجمالی‌ای که برشمردیم، نشان‌دهنده دورشدن افراد جوامع اسلامی از سبک زندگی اسلامی است. این امر به‌ویژه برای کشوری چون ایران که در آن انتظار می‌رود افراد الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را متناسب با مفهوم انتظار بازتعریف کنند، غریب می‌نماید. گویا جامعه کنونی با مدینه فاضله‌ای که در انتظار منجی است، فاصله‌ای زیاد دارد؛ این در حالی است که امام خمینی رحمته‌الله علیه، بنیانگذار انقلاب اسلامی، این انقلاب را مقدمه انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف شمرده است:

«من امید دارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است.» (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۷۵)

مصدق بارز این کلام که نور امید را در دل هر پیرو بیداردلی، روشن می‌سازد، رزمندگان اسلام و حتی بسیاری از مردم ایران در هشت سال دفاع مقدس هستند که رفتار فردی و اجتماعی‌شان قرابت بسیاری با تصویر ما از جامعه منتظر دارد؛ باین‌همه این مسئله نباید موجب غفلت ما از مشکل مهم مسئولیت‌گریزی و عوامل آن در جامعه کنونی شود.



#### ۴. تبیین مسئولیت‌گریزی در جامعه اسلامی

برای تبیین موضوع مسئولیت‌گریزی در جامعه، نکات متعددی را باید در نظر گرفت: نکته نخست مسئله مهم احساس مسئولیت نسبت به خود و جامعه در عصر غیبت و انتظار حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریح است. نخستین اثر محبت در راه انتظار امام زمان، احساس عمیق مسئولیت‌پذیری نسبت به خود و جامعه است. بنابراین اگر خلأ آن در جامعه مشاهده شود، نخست باید در درستی اعتقاد به امامت نزد مردم جامعه تردید کرد؛ زیرا جریان امامت، در مبانی نظری خود از احساس مسئولیت نسبت به جامعه ریشه می‌گیرد (میراشرفی، ۱۳۸۱، ص ۴۶).

مسئولیت‌پذیری راه نجات جامعه اسلامی از رویدادهای ناگوار و انحرافی‌ای چون ماجرای سقیفه و حکمیت است. مسئولیت‌گریزی میان مسلمانان قدمتی دیرینه دارد و به صدر اسلام باز می‌گردد. این مسئله از جمله در ماجرای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و در زمان بیعت مردم با امام علی علیه السلام نمود عینی داشته است. زمانی که مردم برای بیعت به سمت امام هجوم آوردند، امام به جهت روی آوردن مردم و خواست عموم جامعه، مسئولیت خلافت را برعهده می‌گیرد.

مسئولیت‌گریزی در عاشورا نیز نمود بارزی داشته است؛ آنجاکه گروهی به جهت تمایل به مال و زن و فرزند، از زیر بار یاری فرزند پیامبر شانه خالی کردند. ما نیز اگر چنین رفتاری را در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نشان دهیم، نمی‌توانیم ادعا کنیم حقیقت غیبت و وجود امام عصر را درک کرده‌ایم (آقابخشی، ۱۳۷۹). بنابراین به نظر می‌رسد بهترین راه برای تقویت بینش‌های مسئولیت‌پذیرانه، اصلاح نظام فکری و بازخوانی مجدد بنیان‌های اعتقادی است.

تبیین دیگری که می‌توان از این مهم به دست داد، بی‌خبری از ارزش مسئولیت‌پذیری در زندگی شخصی و خانوادگی افراد است. به نظر می‌رسد بخش وسیعی از مسئولیت‌گریزی، در جافتادن الگوهای نامطلوب اجتماعی غربی در جوامع اسلامی ریشه داشته باشد. با کم‌رنگ شدن تعلقات اجتماعی، افراد به مرور دچار فردگرایی افراطی می‌شوند و آموزه‌های اومانیستی الگوی رفتارهای اجتماعی آنها می‌شود. نگرشی که بیش از هر چیز به ارضای نیازهای فردی اهمیت می‌دهد و بر منفعت‌جویی تأکید می‌کند، راه را بر هر اندیشه اجتماع‌محور و خدا‌باوری سد می‌کند.

فردگرایی و لذت‌جویی ریشه بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی است. به نظر می‌رسد بخشی از موج عظیم مهاجرت به خارج از کشور در نتیجه نهادینه شدن این اندیشه صورت گرفته باشد.<sup>۵</sup>

بسیاری از متفکران میان فردمحوری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقابل می‌بینند و از این رو توجه به فرد را مسئولیت‌گریزی اجتماعی معنا می‌کنند (الوانی، ۱۳۹۲)؛ حال آنکه در اندیشه شهید مطهری و هم‌اندیشان وی این تقابل حل شده است و فرد سر این دوراهی گرفتار نمی‌شود. در منطق دینی، اصالت فرد و جامعه به تنهایی، مردود است و فرد و جامعه هر دو مورد توجه‌اند. فرد بدون توجه به جایگاهی که در جامعه دارد، قابل تعریف نیست و جامعه بدون پذیرش هویت فرد بی‌معنا است. در این تفکر‌گنش و ارتباط بین فرد و جامعه از طریق حائلی شکل می‌گیرد که براساس آن، تأثیرگذاری متقابل فرد و جامعه بدون تداخل آنها و با حفظ هویتشان انجام می‌پذیرد. در این نگاه نظامات، سنن، آداب و قوانین به‌عنوان حائل بین فرد و جامعه پذیرفته شده است (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹، ص ۵-۲۰).

### ۵. راهکارهای رفع مسئولیت‌گریزی در عرصه‌های چهارگانه مسئولیت

با رویکرد قرآنی و روایی می‌توان راهکارهای اجرایی متعددی در عرصه‌های گوناگون مسئولیتی، برای افزایش مسئولیت‌پذیری افراد جامعه ارائه کرد. برخی از آنها عبارت‌اند از:

**الف. ارائه الگوهای مناسب رفتاری، کلامی، ظاهری، برای نهادینه‌شدن مسئولیت‌پذیری در جامعه** الگوهای جذاب، در یادگیری و شکل‌دهی رفتار انسان‌ها، به ویژه جوانان، نقشی اساسی دارد؛ به‌ویژه اینکه در دوره نوجوانی و جوانی، تأثیرپذیری از خانواده به شدت کاهش می‌یابد و گاه بین خانواده و فرد تعارض و درگیری به وجود می‌آید. در چنین موقعیتی فرد تمایل دارد برای ساختن نظام ارزشی و اعتقادی خود، از کسانی غیر از اعضای خانواده، معلمان و اطرافیان استفاده کند. دوستان و هم‌سالان از عوامل تأثیرگذار در بیرون از نهاد خانواده‌اند که اگر میان آنها الگوهای مناسبی وجود نداشته باشد، زمینه دین‌گریزی فرد فراهم می‌شود (با کمی دخل و تصرف شاکرین، ۱۳۸۵، ص ۲۴۹).

### ب. آسان‌سازی مفاهیم مربوط به انتظار و قابل‌فهم‌نمودن آن برای تمامی اقشار جامعه

انسان به حکم فطرتش کمال‌دوست و کامل‌جو است. او به کمال عشق می‌ورزد و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند؛ کافی است راه رسیدن به آن باتوجه به شرایط او برایش ساده‌سازی شود. تئوری‌های مجرد و انتزاعی و آموزه‌های بدون مصادیق مجسم و موفق که با جهان یک فرد بی‌ارتباط است، در این زمینه موفق و مؤثر نخواهد بود. باید تا حد امکان با بهره‌گیری از

الگوهای زیبایی‌شناختی و ساده‌سازی، ضمن جذاب‌تر ساختن مفاهیم، امکان برقراری ارتباط با مخاطبان را بیشتر فراهم ساخت.

به‌یاد داشته باشیم که حکمت گم‌شده انسان است که اگر انسان آن را در دین‌باوران نیابد، در دین‌ستیزان می‌کاود و تا رفع این نیاز نمی‌ایستد. الگوهای دینی نباید به‌مثابه اموری فرابشری در نظر گرفته شوند تا انسان آنها را غیرقابل دسترس به‌شمار آورد و از پذیرش درونی آنها دور شود (جوان، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

### ج. زدودن فقر فرهنگی و تقویت بینش مهدی‌گرایانه در جامعه

برخی دین را به‌گونه‌ای به جامعه معرفی می‌کنند که گویی مانع ارضای نیازهای حیاتی و حتی طبیعی انسان است. چنین تصویری در نهایت به دین‌گریزی می‌انجامد. باید این بینش درست را در جامعه گسترش داد که برخلاف سخن نهیلیست‌ها و مادی‌گرایان، دین تمام نیازهای بشری را در عالی‌ترین سطح در نظر گرفته است (جوان، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

آنچه امروزه به نام دین‌انسانی، در جهان غرب توسعه یافته و پایه و حیانی را از آموزه‌های اخلاقی جدا نموده است، هنوز نتوانسته است مشکل مرگ و نیستی پس از این دنیا را برای بشر حل کند. یقین به حقایق مهمی چون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز تعهد استوارتری در انسان پدید می‌آورد. بی‌تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت‌گیری صحیح رفتاری و رویکردی مسئولانه رهنمون می‌کند و آن را از مسئولیت‌گریزی باز می‌دارد. قرآن کریم در این زمینه چنین فرموده است: ﴿يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ؛ پروردگارشان به سبب ایمانشان آنها را هدایت می‌کند﴾ (یونس: ۹).

### د. اصلاح جامعه در مسیر کاهش آسیب‌های اجتماعی

یکی از عوامل مهم در سلامت فرد و جامعه، کاهش آسیب‌های اجتماعی و زمینه‌سازی برای اشتغال مسئولانه و کار مفید است. اشتغال‌سازنده زمینه شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت‌ها را فراهم می‌آورد. کار و تلاش شرایط را برای رشد و پیشرفت جامعه و حضور مؤثر افراد مساعد می‌سازد. گسترش بیکاری در جامعه از یک سو و رواج کار غیرمسئولانه (اشتغال ناپایدار و فرار از مسئولیت‌های شغلی و حرفه‌ای که از مصادیق نابسامانی‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی است) از سوی دیگر، سبب افزایش فقر و ناتوانی و در نتیجه ازدیاد فساد و فحشا در جامعه می‌شود (مجموعه مقالات بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

ه. پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی بیگانگان برای تضعیف ارزش‌های دینی و تحریف آنها نگاهبانی از ارزش‌های الهی، بینشی ژرف می‌طلبد؛ بینشی که در سایه آن همه عوامل فرهنگی غرب شناسایی، کنترل و طرد شوند. همه مسئولان یک جامعه اسلامی وظیفه دارند به هر شکل ممکن جلوی نفوذ فرهنگی دشمن را بگیرند. امام خمینی علیه السلام در خصوص این مسئله فرموده است: «اکنون وصیت من... آن است که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی دین می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتاب‌ها و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود. از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشورهای اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۹).

### و. فراهم کردن امکانات مناسب برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مصادیق آشکار مسئولیت‌پذیری اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر است. با زمینه‌سازی مطلوب برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر در عرصه‌های گوناگون خانواده، سیاست و اجتماع، اندیشه‌های مسئولانه در نسل‌های آینده بارور خواهد شد. اندیشه‌های مسئولانه در جهت اصلاح‌گری اجتماعی، همراه با معرفت صحیح دینی و به دور از افراط و تفریط مسیر صلاح جامعه را رقم می‌زند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در نگاه محققان علوم اجتماعی، راز موفقیت هر فرد در زندگی فردی و اجتماعی، در میزان مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی او نهفته است. به طور کلی مسئولیت در سه جلوه از حیات انسانی نمایان می‌شود: مسئولیت فردی (در قبال خود)، مسئولیت اجتماعی (در قبال سایر انسان‌ها و نظام هستی) و مسئولیت الهی (در قبال خداوند). انسان با ایفای نقش در این سه

عرصه همواره انتخابی آگاهانه و هدفمند انجام می‌دهد که در یک سوی آن مسئولیت‌پذیری کامل در هر سه عرصه فرد، جامعه و خداوند قرار دارد که خودشکوفایی او را رقم می‌زند و در سوی دیگر آن مسئولیت‌گریزی کامل در تمامی عرصه‌های مذکور است که خودمحوری و خودبینی را نصیب وی خواهد کرد.

در مجموع رفتار، گفتار و حتی تفکر ما در قبال جامعه و شرایط حاکم بر نظام اجتماعی، از مسئولیت‌پذیری، مسئولیت‌گریزی یا بی‌تفاوتی ما نشان دارد. ما چه آنگاه که در پی اصلاح رفتارمان در خصوص محیط‌زیست هستیم و چه آنگاه که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنیم، اهمیت مسئولیت را احساس کرده‌ایم و با پذیرش آن در راه هموارساختن مسیر ظهور و پایان غیبت امام زمان قدم گذاشته‌ایم. هر اندازه که مسئولیت‌پذیرتر باشیم، در راه رسیدن به جامعه آرمانی خود پیشگام‌تر و موفق‌تر خواهیم بود.

نتایج تحقیق در این مقاله شامل راهکارهایی است که برای جلوگیری از مسئولیت‌گریزی ارائه شده‌اند. این راهکارها عبارت‌اند از: ارائه الگوهای مناسب رفتاری، کلامی، ظاهری، برای نهادینه‌شدن مسئولیت‌پذیری میان اقشار جامعه، زدودن فقر فرهنگی و تقویت بینش مهدی‌گرایانه در جامعه، اصلاح جامعه در مسیر کاهش آسیب‌های اجتماعی، پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی بیگانگان برای تضعیف ارزش‌های دینی و تحریف آنها و فراهم‌کردن امکانات مناسب برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

### نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حزانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
۲. آزاد ارمکی، تقی و دیگران، «واکاوی روابط بین دوجنس در منظر مسئولیت‌گریزی»، نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۹، ۱۳۹۱.
۳. آقابخشی، نورالدین، «مسئولیت و اخلاق در جامعه»، نشریه توسعه‌پایدار اقتصادی و اجتماعی، شماره ۱۱، ۱۳۷۹.
۴. الوانی، علی و دیگران، «مسئولیت اجتماعی جوانان»، نشریه توسعه اقتصادی و اجتماعی، شماره ۱۴، ۱۳۹۲.
۵. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام (ره)، ۱۳۷۶.
۶. آهنگران، سمیه و امیریان، صادق، «بررسی رویکرد قرآنی حقوق شهروندی»، قم: همایش ملی علوم اسلامی، حقوق و مدیریت، ۱۳۹۵.
۷. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: مدرسه، ۱۳۹۰.
۸. جوادی آملی، عبدالله، *تحول در علوم انسانی*، ج ۱، قم: کتاب فردا، ۱۳۹۲.
۹. جوان، عبدالله، *نظم اجتماعی در اسلام*، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.
۱۰. حاجی زاده، مهین و آورجه، محی‌الدین، «مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان»، نشریه تفسیر پژوهی، شماره ۱، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳-۱۲۹.
۱۱. حاصلی‌نژاد، زهرا، *آسیب‌شناسی مسئولیت‌پذیری در زنان و تأثیر آن بر نهاد خانواده*، از منظر اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، ۱۳۹۳.
۱۲. حسینی، زهرا و دیگران، «بررسی بُعد مسئولیت‌پذیری اجتماعی از منظر اسلام و قرآن»، فصلنامه علوم قرآنی دانشگاه شیراز، شماره ۳۴، ۱۳۹۷، ص ۲۷۹-۳۰۴.
۱۳. حسینیان، سیمین و ابوالفضل کرمی و محمد امینی، «بررسی عوامل مؤثر بر ساختار قدرت و درک مسئولیت در میان خانواده‌های زنان شاعل و غیر شاعل»، کتاب اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، ۱۳۹۴، ص ۵۸۸-۶۱۳.
۱۴. هنمایی، سیداحمد، «آسیب‌شناسی فرهنگی با تأکید بر مسئولیت»، نشریه معرفت، شماره ۳، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۳۲.
۱۵. رستمیان، محمدعلی، «بررسی بعد مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از دیدگاه قرآن و اهل بیت»، پژوهشگاه حکمت اهل بیت دانشگاه اصفهان، شماره ۲، ۱۳۹۳، ص ۳۱-۵۰.
۱۶. زاهد زاهدانی، سیدسعید، «رابطه فرد و جامعه: مقایسه دو دیدگاه»، نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۱۰، ۱۳۶۹، ص ۵ تا ۲۰.
۱۷. ساروخانی، باقر، *درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات علوم انسانی، ۱۳۷۰.
۱۸. سعیدیان، مریم و حبیب‌رضا ارزانی و سعیده یراقتی، «آسیب‌شناسی خانواده در فرهنگ غرب از دیدگاه حضرت

آیت الله خامنه‌ای»، نشریه علمی-ترویجی اخلاق، شماره ۱۱، ۱۳۹۲، ص ۹-۲۸.

۱۹. شیخ صدوق، الخصال، جلد دوم، ترجمه مدرس گیلانی، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲.
۲۰. شاکرین، حمیدرضا، پرسش و پاسخ‌های دانشجویی، جلد سوم، قم: نشر معارف، ۱۳۸۵.
۲۱. گروهی از مؤلفان، مجموعه مقالات بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات پیام نور، ۱۳۸۶.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد سوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳.
۲۴. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه، تهران: صدرا، ۱۳۸۴.
۲۵. میراشرفی، زهرا، مسئولیت اجتماعی در اسلام، تهران: دفتر نشر و مطالعات امور زنان ریاست جمهوری، ۱۳۸۱.
۲۶. مهدوی، محمدصادق، درآمدی بر آسیب‌شناسی ازدواج و خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
۲۷. نجم عراقی، منیژه، شخصیت انسان از پندارتا واقعیت، تهران: نشر توسعه، ۱۳۷۷.
۲۸. نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.
۲۹. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
۳۰. هندی، علی‌المتقی ابن حسام الدین، کنز العمال، جلد سوم، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۶۴ق.

#### (Endnotes)

1. Johan Stewart Mill
2. Weber
۳. به معنای عام آن| زیرا خواص به طور آشکار و پنهان از حضور در محضر ایشان بهره می‌گیرند.
۴. از این رو با فردگرایی افراطی و جامعه‌طلبی و گرایش‌های سوسیالیستی مقابله کرده است.
۵. این مقوله از سوی نگارنده به عنوان پیش‌فرض تحقیقات آتی مطرح شده است و جنبه تبیینی ندارد.





# راهکارهای غفلت‌زدایی از جامعه منتظر

در نگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام

نجمه شاهمرادی<sup>۱</sup>

نرگس بزرگخو<sup>۲</sup>

## چکیده:

غفلت از فطرت و ارزش‌های انسانی از عوامل انحطاط جوامع بشری در طول تاریخ بوده است. در عصر حاضر و در جامعه منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، این امر سبب ارتجاع جامعه، طولانی شدن دوران غیبت و دور شدن از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه شده است؛ از این رو اهتمام به رفع غفلت در جامعه منتظر، امری ضروری است. در مقاله حاضر با مطالعات کتابخانه‌ای به شیوه توصیفی و کاربردی، راهکارهای غفلت‌زدایی از جامعه منتظر با استعانت از کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، بیان شده است. اهم راهکارهای به دست آمده عبارت است از: کسب معرفت و محبت امام، یاد عملی حضرت و شناخت وظایف فردی و اجتماعی در جامعه منتظر. واژگان کلیدی: غفلت، غفلت‌زدایی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، جامعه منتظر، امام علی علیه السلام.

۱. طلبه سطح دو جامعه الزهرا علیها السلام، Yareza11069@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآنی، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهرا علیها السلام، Nabozorgkhoo@gmail.com

## مقدمه

رسیدن به کمال، از اهداف والای خلقت است که خداوند سبحان برای رسیدن انسان‌ها به آن، دو شیوه هدایت تکوینی و تشریحی را قرار داده است. خداوند متعال، هدایت تکوینی را در فطرت و عقل انسان نهادینه کرد و هدایت تشریحی را با ارسال انبیا و اولیای الهی به بشریت عنایت فرمود؛ اما با وجود این، در طول تاریخ همواره عواملی همچون گذر زمان و جذابیت‌های دنیا، سبب غفلت بشر از فطرت و هدف والای آن شده است. در حقیقت این امور، افول تفکر انسان را به دنبال داشته است تا جایی که به فرموده قرآن کریم: «هُم قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَهُمْ أَغْبُنُ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا» (اعراف: ۱۷۹) قلب‌ها، چشم‌ها و گوش‌هایشان حقایق را درک نمی‌کنند.

در عصر حاضر و با طولانی شدن زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام، جامعه منتظر، علاوه بر آن غفلت ذاتی بشری، دچار غفلتی مضاعف یعنی غفلت از قرآن کریم و غفلت از امام غائب عَلَيْهِ السَّلَام شده‌اند. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرماید:

«فَالْكِتَابُ يَوْمِيذٍ وَأَهْلُهُ طَرِيدَانِ مَنْفِيَانِ... فَالْكِتَابُ وَأَهْلُهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فِي النَّاسِ وَ لَيْسَا فِيهِمْ» (نهج البلاغه: خطبه ۱۴۷)؛ «قرآن و پیروانش که امام زمان مصداق اتم آن است، از میان مردم رانده و مهجورند... پس قرآن و پیروانش در میان مردم‌اند؛ اما گویا حضور ندارند.»

اهمیت قرآن و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به اندازه‌ای است که پیامبر هدایت و رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در واپسین لحظات عمر شریفشان، برای نجات جامعه از گمراهی، غفلت و نزدیک شدن به عصر ظهور، تمسک به آن‌ها را سفارش و تأکید نموده است. ایشان می‌فرماید:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي كِتَابُ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَإِيَّاهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛ «همانا من دو چیز گران‌بها در میان شما می‌گذارم که اگر شما بر آن دو چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد. بعد از من، یکی کتاب خدا و دیگری فرزندان من است؛ این دو از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه بر من در کنار حوض وارد شوند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۰۰).

سخن از غفلت بسیار است و کتاب‌های فراوان اخلاقی درباره این رذیله سخن گفته‌اند؛ از جمله

آن موارد می‌توان به اخلاق در قرآن آیت‌الله مکارم شیرازی، عرفان اسلامی نوشته حجت‌الاسلام انصاریان و پایان‌نامه زهرا جعفری با عنوان «غفلت و پیامدهای آن از دیدگاه قرآن و احادیث» اشاره کرد؛ اما دو نکته در اکثر این آثار کم‌رنگ است: نخست آن‌که در این پژوهش‌ها از سخنان گهربار امیرالمؤمنین علیه السلام استفاده اندکی شده است. دوم آن‌که درباره غفلت از امام حاضر و آثار غفلت از فطرت و ارزش‌ها در زندگی مهدی‌باوران در این تحقیقات، سخنی به میان نیامده است؛ درحالی‌که در زندگی امروز که رنگ‌های متنوع دنیوی، انسان‌ها را غرق در هوس‌ها و آرزوهای دست‌نیافتنی نموده، بسیاری از منتظران امام عصر و ره‌التصویر از آفت غفلت در امان نبوده و به جهت عدم مراقبت از نفس خویش، از توجه به امام خود، حضور و نگاه او غافل شده‌اند؛ در واقع بسیاری از منتظران، در عمل به دستورات الهی سهل‌انگاری می‌کنند و نسبت به وظایف خویش سست شده و از منویات امام منتظر و ره‌التصویر دور گشته‌اند. این عدم توجه و غفلت از وجود امام عصر و ره‌التصویر که عالی‌ترین مرتبه وجود به شمار می‌رود، ممکن است جامعه منتظر را به ورطه فراموشی و نابودی بکشاند.

بنابراین پرداختن به مقوله غفلت و راهکارهای مقابله و درمان آن، بسیار ضروری است. در این نوشتار، ضمن بیان معنای غفلت و عوامل زمینه‌ساز آن، با توجه به آیات قرآن و تمسک به سخنان اهل بیت علیهم السلام، به خصوص امیر مؤمنان علی علیه السلام، راهکارهای غفلت‌زدایی از جامعه منتظر تبیین می‌شود.

## ۱. معنای غفلت

غفلت در لغت، گذاشتن و فراموش کردن چیزی، ندانستن چیزی و توجه نداشتن به آن، بی‌خبری و سهل‌انگاری، عدم اعتنا در اثر کاهلی و سستی (دهخدا، بی‌تا، ج ۳۳، ص ۲۶۱) و بی‌خبری از امری است که در معرض توجه و بصیرت است؛ به‌گونه‌ای که بی‌توجهی به آن متوقع نیست. (قرشی، ۱۴۱۲ ه. ق، ج ۵، ص ۱۱۱) راغب در کتاب خود، غفلت را سهو و لغزشی که انسان را به خاطر کمی مراقبت، هوشیاری و بیداری فرامی‌گیرد، تعریف نموده است؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه. ق، ج ۲، ص ۷۰۴) بنابراین می‌توان گفت: غفلت در اصطلاح عبارت است از توجه نداشتن به عمق و اهمیت موضوع و مسئله‌ای، به‌گونه‌ای که منجر به بی‌اعتنایی و فراموشی آن مسئله و ارزش و اصالت آن شود.

## ۲. عوامل زمینه‌ساز غفلت

عوامل زیادی زمینه‌ساز غفلت فرد و جامعه منتظر است که می‌توان آن‌ها را در دو بخش عوامل درونی و عوامل بیرونی تفکیک و بیان نمود.

### ۲.۱. عوامل درونی

امام علی علیه السلام در خطبه ۴۲ نهج البلاغه، ضمن هشدار به مردم، درباره عوامل غفلت چنین می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَى، وَ طُولُ الْأَمَلِ»؛ «تبعیت هوای نفس و آرزوهای طولانی، غفلت از حق و ارزش‌های دینی را به دنبال دارد.» در حقیقت پیروی از هوای نفس و آرزوهای زیاد، می‌تواند هوشیاری انسان را مختل نموده و او را از توجه به حقیقت و دیدن همه حقیقت باز دارد. راه رسیدن به حق و حقیقت از طریق امام هر زمان امکان‌پذیر است و اگر انسان با امام خود همراه نباشد از راه مستقیم منحرف خواهد شد. از این رو باید دانست همراهی با امام، از طریق ارج نهادن، توجه و عمل به ارزش‌های دینی قابل تحقق است. در این زمان که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه از نظرها غائب است، انسان با تبعیت از هوای نفس خویش و آرزوهای پوچ و دست‌نیافتنی، به تدریج نسبت به ارزش‌های والای دینی کم‌اهمیت و گاه بی‌اهمیت شده و حقیقت در نظر او کمرنگ می‌شود؛ در نتیجه، نسبت به امام خویش کم‌توجه و گاه بی‌توجه شده و از ایشان غفلت می‌ورزد.

با توجه و تدبّر در آیات قرآن کریم، می‌توان موارد متعددی را به‌عنوان مصادیق غفلت فرد و جامعه مشاهده کرد که از جمله آن‌ها عدم ایمان (مریم: ۳۹)، گستاخی در برابر حق، عدم ابراز حق، عناد و خود را به نادانی زدن برای نجات از تکلیف (اعراف: ۱۴۶)، خیال‌پردازی و پیروی از هوا و هوس (فرقان: ۴۳ - ۴۴) و پیروی از ظن و گمان (نجم: ۲۸) است.

در تفسیر آیات شریفه «أَرَأَيْتَ مَنِ اخْتَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا؟ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (فرقان: ۴۳ - ۴۴) آمده است که مشرکان در عنادشان با پیامبر صلی الله علیه و آله و مخالفت با هدایت او، می‌دانند که باید مطیع خدا باشند اما چون هوای نفس خویش را اله خود قرار داده‌اند، دچار غفلت، بی‌خبری، کفر و بی‌ایمانی شده‌اند؛ به طوری که نه عقل خود را به کار می‌اندازند و نه گوش به حق می‌سپارند؛ در نتیجه خداوند آنان

را از چهارپایان پست‌تر می‌شمارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۲۵، ص ۳۰۸-۳۱۰ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۱۵، ص ۱۰۰-۱۰۳)

در تأیید این سخن، روایتی از امام سجاد علیه السلام نیز وارد شده است که حضرت، هوا و هوس را عامل اختلال قوه شناخت انسان دانسته که فرد را گرفتار غفلت می‌سازد؛ (بحرانی، ۱۴۰۴ ه. ق، ص ۲۷۳) بنابراین باید گفت خواسته‌های نفسانی و آرزوهای بی‌پایه، عقل انسان را فرسوده ساخته و او را از متعالی شدن غافل می‌سازد و از رشد و کمال بازمی‌دارد؛ در نتیجه، این غفلت، فرد منتظر را از امام زمان خویش که تنها راه وصول به کمال است دور می‌سازد. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أَحْذَرُوا الْعُغْلَةَ فَإِنَّهَا مِنْ فَسَادِ الْحَيَاةِ»؛ «از غفلت بپرهیز که آن ناشی از تباهی و فساد حس و دریافت است.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ه. ق، ص ۲۱۲۹)؛ بنابراین انسان غافل قدرت و حس دریافت حقیقت را نداشته و از جاده مستقیم که همراهی با امام است، منحرف می‌گردد؛ زیرا هنگامی که هوای نفس، عقل را مختل نماید، دریافت تنزل یافته و انسان نسبت به ارزش‌ها بی‌تفاوت می‌شود و این، حجابی است که فرد را از امام زمانش غافل می‌سازد؛ امامی که طبق روایات مختلف، همراه مردم و در میان آن‌هاست و چشم و گوش خداوند دانسته می‌شود: «أَنَا عِلْمُ اللَّهِ وَأَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْوَاعِي وَ لِسَانُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا يَدُ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ه. ق، ص ۲۱۴؛ صفار، ۱۴۰۴ ه. ق، ص ۶۴)؛ امامی که مقام و مکان منتظرش را می‌داند، صدایش را می‌شنود و سلامش را پاسخ می‌دهد: «يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سَلَامِي وَأَنْتَ حَجَبْتَ عَنِّي كَلَامَهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۹۷، ص ۱۶۰)؛ اما منتظر غافل، غرق در هوای نفس و آرزوهای طولانی خویش است و ... در حقیقت همان‌طور که افزایش توجه و تفکر باعث تعالی بیشتر او می‌شود، مجال دادن به هواهای نفسانی و آرزوهای زیاد هم منجر به زیاد شدن غفلت می‌شود. این غفلت، رذیله‌ای بسیار پست است که انسان را تا سرحد حیوان بلکه پست‌تر از آن تنزل می‌دهد: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹)؛ بنابراین یکی از علل عدم توجه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، هواهای نفسانی و آرزوهای زیاد است که سیر نزولی انسان را در پی دارد.

## ۲.۲. عوامل بیرونی

دسته دوم عوامل غفلت‌زا که مانع توجه انسان است، بیرون از قوه شناخت وی قرار دارد.

از جمله این عوامل، شیطان و جلوه‌های زرق و برق این دنیاست که در ذیل به این دو عامل پرداخته می‌شود:

### ۲،۲،۱. شیطان

شیطان نقطه مقابل خداپرستی است: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (یس: ۶۰) که با روش‌های مختلف، منتظران را دچار غفلت می‌سازد که اهم آن به قرار ذیل است:

#### الف) وعده‌های دروغین

به فرموده قرآن کریم، یکی از راه‌های وسوسه شیطان، وعده‌های دروغین است: ﴿يَعِدُهُمْ وَيُؤْتِيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾. (نساء: ۱۲۰)

#### ب) تزیین اعمال زشت

در قرآن کریم چنین آمده است: ﴿فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ﴾ (نحل: ۶۳). حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«هرکه غفلت ورزد بر خود خیانت کند و دگرگون شود، گمراهی‌اش را رشد و ره‌جویی پندارد و آرزوهایش وی را فریب دهد و چون کار از کار گذشت، دچار افسوس شود و پرده از پیش او بگیرد و از طرف خدا آتشی پدیدار گردد که گمان نبرد» (بحرانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۶۰).

#### ج) ترس از آینده

از دیگر راه‌های فریب شیطان، ترساندن انسان‌ها از آینده است: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ﴾. (بقره: ۲۶۸)؛ بنابراین شیطان با وعده‌های دروغین، تزیین اعمال زشت و ترس از آینده، هوای نفس را تأیید می‌کند که نتیجه این کار او، دوری از یاد خدا، دوری از یاد ولی خدا، جذب شدن به دنیا و توجه بیش از حد به مادیات است. کسانی که حلقه بندگی شیطان را به گردن می‌اندازند، به تدریج تحت سلطه او قرار گرفته و روزبه‌روز در باتلاق غفلت فروتر می‌روند.

امیرالمؤمنین علیه السلام پیروان شیطان را این‌گونه به تصویر می‌کشد:

«منحرفان، شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آن‌ها را در دام خود قرار داده و در دل‌های آنان تخم‌گذارد و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد،

با چشم‌های آنان نگریست و با زبان‌های آنان سخن گفت، پس به یاری آنان به مرکب گمراهی سوار شد و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد؛ مانند رفتار کسی که نشان می‌داد در حکومت شیطان شریک است و با زبان شیطان، سخن باطل می‌گوید» (نهج البلاغه، خطبه ۷).

در حقیقت این‌گونه غافلان، جامعه منتظر را به ورطه نابودی می‌کشاند درحالی‌که در مقابل آن‌ها، عالمان و آگاهان هم نسبت به امام منتظر سستی و کاهلی نموده و از تلاش برای رسیدن به جامعه‌ای آماده برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریح کوتاهی می‌کنند. امام علی علیه السلام در توصیف این وضعیت می‌فرماید: «جَاهِلِكُمْ مُزْدَادٌ وَ عَالِكُمْ مُسَوِّفٌ»؛ «جاهلان شما پرتلاش و آگاهان شما تن‌پرور و کوتاهی‌ورزند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۳).

این تلاش غافلان، تلاشی شیطانی است؛ تلاشی که دانسته یا ندانسته در جهت اهداف دشمنان ولی خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریح است.

## ۲،۲،۲. جلوه‌های دنیا

با توجه به آیه «و زُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ» (زخرف: ۳۵) زینت‌های دنیوی نزد خدا کمترین ارزش را دارند؛ از این‌رو خداوند برای دگرگون ساختن جامعه‌ای که محور سنجش شخصیت افرادش، درهم و دینار و وسایل تجملی بود، پیامبر فقیر و یتیم را برانگیخت تا چارچوب‌های غلط ارزشی در هم شکسته شود و ارزش‌های اصیل انسانی که تقوا و پرهیزکاری، علم و دانش و ایثار و گذشت است، بنا نهاده شود. پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید: «لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى كَافِرًا مِنْهَا شَرْبَةَ مَاءٍ»؛ «اگر دنیا به اندازه بال مگسی نزد خداوند ارزش داشت، خداوند به کافر حتی یک شربت آب نمی‌نوشانید» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱۹، ص ۳۳۰).

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه قاصعه، به صورت مفصل به جریان ورود حضرت موسی علیه السلام بفرعون با لباس پشمینه و وعده ایشان به اینکه اگر ایمان آورد حکومت و عزتش باقی خواهد ماند و تعجب فرعون (به جهت ارزش قائل شدن او به زیور دنیا و غفلت از ارزش‌های واقعی) پرداخته و در انتها یادآور می‌شود که خداوند اگر می‌خواست، هنگام بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله تمام گنج‌های دنیوی را برای ایشان می‌گشود و اگر این کار را می‌کرد دیگر آزمایش راحت‌تر، امتحان ساده‌تر و

پاداش و جزا نیز کمتر بود؛ زیرا مردم به ارزش‌های فریبنده مشغول شده و از ارزش‌های الهی غافل می‌گشتند (خطبه: ۱۹۲)؛ به هرحال، اگر امروز مسلمین در شرایط سخت و تحت فشار دشمنان بی‌رحم و خون‌خوار قرار گرفته‌اند به خاطر آن است که از ارزش‌های اصیل غفلت ورزیده و بار دیگر ارزش‌های جاهلی میان آنان رونق گرفته است و به نوعی مال و مقام دنیا گشته معیار شخصیت دانسته شده و علم، تقوا و فضیلت به فراموشی سپرده شده است. در نتیجه انسان‌ها در رزق و برق مادی فرو رفته و از امام خویش غفلت ورزیده‌اند و با اسلام بیگانه شده‌اند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا، خود را می‌بازند و زانوانشان سست می‌شود و ... چطور می‌توانند منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه به حساب آیند؟» (بیانات مقام معظم رهبری، مصلاهی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰)

### ۳. روش‌های زدودن غفلت در سخنان امیرالمؤمنین ع

یکی از واژگان‌هایی که در مقابل غفلت در عربی وارد شده است «یقظه» به معنی بیداری و توجه است؛ از همین رو امام علی ع از غفلت‌زدایی تعبیر به یقظه نموده و می‌فرماید: «واستيقظ من غفلتك» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ه. ق، ص ۲۳۲) امیرالمؤمنین ع در جای دیگر می‌فرماید: «ضادوا الغفلة بالیقظة»؛ «با بیداری به جنگ غفلت بروید». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ه. ق، ص ۴۲۷) در حقیقت امام علی ع در این روایت، از خودآگاهی و توجه به عنوان یکی از روش‌های مقابله با غفلت یاد می‌کند؛ بنابراین اصل غفلت‌زدایی، تذکر است و در جامعه منتظر باید با تذکر درونی و بیرونی، فطرت‌ها بیدار و معرفت‌ها افزون شود و منتظران با رفتار و اعمال خود، امام را حاضر و ناظر دانسته و با تلاش و حضور خود در صحنه، آمادگی لازم برای ظهور حضرت را فراهم آورند.

با تمسک به فرمایشات امیرالمؤمنین ع، راهکارهای غفلت‌زدایی برای منتظران را می‌توان در دو بخش راهکار شناختی و راهکارهای عملی تقسیم نمود:

#### ۳.۱. راهکار شناختی: معرفت امام

همان‌طور که اقرار به وحدانیت خداوند و اقرار به ارسال پیامبران و خاتم آنان، حضرت محمد بن عبدالله ص و کامل بودن دین ایشان واجب است، اقرار به اوصیای پیامبر اکرم ع و شناخت خصوصیات و معرفت به آن‌ها نیز واجب است. در واقع همان‌گونه که اگر کسی اقرار به نبوت پیامبر



اکرم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نکند، ایمان او به خدا مورد قبول نیست؛ پس اگر کسی ایمان به اوصیای پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نداشته و اقرار به آن نکند، ایمانش به پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز مورد قبول نخواهد بود و این همان است که خداوند فرمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده: ۶۷)؛ از این رو پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۸۹)؛ زیرا همان طور که باری تعالی بر رب بودن خویش و پیامبری و خاتم النبیین بودن نبی مکرم اسلام سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از پیامبران و ذریه آدم عَلَيْهِ السَّلَام اخذ میثاق کرده است، بر امیرالمؤمنین و وصی پیامبر بودن حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام و اوصیای بعد از ایشان تا حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیز اخذ میثاق نموده است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می فرماید:

«خداوند از پیامبران پیمان گرفت پس فرمود: آیا پروردگار شما نیستیم؟ ... سپس فرمود: آیا این محمد سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسول خدا نیست و آیا این علی عَلَيْهِ السَّلَام امیرالمؤمنین نیست؟ گفتند: آری، گواهی می دهیم پس آنگاه پیامبری آنها تثبیت شد. سپس از پیامبران اولوالعزم پیمان گرفت بر اینکه من پروردگار شما هستم و محمد سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسول خداست و علی عَلَيْهِ السَّلَام امیرالمؤمنین و پس از او جانشینانش والیان امر من و گنجینه های علم من هستند و همانا حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام کسی است که به واسطه او دینم را یاری نموده و دولت من را آشکار می کنم و به واسطه او از دشمنانم انتقام می گیرم و از روی میل و اکراه عبادت می شوم. گفتند: پروردگارا! اقرار کردیم و شهادت دادیم.» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۸ / صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷۰ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۲۷۹ و ج ۶۴، ص ۱۱۳)

در زیارت آل یس نیز آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ».

بنابراین، شخص منتظر، علاوه بر شناخت اسم و نسب امام، باید به مقامات و خصوصیات آن بزرگوار هم معرفت داشته باشد. شخص منتظر باید بداند که امام صاحب خصوصیات همانچون افضل مخلوقات، خزینه دار علم خداوند، شفیع مخلوقات و دیگر مقامات است که با تدبر و تعمق در زیارت جامعه کبیره می توان نسبت به بسیاری از این ویژگی ها شناخت پیدا کرد. در این زیارت آمده است: «إِنْ ذُكِرَ الْحَيُّ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلُهُ وَ فَرْعُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مَاوَأُهُ وَ مُنْتَهَاهُ ...»؛ از این رو درجات ایمان بستگی به معرفت فرد منتظر نسبت به امام دارد، چنانچه در نهج البلاغه آمده است:

«پس (معرفت و) رستگاری را از اهل آن جستجو کنید که اهل بیت پیامبر ﷺ رمز حیات دانش و راز مرگ جهل و نادانی هستند. آنان که حکمتشان شما را از دانش آنان و سکوتشان از منطق آنان و ظاهرشان از باطنشان اطلاع می‌دهد. نه با دین خدا مخالفتی دارند و در آن اختلاف می‌کنند. دین در میان آنان گواهی صادق و ساکتی سخن‌گوست» (نهج البلاغه، خطبه: ۱۹۳).

بنابراین آن کس که بداند امام همیشه حاضر و ناظر است و به این امر متوجه باشد، به یقین کمتر دچار غفلت می‌شود.

### ۳،۲. راهکارهای عملی

برای غفلت زدایی از جامعه منتظر، منتظران پس از آن که معرفت و محبت را در دل خود زنده نمودند، باید از لحاظ عملی نیز به اصلاح خود و جامعه بپردازند. آنان باید به گونه‌ای عمل نمایند که موجب بیداری جامعه خود گردیده و غفلت را پشت سر نهند تا به امام خود نزدیک شده و جامعه‌ای آماده برای ظهور ولی امر خود بسازند و آینده ظهور را در حد توان خود نزدیک نمایند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«شما مردم عزیز به خصوص شما جوان‌ها، هر چه که در صلاح خود در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت‌ها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید این آینده را نزدیک خواهید کرد. این‌ها دست خود ماست. اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم آن روز نزدیک خواهد شد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۸/۲۲).

صلاح امر با اصلاح اعمال به دست می‌آید و این مهم، گاه مربوط به خود فرد و گاه در ارتباط با دیگر افراد است؛ بنابراین این راهکارها در بخش فردی و اجتماعی قابل بررسی است که در ذیل به هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود:

### ۳،۲،۱. راهکارهای عملی فردی

طبق آنچه گفته شد غفلت حجابی است که میان انسان و حقایق فاصله انداخته و فرد منتظر را از امام خویش دور ساخته است؛ از این رو منتظر، باید حجاب‌ها را کنار زده تا بتواند به امام خویش نزدیک گردد و بدین ترتیب غیبت را کوتاه کند. این امر جز با عمل، جدیت، صبر و پایداری

محقق نخواهد شد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام جامعه منتظر را به صبر، دعا، عدم تعجیل و تسلیم امر خدا بودن توصیه نموده‌اند. در روایتی از ایشان آمده است:

«... عن امیرالمؤمنین علیه السلام: مُرَاوَلَةٌ قَلْعِ الْجِبَالِ أَيْسَرُ مِنْ مُرَاوَلَةِ مُلْكٍ مُؤَجَّلٍ وَاسْتَعِينُوا

بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ لَا تُعَاجِلُوا

الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَنْدُمُوا وَ لَا يَطْوِلَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ فَتَقْسُوا قُلُوبَكُمْ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲

ش، ج ۲، ص ۶۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۱۰، ص ۸۹)؛ «کندن کوه از جای آسان‌تر

است از برانداختن دولتی که زندگی آن به سر نرسیده. از خدا یاری خواهید و

شکیبا باشید. زمین را به هر که از بندگان خویش که بخواهد می‌دهد و فرجام

نیک از پرهیزکاران است. بیش از وقت در کارها شتاب نکنید تا پشیمان نگردید.

زمان را دراز مگیرید تا در دل شما دشوار نگردد» (مدرس گیلانی، بی‌تا ج ۲، ص ۲۵۰).

این روایت بدان معناست که منتظر باید به وظایف خود عمل نمود و دنباله‌روی حق و حقیقت

باشد و در این راه سخت، صبوری را پیشه خود سازد و زمان تحقق ظهور را به خدا واگذار کند که

اگر طولانی شد دچار قساوت نشده و از راه حق خارج نشود. او باید به این امر یقین داشته باشد

که ظهور در وقت خود قطعاً محقق خواهد شد.

حضرت در جای دیگر در سفارش به انتظار و عدم یاس می‌فرماید: «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام:

اَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ...» (ابن بابویه ۱۳۶۲ ه. ش، ج ۲ ص ۶۱۰؛ مجلسی ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۵۲،

ص ۱۲۳).

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف آماده کنیم،

سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف کار آسانی نیست... ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا

برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم و معنایش این است که انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی

باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه آماده به کار باشد... کسی که در انتظار مصلح

بزرگ است باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده کند و کاری کند که برای تحقق صلاح بایستد»

(بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

تحقق این امور موجب گردیده که در روایات، به خواندن دعا‌های مخصوص و استغاثه تأکید

فراوان شود؛ مانند دعای غریق از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «یا اللَّهُ یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ یا مُقَلِّبَ القُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ه. ق.، ج ۲، ص ۳۵۱) یا ملزم شدن به دعای عهد و دعای «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ...» که امام صادق علیه السلام به زواره می‌فرماید: «اگر می‌خواهی آن زمان انتظار را درک کنی به خواندن آن ملزم شو» (کلینی، ۱۴۲۹ ه. ق.، ج ۱، ص ۳۳۷ / ابن بابویه، ۱۳۹۵ ه. ق.، ج ۲، ص ۳۴۲ / نعمانی، ۱۳۹۷ ه. ق.، ص ۱۶۶ / طوسی، ۱۴۱۱ ه. ق.، ص ۳۳۳)؛ و دعاهای مأثور دیگری که سفارش شده است.

بنابراین برای رفع غفلت، منتظر باید به یاد امام خویش، تمام اعمال و رفتار را در جهت رضایت او قرار می‌دهد، نشست و برخاستش برای او باشد، برای او دعا کند، صدقه دهد و خلاصه سراسر وجودش برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه باشد؛ تا آن‌گونه که امام علی علیه السلام در مورد یاران خود فرموده، شوند. از ایشان نقل شده است:

«خداوند دل‌های آنان را با یکدیگر انس و الفت می‌بخشد، با رفتن کسی احساس تنهایی نمی‌کنند و از آمدن هیچ‌کس ابراز مسرت نمی‌کنند. آن‌ها گروهی‌اند که با صبر و شکیبایی خود بر خدا منت نمی‌نهند و جانبازی خود را در راه حق بزرگ نمی‌شمارند. هنگامی‌که حادثه‌ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید، دیده‌های خود را از برق شمشیر جلوه می‌دهند و به فرمان امامشان به خداوندگار خود تقرب می‌جویند. آن‌ها همگی شیرهای ژبانی‌اند که از بیشه‌های خویش بیرون آمده‌اند. اگر اراده کنند که کوه‌ها را برکنند، بی‌تردید انجام می‌دهند. خدا را به حقیقت یکتاپرستی، به یگانگی یاد می‌کنند، در دل شب از ترس خدا ناله‌هایی دارند؛ چون ناله مادران داغ‌فرزند دیده. شب‌زنده‌داران در دل شب و روزه‌داران در طول روزند. گویی اخلاق و آداب ایشان یکی است. دل‌های آن‌ها بر محبت و شفقت و خیرخواهی گرد آمده است. در آن زمان قومی صیقل داده می‌شوند؛ چنان‌که آهنگر پیکان تیر را صیقلی می‌کند. به وسیله قرآن دیدگان‌شان نورانی می‌شود و تفسیر آن در گوش جان‌شان جای می‌گیرد. جام حکمت را صبحگاهان و شامگاهان سر می‌کشند» (کامل سلیمان، بی‌تا، ص ۱۸۶-۱۹۰).

## الف) دائم به یاد امام بودن

هرچه محبت شخص منتظر به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فزون تر باشد، بیشتر به یاد او خواهد بود. منتظر واقعی در لحظه لحظه زندگی خود، در خوشی‌ها، ناخوشی‌ها، دوراهی‌ها، مشکلات و تصمیم‌گیری‌ها به یاد امام بوده و آنی از او غافل نیست و امامش را در زندگی خود سهیم می‌داند. شخص منتظر تمام تلاش خود را برای رضایت امام به‌کار گرفته و همیشه برای سلامتی و فرج او دعا می‌کند و صدقه می‌دهد.

در روایات متعدد نسبت به ائمه دیگر نیز این مطلب مشاهده می‌شود که اصحاب و یاران، دائماً با ائمه، گاه برای اطاعت امر آنان، گاه برای طلب راهنمایی از ایشان و گاهی هم فقط از روی دل‌تنگی امام خویش، با آنان در ارتباط بودند. در روایتی آمده است:

«از حارث اعور روایت شده که گفت: نیمه شبی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شدم، حضرت به من فرمودند: چه سبب شد که این وقت شب آمدی؟ عرض کردم: محبت شما یا امیرالمؤمنین علیه السلام. فرمودند: خدا را گواه می‌گیری؟  
گفتم: خدا گواه است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۷۹).

در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید نیز آمده است: «گروهی از شیعیان در رحبه خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدند درحالی‌که آن حضرت روی حصیر کهنه ای نشسته بودند. پس به آنها فرمودند: چه سبب شد به اینجا آمدید؟ گفتند محبت به شما یا امیرالمؤمنین علیه السلام. فرمودند: بدانید هرکه مرا دوست بدارد، مرا همانگونه که دوست دارد ببیند، می‌بیند و کسی که مرا دشمن بدارد، مرا آنگونه که دوست نمی‌دارد، خواهد دید» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۰۴). با توجه به چنین روایاتی، در می‌یابیم که به یاد امام بودن و اظهار محبت به امام مورد تأکید اهل بیت علیهم السلام بوده و از راه‌های وصول به حقیقت دانسته می‌شود.

در دعای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر جمعه، منتظران، از خداوند می‌خواهند که یاد و ذکر امام زمان را از یادشان نبرد: «و لا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ».

طبق روایتی، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به مرحوم فشنودی در جمکران فرمود: اگر مردم به اندازه آب خواستنی ما را می‌خواستند و دعا می‌کردند، خداوند فرج ما را می‌رساند (قاضی زاهدی گلپایگانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۵)؛ بنابراین با خواندن دعا و توسل دائمی داشتن، ولو کوتاه و اندک، باید

خود را به امام نزدیک نموده و از یاد او غافل نگردید و علاوه بر دعا برای سلامتی و حفظ ایشان، تعجیل در فرج و ظهور امام زمان عجل الله فرجه الشریف را از خداوند طلب نمود.

### ب) اظهار محبت

یکی از روش‌های عملی مقابله با غفلت، اظهار محبت نسبت به امام زمان عجل الله فرجه الشریف است. همان‌طور که معصومان علیهم السلام، هرگاه یادی از امام دوازدهم عجل الله فرجه الشریف و صحبت از ایشان می‌شد به نوعی محبت خود را به امام عجل الله فرجه الشریف اظهار می‌نمودند؛ در مورد اشتیاق امیرالمؤمنین علیه السلام برای دیدار با امام زمان عجل الله فرجه الشریف چنین روایت شده است: «و آه کشیدند و با دست خود به سینه‌شان اشاره فرمودند که چه قدر مشتاق دیدار او هستند» (نعمانی، ۱۳۹۷ ه. ق، ص ۲۱۲ / مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۵۱، ص ۱۱۵).

در زیارت آل یس نیز اظهار محبت به امام عجل الله فرجه الشریف با تأکید و شدت خاصی بیان شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ...»؛ در دعای ندبه نیز آمده است: «بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَتًّا... إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ...» این اظهار محبت به آن خاطر است که: «هر چیزی پایه و بنیانی دارد و پایه و بنیان اسلام، محبت و دوستی ما اهل بیت است» (طوسی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۸۴ / مجلسی ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۲۷، ص ۸۲ و ج ۴۷ ص ۱۵۶ / بحرانی، ۱۴۰۴ ه. ق، ص ۵۲)؛ و این همان چیزی است که خداوند به‌عنوان اجر رسالت قرار داده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری: ۲۳) و «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (فرقان: ۵۷)

مودت و محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام سبیل الی الله دانسته می‌شود. در جلد ۲۴ بحار باب مفصلی از روایات بیان شده که امام علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام را «سبیل الی الله» و «صراط مستقیم» معرفی می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۲۴، ص ۹-۲۵) همچنان که در دعای ندبه نیز آمده است: «أَيُّنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ...»

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «هیچ بنده مؤمنی که خدا قلب او را از ایمان آکنده کرده باشد نیست مگر آنکه دوستی ما را در قلب خود احساس می‌کند... پس ما بخاطر محبت مؤمن نسبت به ما مسروریم... هرگز ما را دوست ندارد کسی که دشمن ما را دوست دارد؛ همانا آیندو در یک قلب جمع نمی‌شوند و خدا نیز برای یک نفر دو قلب قرار نداده است» (طوسی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص

۱۴۸ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۸۳). در جای دیگر نیز به نقل از ایشان آمده است:

«شنیدم رسول خدا فرمود: من سرور فرزندان آدم هستم و تو یاعلی وائمه پس از تو سروران امت من هستید. کسیکه ما را دوست بدارد حتما خدا را دوست دارد و کسیکه بغض ما را داشته باشد خدا را مبعوض داشته و کسیکه ولایت ما را بپذیرد حتما ولایت خدا را پذیرفته و کسیکه با ما دشمنی کند حتما با خدا دشمنی کرده و کسیکه ما را اطاعت کند حتما خدا را اطاعت نموده و کسیکه از امر ما سرپیچی کند خدا را عصیان کرده است» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۷۶ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۸۸).

شدیدترین امر برای محب، دوری از محبوب خویش است. محبوبی که بالاترین خلق خدا و مهربان‌ترین نسبت به بندگان، به خصوص شیعیان، شناخته می‌شود. همان کسی که دلسوزتر از پدر و مهربان‌تر از مادر است. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: یا علی... وَ ذَلِکَ عِنْدَ فُقْدَانِ شِيعَتِكَ الْخَامِسَ مِنَ السَّابِعِ مِنْ وُلْدِكَ یَحْزَنُ لِفُقْدِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ فَکُمْ مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مُتَأَسِّفٌ مُتَلَهِّفٌ حَیْرَانٌ عِنْدَ فُقْدِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۳۳۷ و ج ۵۱، ص ۷۸) طبق این روایت، در زمان غیبت که اهل آسمان و زمین در غم فقدان فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام محزون هستند چه بسیار مؤمنینی که از دوری امام خویش، سرگردان و حیران، روزگار سختی را می‌گذرانند. در دعای ندبه نیز آمده است: «عَزِيزٌ عَلٰی اَنْ تُحِیْطَ بِکَ دُوْنِ الْبَلْوٰی، وَ لَا یُنَالُکَ مِنْیْ ضَجِیْحٌ وَ لَا سُکُوٰی... فَأَغِثْ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ عُبْدَکَ الْمُهْتَلِی، وَ أَرِ سَیِّدَهُ یَا شَدِیدَ الْقُوٰی ...»

### ج) انس با قرآن

تلاوت قرآن روزی پنجاه آیه در چهارده نوبت به نقل از امام محمدباقر علیه السلام و نیز گوش دادن به تلاوت قرآن و تدبیر آیات آن در زمان‌های مختلف، روح انسان را جلا داده و او را از غفلت حفظ می‌کند.

### د) گوش دادن به وعظ و منبر

فرد منتظر برای زدودن غبار غفلت از جان خویش باید در جلسات وعظ و منابر مذهبی شرکت کند. این در واقع از سیره علمای بزرگ ما نیز به حساب می‌آید؛ همان‌گونه که شیخ انصاری از

شاگرد خویش مرحوم شوشتری درخواست می‌نمود که او را گاه‌گاهی نصیحت نماید.

### ۵) محاسبه نفس

درباره محاسبه نفس در روایتی آمده است: «از ما نیست کسی که در هر روز محاسبه نفس خویش نکند؛ پس اگر عمل نیکی انجام داده بود از خدا افزونتر بخواهد و اگر عمل بدی مرتکب شده بود از خدا طلب مغفرت نموده و توبه کند» (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ج ۲، ص ۴۵۳). محاسبه نفس سبب می‌شود انسان متوجه غفلت‌هایش شده و بیدار شود. چنین فردی هر روز رشد یافته و به امام خود نزدیک‌تر می‌شود.

اگر این امور (امور فردی) در طولانی‌مدت و از کودکی در انسان نهادینه شود فرد کمتر دچار غفلت خواهد گردید.

### ۳،۲،۲. راهکارهای عملی اجتماعی

بزرگ‌ترین وظیفه جامعه منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی، علمی و پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنان خود را آماده ساخته و در کنار آن برای پنجه درافکندن با زورگویان نیز خود را مهیا سازند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۷/۳۰) تحقق این مهم، راه‌های گوناگونی را می‌طلبد که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

### الف) تلاش عالمان در هدایت‌گری جامعه

مهم‌ترین امری که انبیا، مرسلین و ائمه علیهم‌السلام به آن اهتمام داشته‌اند، هدایت بندگان به سوی خداوند و راهنمایی گمراهان به راه راست بوده است. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«پیامبر صلی الله علیه و آله مرا به سوی یمن فرستاده و به من فرمودند: یا علی با هیچکس نجنگ مگر آنکه او را به اسلام دعوت کنی. به خدا قسم اینکه خدا یک نفر را به دست تو هدایت کند بهتر است از آنچه خورشید بر آن می‌تابد و غروب می‌کند» (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ج ۹، ص ۴۱۰ / طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۶، ص ۱۴۱).

بر مبنای این روایت باید اذعان نمود که عالمان، وظیفه سنگینی به عهده داشته و انجام آن بزرگ‌ترین خدمت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه به شمار می‌رود. امام حسن عسگری علیه‌السلام در حدیثی زیبا، ارزش عالم و هدایت‌گر افراد جامعه را از زبان امیرالمؤمنین علیه‌السلام این‌گونه نقل می‌فرماید:

«هر که شیعه ما بوده و عالم به دین ما باشد و پیروان ضعیف و ناتوان ما را از تاریکی



جهل و نادانی به علم و دانش که به او عطا نموده‌ایم خارج سازد، روز قیامت تاجی از نور بر سر دارد که نور آن تمام محشر را روشن می‌سازد و نیز جامه‌ای دارد که تمام دنیا با ذره‌ای از رشته و نخ آن برابری نمی‌کند. سپس منادی ندا کند: ای بندگان خدا، این دانشمند، یکی از شاگردان علمای آل محمد علیهم‌السلام است. آگاه باشید هرکس را که او در دنیا از حیرت جهل نجات داده است، از نور او کمک بگیرد تا از حیرت تاریکی محشر نجاتش دهد و او را به بهشت برین رهنمون سازد. سپس هرکس را که در دنیا به او خیری آموخته یا قفل جهل از قلبش گشوده یا شبهه‌ای را برای او برطرف کرده، همه را از آن عرصه نجات می‌دهد» (طبرسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱، ص ۱۶).

بدعت‌هایی که دشمنان از طریق مغرضان یا نادانان در جامعه منتظر ایجاد می‌کنند و شبهاتی که جاهلان را به گمراهی سوق می‌دهد و جامعه منتظر را غافل می‌گرداند، باید توسط علما روشن و برطرف شود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه ۱۵۱ نهج البلاغه در مورد چگونگی مواجهه با این فتنه‌ها هشدار داده و فرموده است:

«پس سعی کنید که شما پرچم فتنه‌ها و نشانه‌های بدعت‌ها نباشید و آنچه را که پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه‌های اطاعت بر آن پایدار است بر خود لازم شمارید.»

نیز امام حسن عسکری علیه‌السلام به نقل از امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید:

«فضیلت کسی که از یتیمی از آل محمد علیهم‌السلام را که از امامانش دور افتاده و دروادی جهل به‌گونه‌ای گرفتار شده که راه نجات ندارد، کفایت و سرپرستی کرده، از تاریکی جهل بیرون و مشتبهات او را برطرف نماید نسبت به فضیلت کسی که یتیمی را غذا و آب دهد، مانند فضیلت خورشید است بر سها (کم‌سوترین ستاره)» (طبرسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱، ص ۱۱۶ / امام حسن عسکری علیه‌السلام، ۱۴۰۹ ه.ق، ص ۳۴۱).

بنابراین علما باید با ایجاد منابر وعظ و خطابه، به روشنگری مردم پردازند. علاوه بر آن، هم علما و هم همه منتظران، باید امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه نهادینه کنند تا فساد و غفلت از جامعه منتظر رخت بریندد.

## ب) رفع همّ و غم از مؤمنین

مسئله مهم دیگر در جامعه منتظر، رفع همّ و غم از مؤمنان و قضاء حوائج آنان است؛ زیرا احسان به مؤمن، احسان به امام، صله مؤمن، صله امام، شادی و حزن مؤمن، شادی و حزن امام و بیماری مؤمن، بیماری امام است؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرکه ما را شناخت و ما را یاری نمود و به حق ما معرفت پیدا کرد و ولایت ما را پذیرفت، او از ماست و به سوی ما می‌آید» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ه. ق، ج ۱، ص ۲۰۵ / طوسی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۶۵۴ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ه. ق، ج ۴، ص ۲۰۶ / صفار، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱، ص ۶۲). همچنین از ایشان نقل شده است: «شیعیان ما از ما هستند و ما از شیعیانمان هستیم» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۲۵، ص ۲۱).

گاهی غم و اندوه‌های مادی و دنیایی که برای انسان پیش می‌آید سبب مشغولیت ذهن و غفلت از امام می‌شود و برطرف کردن آن، در غفلت‌زدایی فرد مؤثر است.

در روایتی آمده است فردی به نام رمیله از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام دچار مرضی سختی شد. در روز جمعه‌ای که بیماری او سبک گردید، به مسجد رفته و با امام، نماز جماعت خواند. پس از نماز هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام بر منبر بودند، دوباره حال او ناخوش گشت. او پس از صحبت امام، با ایشان وارد دارالاماره شد. امام که متوجه مرضی او بودند، حال او را جویا شده و او قصه بیماری خود را برای امام می‌گوید. امام می‌فرماید:

«ای رمیله، هیچ مرد و زن مؤمنی مریض نمی‌شود مگر اینکه ما هم همراه او مریض می‌شویم، و او محزون نمی‌گردد مگر اینکه با حزن او محزون می‌شویم و دعا نمی‌کند مگر اینکه دعایش را آمین می‌گوییم و ساکت نمی‌گردد مگر اینکه ما دعایش می‌کنیم.» رمیله عرض می‌کند: آیا این لطف و مهربانی فقط برای کسی است که کنار شماست یا برای هر مؤمنی در زمین است؟ امام می‌فرماید: «ای رمیله، هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما پوشیده نیست» (صفار، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱، ص ۲۵۹).

این مطلب توجه و عنایت ویژه امام نسبت به شیعه را نشان می‌دهد؛ بنابراین رسیدگی به امور مؤمنین و رفع حاجت آنان بسیار اهمیت دارد و مورد عنایت خداوند و اهل بیت علیهم السلام است و همه منتظران باید در حد توان خود، در تحقق این مسئله تلاش نمایند. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «... مَنْ قَصَى حَاجَةً لَاحِدٍ مِنْ أَوْلِيَانِنَا فَكَأَنَّهَا قَضَاهَا لِمَجِيعِنَا» (ابن

قولویه، ۱۳۵۶ ش. ۵، ص ۳۳۵) و در این باب روایات بسیار زیادی نقل شده است.

### ج) رفع اختلاف بین مؤمنین

امر مهم دیگری که جامعه منتظر در اثر غفلت به آن مبتلا گشته و باید در رفع آن اهتمام ورزد، اختلاف بین مؤمنین است که این اختلافات در طول دوران غیبت، به اوج خود رسیده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«امروز کار انسانیت در گره‌های سخت پیچیده و گره خورده است، این گره بزرگی

است و فرج یعنی؛ باز شدن این گره‌ها» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰ ش. ۵، ص ۴۱۴)

در آیات بسیاری به الفت و مهربانی بین مؤمنین در رعایت حق یکدیگر تأکید شده و مؤمنان را از اختلاف و دوری نهی نموده است: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۶۳) کلینی در کتاب خود روایتی از امام علی علیه السلام در این باره نقل می‌کند که امام فرمود:

«و‌الاسفا بر رفتار و کردار شیعیان ما بعد از نزدیکی که امروز باهم دارند، چگونه بعضی، بعضی دیگر را خوار کرده و بعضی، بعضی دیگر را می‌کشند؟» (کلینی، ۱۴۲۹ ه. ق. ج ۸، ص ۶۳)

غفلت از دستورات دینی، باعث نابودی جامعه منتظر می‌گردد و باعث می‌شود منتظران از امام خود دور شده و از تکامل باز ایستند. در روایتی آمده است:

«چنانچه شیعیان ما که خدا به طاعت خود موفقشان بدارد، قلباً در وفای به عهد خود مجتمع می‌شدند، توفیق لقای ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد؛ و به زودی سعادت مشاهده ما در پرتو شناخت کامل و صداقت آنان نسبت به ما نصیبشان می‌گشت؛ بنابراین هیچ چیز ما را از ایشان دور نساخته مگر آنچه از آن‌ها به ما رسد که مورد پسند ما نیست؛ و ما از ایشان توقع نداریم. تنها از خدا باید یاری جست...» (طبرسی، ۱۴۰۳ ه. ق. ۲، ص ۴۹۸).

### د) توجه دادن جامعه به امام عصر علیه السلام

در جامعه منتظر، متولیان امر، باید در توجه دادن مردم به امام زمان علیه السلام تلاش کنند. آنان باید با اقامه مجالس مذهبی، برنامه‌های فرهنگی و تعلیم شعائر الهی مثل دسته‌جات



(به‌عنوان نمونه پیاده‌روی اربعین) و از طریق رسانه‌ها، معرفت، محبت، نام و یاد امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام را همگانی نموده و بر نشر جلوه‌های محبت امام به منتظران همت گمارند. مهم‌تر از همه، با گفتار، کردار، اعمال و اخلاق خود، افراد جامعه منتظر را مشتاق و عاشق امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام سازند. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در این باره چنین روایت شده است: «مردم را به خودتان دعوت کنید به غیر زبانتان (با رفتارناتان) و برای ما زینت باشید نه مایه سرافکندگی» (کلینی، ۱۴۲۹ ه. ق، ج ۲، ص ۷۷).

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «دید را وسیع کنید. به داخل خانه خودمان و زندگی معمولی خودمان محدود نشویم، در سطح دنیا انسانیت، فرج می‌طلبید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰ ه. ش، ص ۴۱۴). «هم روحتان در انتظار مهدی باشد هم نیروی جسمتان در این راه حرکت کند» (همو، ص ۴۱۵). همچنین ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود فرمود:

«ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب آییم که زمینه را آماده کنیم؛ برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

در این مجال، سعی شد راهکارهای غفلت‌زدایی از جامعه منتظر با تمسک به قرآن کریم و عنایت به فرمایشات معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام، مخصوصاً کلام امام علی عَلَيْهِ السَّلَام تبیین شود. این راهکارها به دو بخش فردی و عملی - اجتماعی تقسیم گردید. در بخش فردی به یاد امام، اظهار محبت به امام، انس با قرآن، گوش دادن به وعظ و محاسبه نفس و در بخش عملی - اجتماعی، به تلاش عالمان در هدایتگری جامعه، رفع هم و غم از مؤمنان، رفع اختلاف بین مؤمنان و توجه دادن جامعه به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام اشاره شده است. اگر این راهکارها از دوران کودکی مورد توجه قرار گیرد و در مهدکودک‌ها، دبستان‌ها و مراکز آموزشی سرلوحه فعالیت مسئولان قرار گیرد و یاد و توجه به امام و رضایت امام در رأس امور همه ما در گرفته شود، غبار غفلت از جامعه منتظر پاک شده و به عصر ظهور نزدیک خواهیم شد. همان‌طور که مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«همه این تلاش‌ها و در صراط مستقیم قرار گرفتن براساس این بینش است که نهایت این عالم، غلبه صلاح است. ممکن است زودتر بشود؛ ممکن است دیرتر بشود؛

اما قطعاً این طور است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد. این هم یک نکته از جهان بینی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۲/۱۳۷۹/۹).

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: عصر ظهور، ۱۳۹۰ ه. ش.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، قم: علامه، ۱۳۷۹ ه. ق.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ه. ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ه. ش.
۶. \_\_\_\_\_، توحید صدوق، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ه. ق.
۷. \_\_\_\_\_، خصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ه. ش.
۸. \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ه. ق.
۹. امام حسن بن علی علیه السلام، تفسیر منصوب به امام حسن عسکری علیه السلام، قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۰. بحرانی، ابن شعبه، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ه. ق.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: سید مهدی رجائی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ه. ق.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی، انسان ۲۵ ساله، تهران: مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰ ه. ش.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشکده ادبیات، بی تا.
۱۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، مترجم خسروی حسینی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ه. ق.
۱۵. صفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ه. ق.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ه. ق.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، امالی، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ه. ق.

۱۹. \_\_\_\_\_، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه. ق.
۲۰. \_\_\_\_\_، غیبت طوسی، قم: دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ه. ق.
۲۱. قاضی زاهدی گلپایگانی، احمد، شیفتگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، قم: حاذق، ۱۳۸۳ ه. ش.
۲۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ه. ق.
۲۳. کامل، سلیمان، یوم الخلاص فی ظلّ القائم المهدی عجل الله تعالی فرجه، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ه. ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه. ش.
۲۷. نعمانی، ابن ابی زینب، غیبت نعمانی، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ه. ق.

# عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت

اکرم عسگری<sup>۱</sup>  
نرگس بزرگ‌خو<sup>۲</sup>

## چکیده

مسئله مهدویت از اصول اعتقادی شیعه است که در جریان‌های سیاسی، اعتقادی، فرهنگی و ارزشی ریشه دارد. این مسئله در طول تاریخ با آسیب‌های زیادی مواجه بوده که ظهور مدعیان دروغین مهدویت از مهم‌ترین آنها است. نوشتار حاضر با هدف پیشگیری از شکل‌گیری جریان‌های نوپدید، آگاهی بخشی به مهدی‌باوران و جلوگیری از خطرات لغزش آنان، مسئله مدعیان دروغین مهدویت را بررسی کرده است. روش پژوهش توصیفی است. نتایج تحقیق بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای بیان‌کننده آن است که عوامل پیدایش مدعیان در دو بخش عوامل بسترساز و عوامل پیش‌برنده و با رویکردهای اعتقادی، فرهنگی و سیاسی قابل بررسی است.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، مدعیان مهدویت، پیدایش مدعیان دروغین، عوامل بسترساز، عوامل پیشرفت.

۱. طلبه سطح دو جامعه الزهراء (ع)، قم.

۲. کارشناس ارشد علوم قرآنی، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء (ع)، K.Nabozorgkhoo@gmail.com

## مقدمه

مهدویت، یعنی اعتقاد به موعود و انتظار آن حضرت که این اعتقاد از مسائل اساسی جهان اسلام به‌ویژه مکتب تشیع است. طبق مذهب شیعه، آموزه مهدویت در ادامه آموزه امامت قرار دارد و برپایه آن آخرین امام در غیبت به‌سر می‌برد و روزی ظهور خواهد کرد و بشریت را نجات خواهد داد. اندیشه مهدویت در درجه اول، بحثی کلامی است که با رویکردهای تفسیری، سیاسی، تاریخی، تربیتی و... می‌توان به آن پرداخت. عقاید کلامی شیعه نقش مهمی در زمینه باور به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریح و نقش اصلاح‌گرانه آن حضرت دارد. در منابع روایی و کلامی دانشمندان اسلامی می‌توان این واقعیت را به‌وضوح دریافت که اصل جریان مهدویت و اعتقاد به ظهور نجات‌بخشی با لقب مهدی، باوری دینی و برخاسته از انبوه روایاتی است که در این زمینه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است. در این میان آنچه ایجاب می‌کند که در این مسئله دقت بیشتری صورت گیرد، توجه به این امر است که امامان شیعه در تبیین مهدویت و آگاهی‌بخشی صحیح به مردم درخصوص آن، از هیچ کوششی فروگذار نکرده و از ویژگی‌های مهدی و نشانه‌های زمان ظهور او به‌تفصیل سخن گفته‌اند.

با این همه به‌جهت آنکه اندیشه مهدویت پیشینه‌ای بسیار طولانی در بستر ادیان و مذاهب و فرهنگ‌های مختلف دارد، انبوهی از آرمان‌ها، آگاهی‌ها، افسانه‌ها و تخیلات در آن راه یافته است. این مسئله تشخیص حق از باطل را در آموزه‌های مهدویت دشوار کرده است؛ چراکه زمینه را برای سوءاستفاده برخی افراد سودجو و کم‌اطلاع فراهم کرده است تا با دعوی امامت و مهدویت و سوءاستفاده از باورهای دینی مردم، آنها را به خود جلب کنند و چند زمانی بر مسیر اهداف خود پیش روند. از این‌رو گرفتاری در دام مدعیان دروغین مهدویت را باید از آسیب‌های عمده جامعه منتظر دانست.

تاریخ اسلام نشان‌دهنده آن است که افراد بسیاری برای دستیابی به قدرت از عنوان مقدس مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریح سوءاستفاده کرده‌اند. این سوءاستفاده از همان قرن اول هجرت آغاز شد و در دوره خلافت عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ق) به اوج خود رسید. از قرن اول هجری، عده‌ای خود را مهدی موعود دانستند یا آنکه جمعیتی به مهدی موعود بودن شخصی - با اینکه آن شخص چنین ادعایی نداشت - اعتقاد یافتند. جدا از برخی نهضت‌های جهان اسلام که جنبه حق‌طلبی



داشتند و از آسیب‌های اجتماعی و سیاسی به شمار نمی‌روند، مانند قیام زید بن علی، نهضت‌هایی با نام مهدویت پدید آمده‌اند. نهضت‌های محمد نفس زکیه، مهدی عباسی، عبدالله بن میمون، عبیدالله المهدی، حسن شریعتی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال عبرتائی، محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج، محمد بن علی شلمغانی، ابودلف کاتب، محمد بن احمد بغدادی، محمد بن عبدالله تومرت (موحدون)، شیخ شرف الدین (قیام مردم فارس) سیدمحمد مشعشع (قیام خوزستان)، محمد مهدی سنوسی، محمد احمد سودانی و غلام احمد قادیانی از مهم‌ترین این نهضت‌ها بوده‌اند (میرتبار، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

شمار دقیق مدعیان مهدویت مشخص نیست؛ اما هریک از این نهضت‌ها و تحركات عوامل و انگیزه‌های متفاوتی داشته‌اند. از سوی دیگر، زمینه‌های پذیرش این دعاوی از طرف مردم به وجود عوامل مختلفی باز می‌گردد. بنابراین شناخت آفات و آسیب‌های این امر لازم به نظر می‌رسد؛ زیرا پالایش اندیشه مهدویت از افکار انحرافی، بر غنای هرچه بیشتر این اندیشه خواهد افزود. در عین حال شناخت و تحلیل ریشه‌ها، علل پیدایش و رشد مدعیان مهدویت ضرورتی عقلانی است؛ زیرا تا چرایی و چگونگی پیدایش مدعیان دروغین به خوبی بررسی نشود، نمی‌توان تصویری روشن و جامع از آن ارائه داد و راه تحریف، کژاندیشی و عوام‌گرایی در این مکتب بسته نخواهد شد.

این آسیب از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است؛ از جمله: راهکارهای مبارزه با مدعیان، تأثیرات مخرب آنان بر جامعه اسلامی و اهداف مدعیان. با وجود آنکه هریک از این زمینه‌ها شایسته تحقیق مفصل و پیرامنه است، شمار کتاب‌ها و مقالات در آن بسیار اندک است و غالباً نه به صورت مستقل، که به عنوان بخشی از کتاب‌های فرّق و مذاهب، بررسی شده است. برخی از کتاب‌ها و مقالات که به صورت مستقل یا ذیل موضوعات دیگر به این موضوع پرداخته‌اند، عبارت‌اند از:

کتاب *الغیبه*، نوشته شیخ طوسی. در این کتاب شبهات و اشکالات مخالفان پاسخ داده شده است. همچنین بخشی از آن به نایبان خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مدعیان مهدویت اختصاص یافته است.

کتاب *فرق الشیعه*، نوشته نوبختی. این کتاب عملکرد مدعیان مهدویت را توضیح داده است.

مقاله «بازخوانی علل پیدایش مدعیان دروغین و گرایش مردم به آنها»، نوشته امیرمحسن عرفان. در این مقاله عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت بررسی شده است. مقاله «گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت»، نوشته نعمت‌الله صفری فروشانی. در این مقاله تنوع مدعیان مهدویت واکاوی شده است.

پژوهش‌های موجود درباره مدعیان، بیشتر درصدد ذکر شماری از آنان و بررسی ادعای یک یا چند مدعی است. در بیشتر این نوشته‌ها به سیر تاریخی مدعیان مهدویت توجه شده است. مقاله حاضر بر آن است که عوامل بسترساز و پیشرفت مدعیان دروغین را از منظر اعتقادی، فرهنگی و سیاسی واکاوی کند.

## ۲. گونه‌شناسی مدعیان مهدویت

در یک دسته‌بندی، کسانی که در تاریخ به‌عنوان مدعی مهدویت شهرت یافته‌اند، به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. افرادی که خود مدعی مهدویت نبوده‌اند، اما دیگران آنان را «مهدی» و نجات‌بخش خوانده‌اند.

۲. کسانی که به‌انگیزه جاه‌طلبی و قدرت‌خواهی، چنین ادعای دروغینی داشته‌اند.

۳. گروهی که طبق نقشه استعمار و به‌اشاره بیدادگران خود را مهدی موعود معرفی کرده‌اند (رفیعی محمدی، بی‌تا، ص ۴۹).

### ۲-۱. گروه اول

این واقعیت از تاریخ به‌دست می‌آید که برخی از کسانی که ادعای مهدویت به آنها نسبت داده شده است، نه مدعی مهدویت بوده‌اند و نه راضی بوده‌اند که دیگران آنها را مهدی بدانند؛ بلکه تنها یاران و پیروانشان چنین ادعایی را به آنها نسبت داده و برخی علائم و نشانه‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک را به آنها تطبیق داده‌اند. البته می‌بایست خود آنان، چنین ادعاهای دروغین و نسبت‌های نادرستی را نفی می‌کردند؛ اما روشن نیست چرا در برابر این عنوان ساختگی اعتراض نکرده‌اند. برخی از نمونه‌های این گروه عبارت‌اند از: ۱. محمد حنفیه ۲. زید فرزند امام سجاد علیه السلام ۳. محمد بن عبدالله بن حسن معروف به نفس زکیه.

## ۲-۲. گروه دوم

گروه دوم کسانی بودند که به‌انگیزه‌های فریب‌کارانه و جاه‌طلبانه، ادعای مهدویت نموده و برای جلب عواطف و به‌دست آوردن قدرت، به‌دروغ خود را مهدی نجات‌بخش معرفی کردند. از جمله این گروه، «مهدی عباسی» است که پدرش منصور دوانیقی ادعا کرد همان مهدی موعود است. این در حالی است که خود او پیش از این ادعا، نفس زکیه را مهدی می‌دانست و به او به‌عنوان مهدی دست بیعت داده بود.

## ۲-۳. گروه سوم

گروه سوم افرادی را شامل می‌شود که براساس نقشه و خواست استعمارگران، ادعای مهدویت کرده‌اند. از نقشه‌های کشورهای استعماری، ساختن مرام‌ها و مسلک‌های رنگارنگ میان مسلمانان و بازی با مفاهیم و اعتقادات دینی، به‌منظور بی‌ایمانی و سست‌باوری مسلمانان است. این کشورها با سوءاستفاده از آموزه مهدویت، افرادی را تربیت و مأمور طرح ادعای مهدویت کرده‌اند و با همه امکانات آنان را در این راه یاری رسانده‌اند (سلیمان، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳).

## ۳. عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت

عوامل مختلفی در پیدایش مدعیان مؤثرند که می‌توان آنها را در دو دسته تقسیم نمود:

۱. عوامل بسترساز: اموری که به‌طور فراگیر در شکل‌گیری جریان‌های انحرافی نقش دارند.
۲. عوامل پیشرفت: اموری که عامل پیشرفت و گسترش این ادعاها هستند.

### ۳-۱. عوامل بسترساز

عوامل بسترساز پیدایش مدعیان دروغین، خود به سه بخش اعتقادی، فرهنگی و سیاسی دسته‌بندی می‌شود:

### ۳-۱-۱. عوامل اعتقادی

گرچه آموزه مهدویت، باوری برگرفته از متون اصیل دینی است، چنانچه حقیقت آن به‌درستی برای مردم تبیین نشود و میان آنها نهادینه نگردد، امکان سوءاستفاده افراد نادان و مغرض از آن فراهم می‌شود. برداشت سطحی از مهدویت می‌تواند باعث گمراهی افراد شده و زمینه‌ساز ظهور

مدعیان دروغین در این وادی گردد.

### الف) ضعف مبانی دینی

مجموعه اعتقادات، اخلاقیات و قوانینی را که برای رسیدن انسان به قرب الی الله تدوین شده، دین می‌گویند. دین پاسخ به نیازی فطری است که خداوند به بشر ارزانی داشته و با توجه انسان به این نیاز و دریافت آن از طریق صحیحش که پیامبران الهی‌اند، می‌تواند چراغ راه بشر به سوی کمال و سعادت در عالم هستی گردد. باین همه اگر انسان به عمد یا از روی بی‌توجهی این نیاز را از راه‌های دیگر مثل بت پرستی یا شیطان پرستی، جست‌وجو کند، در ورطه شرک و کفر می‌افتد و در این صورت هر غیرارزشی ارزش و هر غلطی درست تلقی می‌شود؛ تا آنجا که دین، ابزاری برای خودکامگی گروهی و منبعی برای سوءاستفاده گروهی دیگر خواهد شد. در چنین فضایی دیگر نمی‌توان از حقیقت دین الهی سخن گفت؛ زیرا همه خود را دین‌دار و دین‌شناس معرفی می‌کنند.

اگر افکار بشری بر آموزه‌های وحیانی تحمیل شود، نتیجه آن چیزی جز تحریف دین نیست و دیگر نمی‌توان آن را دین حق نامید؛ زیرا دین، گاهی به حق و زمانی به باطل وصف می‌شود. از آنجاکه مجموعه عقاید و اوصاف اخلاقی و احکام فقهی و حقوقی، یا حق است یا باطل و یا ممزوجی از آن دو، مجموعه عقاید، اخلاق و مقررات حق را دین حق و جز آن را دین باطل می‌نامند؛ خواه باطل محض و خواه حق مخلوط؛ زیرا آمیزه حق و باطل نیز باطل است، نه حق. قرآن کریم، ره‌آورد انبیا را دین حق می‌داند؛ چراکه عقاید و اخلاق و مقررات آن، مطابق با واقع است و هر آنچه مطابق نظام هستی و محصول خدای سبحان باشد، حق است. خداوند به پیامبر اسلام ﷺ فرمود: حق از پروردگار تو سرچشمه می‌گیرد: ﴿الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ﴾ (آل عمران: ۶۰). اسلام دین حقی است که اگر کسی جز آن را انتخاب کند، مقبول خداوند نیست: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾ (آل عمران: ۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۲۸) اما اگر مبانی دینی در جامعه ضعیف باشد، زمینه برای گرایش به عقاید باطل فراهم می‌شود.

### ب) مبانی نظری مهدویت

تفاوت در مبانی نظری مهدویت بین دو مکتب تشیع و اهل سنت، یکی از مهم‌ترین علل به‌وجود آمدن جریان‌های انحرافی است. مبنای قیام مدعیان شیعی، باورهای شیعه در باب

مهدویت اسلام بوده است؛ باورهایی نظیر اینکه مهدی از نسل فاطمه و فرزند پیامبر ﷺ است؛ از این رو عباسیان با شعارهایی همچون «الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» حرکت خود را آغاز کردند. جنبش‌های مهدوی اهل سنت نیز طبق مبانی خود عمل می‌کردند که از مهم‌ترین آنها «امامت باطنین» و «ولایت» است.

غزالی پایه‌گذار این نظریه بوده است. نقطه عطف تصوف غزالی این بود که مهدی یکی از اقطاب تصوف است. متصوفه، الگوی غزالی را رواج دادند. یک قرن بعد از غزالی، ابن عربی شکل متقن و مسبوطی از آن ارائه کرد. ابن عربی در توجیه مبانی نظریه مهدویت، نوعی ولایت را برای مهدی فرض کرد. او ادعا می‌کرد این «ولِیِّ عرب» را در سال ۵۹۵ ق دیده است.

در همین زمان، نظریه «مهدویت نوعیه» غزالی در شرق نیز در عبارات مولوی مطرح شد. این دیدگاه را می‌توان در امتداد یکی از دیدگاه‌های اهل سنت دانست که به دو نوع مهدی قائل بودند: مهدی نوعی و مهدی شخصی. بسیاری از اهل سنت مهدی را نوعی می‌دانند و او را در شخص معینی منحصر نمی‌بینند؛ یعنی علاوه بر مهدی فرزند پیامبر که در آخرالزمان ظهور می‌کند، در هر دوره نیز کسی می‌تواند منجی و مهدی باشد و باعث عدل و داد در جامعه شود. اعلام مهدویت نوعیه از جانب ابن عربی، راه را برای ادعای مهدویت اقطاب صوفیه باز کرد (صفی‌خانی، ۱۳۸۷، ص ۵۴).

### ۳-۱-۲. عوامل فرهنگی

غناي فرهنگي مصونیت فکری و فرهنگی جامعه را موجب می‌شود و آسیب‌زدایی آفت‌های دینی را به دنبال دارد. در مقابل، فقر فرهنگی و عدم آشنایی عمیق با مسائل دینی، آسیب‌پذیری فرهنگی و دینی را در پی خواهد داشت؛ از این رو بخش دیگری از عوامل بستر ساز پیدایش مدعیان دروغین مهدویت را می‌توان در بستر فرهنگی جامعه جست‌وجو کرد. برخی از این عوامل به شرح زیر است:

### الف) گسترش بی‌عدالتی

مهدویت به سبب نوع نگاه به آینده و امیدبخشی، همواره درمانی بر دردهای انسان‌های ستمدیده بوده است؛ اما گاه میان مردم نگاهی افراطی به کارکرد آن شکل می‌گیرد. بررسی تاریخ ملت‌های مسلمان نشان می‌دهد که هرگاه ظلم و فساد دولت‌مردان افزایش یافته، ناشکیبایی

مردم برای ظهور منجی نیز بیشتر شده است. ملت‌های مظلوم در آشفتگی اوضاع و ناامنی‌های ناشی از آن و فشار و تبعیض و ستم در جامعه، در ضمیر ناخودآگاه خود همواره نجات‌دهنده‌ای را می‌جویند.

در چنین فضایی عده‌ای با سوءاستفاده از حقیقت‌خواهی و عدالت‌طلبی، برای مقاصد شوم خود بهره‌برداری می‌کنند و با تشکیل محافلی با اسامی مختلف دینی و عرفانی، زمینه انحراف مردم را فراهم می‌آورند. متأسفانه این مسئله از گذشته دور تا اکنون بارها اتفاق افتاده است. بسیاری از فِرَق موجود در تشیع براساس همین خواسته به حق، وجودی انحرافی و ناصحیح یافتند. درباره نشو و نمای شیخیه و بابیت و بهائیت نیز می‌توان به این عامل برخورد. مردم از جنگ‌های سخت میان ایران و روس تزار و نیز بی‌کفایتی دولت‌های قاجار، خسته و افسرده شده بودند و به دنبال پناهگاهی معنوی می‌گشتند. این زمینه‌ها سبب شد عده‌ای با شنیدن ادعاهای باب و پیروانش به آنان گرایش پیدا کنند و به پناهگاهی کاذب روی آورند (تبریزی، ۱۳۳۴، ص ۱۱۸ و ۱۱۹).

### ب) زیاده‌خواهی

زیاده‌خواهی از مصداق‌های بارز دلبستگی به دنیا و از عوامل مهم انحراف افکار است که متأسفانه دامن اندیشه مهدویت را نیز دربر گرفته است. دنیاخواهی در زمینه‌های مختلف بروز پیدا کرده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

#### ب-۱. تضعیف رقیب

کشاکش رقابت‌های سیاسی و نظامی، در طول تاریخ اندیشه مهدویت را بی‌نصیب نگذاشته است. در این کشاکش‌ها برخی برای کوبیدن رقیب، با اتهاماتی پوچ و واهی آنها را به ادعای مهدویت متهم می‌کنند. برای مثال عده‌ای بر این باورند که «مختار بن ابی عبیده ثقفی» برای پیشرفت قیامش، مهدویت «محمد بن حنفیه» را مطرح کرد؛ اما کاوش‌های تاریخی، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که این، اتهامی واهی است؛ زیرا دشمنان مختار درصدد بودند که اولاً چهره قیام مختار را از حالت مذهبی به قیامی اعتقادی تبدیل کرده و آن را بدعتی در دین اسلام معرفی نمایند؛ و ثانیاً این تبلیغات منفی، بهانه‌ای برای سرکوب دیگر قیام‌های شیعی باشد (صفری فروشانی، ۱۳۷۸، ص ۸۵ و ۸۶).

## ب-۲. سوءاستفاده‌های مالی

بعضی از فرقه‌ها صرفاً با انگیزه‌های دنیاگرایانه و مالی به وجود آمده‌اند. آنان با سوءاستفاده از اندیشه مهدویت‌گرایی در جامعه شیعی، برای رسیدن به آرزوهای مادی، رحلت امامی از امامان شیعه را انکار می‌کردند و با ارائه تفسیری غلط از بعضی روایات، این شبهه را میان شیعیان ایجاد می‌کردند که امام از دنیا نرفته است؛ بلکه او همان امام قائم است. بدین ترتیب آنها خود را جانشین امام در زمان غیبتش معرفی می‌کردند و برای خود مال و مقامی کسب می‌کردند. مصداق بارز این جنبش‌ها، «واقفیه» است. سران این فرقه با سوء استفاده از آموزه‌های اصیل شیعی، بعد از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام، امامت حضرت رضا علیه السلام را نپذیرفتند و مهدویت امام کاظم علیه السلام را تبلیغ کردند.

شیخ طوسی می‌نویسد:

«اولین کسانی که قائل به وقف شدند، علی بن ابی‌حمزه بطائنی، زیاد بن مروان قندی و عثمان بن عیسی رواسی بودند که به طمع اموال، به دنیا رو کردند و گروهی را با پرداختن اموالی که خود به خیانت برداشته بودند، با خود همراه نمودند. ... یونس بن عبدالرحمن گفته است: در زمان شهادت امام کاظم علیه السلام نزد نمایندگان آن حضرت، اموال زیادی بود که طمع در آنها باعث شد در آن امام توقف کنند و وفاتش را انکار کنند (تا اموال را به امام بعدی نپردازند) و برای خود بردارند. نزد زیاد بن مروان، هفتاد هزار دینار و نزد علی بن ابی‌حمزه، سی هزار دینار بود. من که حقیقت امامت امام رضا علیه السلام را دریافتم، مردم را به او دعوت کردم؛ اما آن دو نفر، بیست هزار دینار برای من فرستادند و پیغام دادند که دست از این کار بردار، ما تو را بی‌نیاز می‌کنیم؛ ولی من امتناع کردم و آنان مبنای دشمنی با مرا گذاشتند» (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۶۳ و ۶۴).

## ۳-۱-۳. عوامل سیاسی

سومین بخش از عوامل بسترساز پیدایش مدعیان دروغین مهدویت، مربوط به عرصه سیاسی است. عنصر بصیرت که حاصل شناخت و تفکر است، در بینش صحیح سیاسی بسیار تأثیر می‌گذارد؛ زیرا در طول تاریخ مسئله اساسی و مهم در جریان مبارزه حق و باطل، کمبود

معرفت و بصیرت بوده است.

اگر مهدویت در جایگاه واقعی خود که همانا معرفت حجت حق است، قرار نگیرد، در فتنه‌ها و گرداب‌ها می‌افتد و این آسیبی جبران‌ناپذیر است. از آنجاکه باور به مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف نقش بی‌مانندی در به حرکت درآوردن جوامع به سوی ظلم‌ستیزی دارد، دشمنان در برابر این باور به هرکاری دست زده‌اند. نمونه بارز این کارها جریان‌سازی‌های انحرافی است؛ به‌خصوص در دوره معاصر که جنبش‌های مهدوی، مورد بهره‌برداری عناصر استعماری قرار گرفته‌اند. اگرچه برخی از انسان‌های پاک‌سیرت صرفاً به جهت وجود برخی شباهت‌ها و شواهد در ظاهر و سلوک این جنبش‌ها به آنان روی آوردند و از سراخلاص در پیشبرد اهداف این جریان‌ها کوشیده‌اند، در رأس هرم، نشانه‌هایی از حضور سیاستمداران استعمار وجود دارد.

استعمار در تحلیل‌های خود چنین نتیجه گرفته است که تا انسجام و همبستگی مسلمانان وجود دارد، نمی‌توان بر آنها سلطه یافت؛ و نیز چنین یافته است که عامل مهم انسجام و اتحاد آنها، دین است که پیوند آنها را با رئیس دین (مرجع تقلید) ناگسسته کرده و موجب بیداری مردم می‌شود؛ از این رو تصمیم گرفته است که این انسجام و اتحاد را به وسیله مذهب‌سازی، متلاشی کند. با وجود چنین طرح و ترفندی بود که ناگاه شخصی به نام «شیخ احمد احسائی» ظهور کرد و فرقه‌ای به وجود آورد و گروهی را دور خود جمع کرد (محمدی اشتهاردی، ۱۳۲۳، ص ۹۳).

در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی، استعمار پیرانگلستان و روسیه تزار، دست به دست هم دادند و به مهدی‌سازی پرداختند. در ایران سیدعلی محمد باب و حسینعلی بهاء و... را برای این کار برگزیدند. در این دو قرن دولت‌های استعماری به این مسئله رونق بیشتری دادند. در هندوستان مردم به رهبری نهری، با استعمار انگلستان مبارزه کردند و استقلال خود را به دست آوردند. در همین بحران، استعمار انگلیس فردی را به نام «غلام احمد قادیانی» برپا کرد. او خود را مهدی موعود خواند و اعلام کرد: همه احکام اسلام ثابت و به قوت خود باقی است، جز جهاد و امر به معروف و نهی از منکر که من آنها را فسخ کردم و به جای آن اطاعت از والی و حاکم را (که در آن روز، آن حاکم، دست‌نشانده استعمار انگلیس بود) بر همه واجب می‌کنم (محمدی اشتهاردی، ۱۳۲۳، ص ۳۰). جمعیت قادیانی، هنگام اشغال هند توسط انگلیس، با دست مرموز انگلیسی‌ها پدیدار شد. این جمعیت پیوسته برای ایجاد فساد و مبارزه با اسلام، به‌خصوص در آفریقا تلاش



کرده است.

نظیر این مطلب در خصوص سیدعلی محمد باب و حسینعلی بهاء در ایران به وجود آمد که جدایی دین از سیاست و عدم دخالت و نظارت در امور سیاسی، از دستورهای اولیه آنان است. به این ترتیب استعمار برای رسیدن به منافع نامشروع خود، گروه‌هایی از مردم را در پوشش مهدویت به وادی فرقه‌پردازی افکند تا با گل آلودکردن آب ماهی بگیرند؛ در صورتی که ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ابعاد گوناگون توحید، عدالت، امنیت فراگیر، صلح جهانی، اقتصاد شکوفا، اوج‌گرفتن رشد علوم، تکامل همه‌جانبه امور معنوی و اخلاقی و پذیرش عمومی با تشکیل حکومت واحد جهانی و... با عملکرد این مدعیان دروغین مهدویت بسیار فاصله دارد.

### ۳-۲. عوامل پیشرفت

داوری تاریخی نشان می‌دهد، اقبال مقطعی مردم به برخی از مدعیان مهدویت، در مسائل مختلف سیاسی و اعتقادی ریشه دارد.

### ۳-۲-۱. حیثه اعتقادی

بخشی از عوامل پیشرفت مدعیان مهدویت، سوءاستفاده از باورها و عقاید مردم است که استفاده از نشانه‌های مهدویت، عوام‌گرایی مردم و عوام‌فریبی مدعیان، جعل احادیث، تکلیف‌گریزی و اباحه‌گری از آن جمله‌اند.

### الف) استفاده از نشانه‌های مهدویت

کسانی در طول تاریخ با بهره‌گرفتن از برخی نشانه‌های مهدویت، کوشیدند خود و قیامشان را حق جلوه دهند. مسئله غیبت از نشانه‌هایی است که بیشتر مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. مسئله غیبت امام دوازدهم شیعیان، از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح بوده و به وسیله خود آن حضرت بارها به تعابیر مختلف بیان شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ضمن خبردادن از فتنه غیبت و شرایط سخت آن، وضعیت حضور امام غایب و رابطه او با مردمان را بیان کرده است. انبوه روایاتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده بود و آگاهی‌هایی که از سوی امامان صورت گرفته بود، سبب شد که غیبت به صورت باوری عمومی درآید و همین امر زمینه

بهره‌برداری‌های منفی بسیاری از فرقه‌ها را فراهم کرد.

مهم‌ترین فرقه‌ای که بیشترین سوءاستفاده را از روایات غیبت کرد، واقفیه بود. ادعای مهدویت و قائم‌بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام توسط گروه واقفیه، یکی از آشکارترین آموزه‌های اعتقادی و مشخصه مهم بنیان‌گذاران فرقه واقفیه است که منابع به آن تصریح کرده‌اند. مطلب قابل توجه درباره ادعای واقفیه درخصوص مهدویت موسی بن جعفر علیه السلام، این است که تمام افراد واقفیه، قائم‌بودن آن حضرت را تبلیغ می‌کردند و می‌گفتند: آن حضرت زنده است و در حال غیبت به سر می‌برد و بعد از مدتی ظهور می‌کند. سران واقفیه در تبلیغ مهدویت امام هفتم، بی‌ملاحظه بر امام رضا علیه السلام وارد شدند و علنی رودرروی امام می‌گفتند: در روایات اجداد تو آمده است که امامی نیست، مگر اینکه امام و جانشین پس از خود را می‌بیند و تو چندین سال از عمرت گذشته و فرزندی نداری؛ پس امام نیستی (کلینی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۸۶). علی بن حمزه بطائنی از سران واقفیه اولین کتاب‌های غیبت را نگاشت.

علی محمد باب نیز که شنیده بود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه با شمشیر ظهور می‌کند، برای آنکه خود را با حدیث ذکرشده هماهنگ کند، عازم مکه شد تا با شمشیر ظاهر گردد. او در کنار کعبه ادعای خود را اظهار کرد و گفت:

«انا القائم الذی تنظرون؛ ای مردم، من همان قائم و امام زمانم که در انتظار او

هستید» (شاکری زواردهی، ۱۳۹۵، ص ۸۲).

ابن‌تومرت از مدعیان مهدویت برای خود نسب‌نامه‌ای علوی ساخت تا مهدی‌بودن وی با روایتی که فرموده: «مهدی از عترت من است یا از اولاد من است»، هماهنگ باشد.

همانندی نام سیدمحمد نوربخش با نام پیامبر، به او در توجیه ادعایش کمک می‌کرد؛ تا جایی که حتی اسم فرزندش را قاسم گذاشت تا کنیه‌اش ابوالقاسم شود» (عرفان، ۱۳۸۸، ص ۲۲).

### ب) عوام‌گرایی مردم و عوام‌فریبی مدعیان

جنبش‌های موعودگرایانه هرگز بدون وجود شور و احساسات مسلمانانی که پاسخ‌گوی ندای آنان باشند، به سرانجام نمی‌رسید. این شور و هیجان، باعث پیروی کورکورانه از این مدعیان می‌شد؛ جهالتی که در مواردی به غلو و افراط منجر می‌شد و کسانی را مهدی موعود معرفی می‌کردند که خود ادعایی در این باب نداشتند. از سوی دیگر، این جهالت زمینه پیشرفت

فرصت طلبان را در سوءاستفاده از اندیشه‌های اصیل اسلام و تحریف آنان فراهم می‌کرد. مردم سودان پیروزی مهدی سودانی بر نیروهای به ظاهر شکست‌ناپذیر بیگانه را دلیل کافی بر صدق ادعای او دانستند. تصادفاً در سال ادعای او ستاره دنباله‌داری در آسمان ظاهر شد و به مردم سودان تلقین شد که این ستاره پرچم حضرت مهدی است که ملائکه آن را به دوش گرفته‌اند (تبریزی، ۱۳۳۴، ص ۵۶).

از ممیزات طریقه نوریخش، پوشیدن لباس مشکی بود که بعدها پیروانش آن را به عمامه سیاه تغییر دادند. این کار باعث افزایش هیجان مردم در پیوستن به آنها شد؛ به‌گونه‌ای که حکومت تیموری، نوریخش را از این کار منع کرد (شیبی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۵).  
با توجه به این واقعیات می‌توان گفت علت اصلی تأثیرگذاری و رشد مدعیان دروغین مهدویت، جهل مردم است.

### ج) جعل احادیث

بسیاری از مدعیان دروغین به منظور فضیلت‌سازی فرقه‌ای، به جعل حدیث دست زده‌اند. این مسئله سابقه‌ای دراز دارد و می‌توان آن را جنگی نرم علیه اهل بیت علیهم‌السلام به حساب آورد. برای مثال، داعیان اسماعیلیه برای گسترش هرچه بیشتر ادعای مهدویت «عبیدالله المهدی» در آفریقا، براساس بعضی روایات منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام که طبق آنها ظهور مهدی از مغرب خواهد بود، روایاتی جعل و پیش‌بینی می‌کردند ظهور در سال غلبه فاطمیان بر آفریقا روی خواهد داد. مبلغان اسماعیلی برای جلب اقوام بربر و بادیه‌نشین به مهدویت، احادیثی جعل کردند که طبق آنها، مهدی موعود از بین اقوام شیعه ظهور خواهد کرد. بیشتر این احادیث، ظهور مهدی در نواحی دوردست کشورها و کناره‌های سرزمین‌های آباد مانند «زاب» در آفریقا و «سوس» در مغرب بیان می‌کرد» (عرفان، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

### د) تکلیف‌گریزی و اباحه‌گری

بین پیروان هر مکتب، کسانی هستند که از زیر بار تکلیف، شانه خالی کنند. همچنین افرادی وجود دارند که برخلاف جامعه مسلمانان که بر پایه دین‌داری بنا شده است، به آموزه‌های دینی بی‌اعتقادند. این افراد در جامعه دین‌داران، خود را زندانی می‌پندارند و همیشه برای خود راه فراری می‌جویند؛ از این رو با هر حرکتی که بی‌تقوایی و لاپالایی‌گری اینان را نادیده انگارد یا برای آن

توجیه و مبنایی درست کند، همراه می‌شوند. از علت‌های مهم پیشرفت فرقه‌هایی نظیر باییت و بهائیت، همین آسان‌گیری و بی‌پروایی اخلاقی‌ای بوده که این مسلک‌ها از آن سخن می‌گفته‌اند. رهبران باییت، به نام اصلاح دین و تمدن و نوآوری، مرزهای شرعی میان زن و مرد و پوشش زن را در اسلام به‌سخره می‌گرفتند و برای تبلیغ مرام خود و گرایش جوانان به سوی مسلک خود از زنان استفاده می‌کردند. نمونه آن قرالعین از نخستین زنان گرونده به باب است که در محفل بابیان و هواداران خود، بی‌حجاب آشکار می‌شد (محمدی اشتهاردی، ۱۳۲۳، ص ۷۷).

### ۳-۲-۲. حیطه سیاسی

بخش دیگر عوامل پیشروی و اقبال عمومی از مدعیان مهدویت، به حیطه سیاسی مربوط است که غفلت خواص و توجه بیش از حد حکومت‌ها به این مدعیان از آن جمله است.

#### الف) غفلت خواص

بسیاری از جریان‌های انحرافی تا زمانی که به انحرافات بزرگ دچار نشده یا در عرصه‌های سیاسی وارد نشده‌اند، همواره مورد غفلت واقع می‌شوند و با این توجیه که پرداختن به آنها سبب بزرگ‌تر شدنشان می‌شود یا بی‌توجهی به آنها موجب می‌شود خودبه‌خود از میان بروند، زمینه برای گسترش آنها بیشتر فراهم می‌شود. پیامدهای منفی این غفلت زمانی آشکارتر می‌شود که این جریان‌ها به پایان راه خود می‌رسند و هواداران آنها در کنار بدبینی به باورهای دینی، اعتماد خود به بزرگان را هم از دست می‌دهند، که چرا آنها برای هدایت مردم اقدامی نکردند. در این خصوص می‌توان به موضع‌گیری مسامحه‌کارانه برخی از علما درباره باب اشاره کرد (سلیمیان، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴).

به جهت اهمیت این مسئله است که رسول‌گرامی اسلام با بیانی همراه با توبیخ عالمانی را که در مقابل بدعت‌ها سکوت می‌کنند، به شدت سرزنش کرده است:

«اذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لغيته الله»؛ «آنگاه که بدعت‌ها (مطالب نوپیدای مخالف دین) در امت من آشکار شد، بر عالم است که دانش خود را آشکار سازد، که اگر چنین نکند، لعنت خداوند بر او است» (کلینی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۴).

## ب) توجه بیش از حد حکومت‌ها به مدعیان

یکی از واقعیت‌هایی که نباید از نظر دور داشت این است که حداقل برخی از مهدی‌نمایان به سبب توجه بیش از حد حکومت به آنان بزرگ شدند و مردمان دورشان حلقه زدند. با نگاهی به تاریخ می‌توان به این مطلب پی برد که اگر حکومت ایران بیش از اندازه به بایبان نمی‌پرداخت، جنبش آنان تا این حد بزرگ نمی‌شد و بسیاری را به خود جلب نمی‌کرد. عده زیادی از مردم که با حکومت سرناسازگاری داشتند، به این جریان‌ها پیوستند تا در سایه آنها به اهداف خویش دست یابند.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اندیشه مهدویت در دین اسلام به‌ویژه مکتب تشیع، اصلی مسلم و آشکار است. این آرمان حقیقی، پویا و مؤثر، نقش بسیار مهمی در جهت‌دهی به مسلمانان و امیدواری آنان به آینده و صبر و تحمل در برابر مشکلات و ناملایمات دارد. مخالفان دین نیز به این امر آگاهی دارند و در کمین و بلکه مشغول منحرف‌ساختن این آرمان الهی هستند.

متأسفانه اصل مهدویت در طول تاریخ، دچار آسیب‌هایی شده است. از جمله آسیب‌هایی که آرمان مهدویت را تهدید کرده، ادعاهای دروغین در باب مهدویت است. عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت را می‌توان در دو بخش عوامل بسترساز و عوامل رشد و پیشرفت، از منظرهای اعتقادی، فرهنگی و سیاسی بررسی کرد. در حوزه اعتقادی عناصری همچون ضعف مبانی دینی، مبانی نظری مهدویت، استفاده از نشانه‌های مهدویت، عوام‌گرایی مردم و عوام‌فریبی مدعیان، جعل احادیث و تکلیف‌گریزی و اباحه‌گری به بسترسازی و رشد ادعاهای دروغین مهدویت کمک می‌کند؛ در حوزه فرهنگی گسترش بی‌عدالتی و فزونی‌طلبی، در این مسئله تأثیرگذار است؛ و در حوزه سیاسی، حمایت استعمار، غفلت خواص و توجه بیش از حد حکومت‌ها از عوامل اصلی زمینه‌ساز و گسترش‌دهنده این ادعاهای دروغین است.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. تبریزی، محمد مهدی، ترجمه *مفتاح باب الابواب*، ترجمه حسن فرید گلیپایگانی، تهران: بی نا، ۱۳۳۴ ش.
۲. جوادی آملی، عبدالله، *دین شناسی*، قم: اسراء، ۱۳۸۳ ش.
۳. رفیعی محمدی، ریحانه، *آسیب شناسی مهدویت*، پایان نامه سطح ۲، استاد راهنما سید حسن رحمانی، قم: جامعه الزهرا، بی تا.
۴. سلیمیان، خدامراد، *درسنامه مهدویت*، قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۸۶ ش.
۵. شاکری زوار دهی، روح الله، *کزراهه بی پایان*، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۵ ش.
۶. شیبی، کامل مصطفی، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، علیرضا ذکاوتی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
۷. صغری فروشانی، نعمت الله، *غالیان (کاوشی در جریانها و برآیندها)*، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش.
۸. صفی خانی، صغری، *مدعیان، انگیزهها و اهداف*، سطح ۲ (دوره عمومی)، جامعه الزهرا (س)، ایران، ۱۳۸۷ ش.
۹. طوسی، محمد بن حسن، *ترجمه کتاب الغیبه*، مترجم مجتبی عزیزی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. عرفان، امیر محسن، «*بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت*»، فصلنامه انتظار موعود، قم: مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه حسین استادولی، ج ۱، قم: دار الثقلین، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. میرتبار، سید محمد، *آسیب شناسی جامعه منتظر*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۹۰ ش.
۱۳. محمدی اشتهاردی، محمد، *بابی گری و بهایی گری*، قم: انتشارات ناصر، ۱۳۲۳ ش.

# رسالت متکلمان در پیشگیری از فتنه های آخرالزمان

محمدحسین حشمت پور<sup>۱</sup>  
طاهره محقق<sup>۲</sup>

## چکیده

ادیان الهی به ویژه اسلام پیروان خود را به اتحاد و برپایی عدالت دعوت کرده و انجام این رسالت را برعهده عالمان دین قرار داده اند. در عصر کنونی و دوره بیداری اسلامی لازم است اندیشمندان دینی به خصوص عالمان علم کلام با بهره گیری از علم، فناوری و فعالیت های عملی، از طریق تبیین عقاید، دفاع و پاسخ گویی به شبهات اعتقادی جامعه اسلامی برای پیشگیری از فتنه ها اقدام کنند؛ زیرا کوتاهی در انجام رسالت دینی و سطحی نگری مؤمنان در مسائل دینی، جوامع اسلامی را دچار ضعف اعتقادی کرده است. نتایج تحقیق حاضر حاکی از آن است که مشکلات و شبهات فراوانی که امروزه در سطح جهانی دامن گیر اصل دین شده، کاملاً برنامه ریزی شده است و عده ای درصددند نحله های فکری ای چون عرفان های کاذب و اومانسیم را جایگزین دین کنند و از این طریق ادیان الهی و آسمانی را از صحنه زندگی به کلی خارج کنند یا دست کم به حوزه فردی محدود سازند. این مقاله با نگاهی نو به رسالت متکلمان در عصر غیبت، در پی آن است که مسئولیت آنان را در پیشگیری از فتنه هایی که منشأ اعتقادی دارند، با استفاده از منابع کلامی - تاریخی بررسی و تحلیل کند و حاصل کار را به روش توصیفی - تحلیلی به مخاطبان ارائه نماید.

واژه های کلیدی: رسالت، علمای دین، فتنه، متکلمان، آخرالزمان.

۱. استاد حوزه و دانشگاه، عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

۲. استاد و پژوهشگر جامعه الزهراء (ع)، دانشجوی دکتری کلام اسلامی دانشگاه قم. taherehmohaghegh@gmail.com

## مقدمه

براساس آموزه‌های دینی ایمان و عمل صالح لازمه سعادت انسان‌اند؛ اما تشخیص اینکه عمل براساس چه مبانی و اصولی صورت بگیرد، از توان عموم افراد خارج است و به متخصص دین‌شناس و خبره نیاز دارد. تنوع مسائل دینی و شبههاتی که بر آنها وارد می‌شود، لازم می‌دارد که متکلمان خود را به حوزه‌های معرفتی خاصی محدود و محصور نسازند و در تمام عرصه‌های علمی‌ای که به نحوی با آموزه‌های دینی ارتباط دارد، حضور یابند؛ از این رو بار مسئولیت و رسالت متکلمان جدید بسیار سنگین‌تر و گسترده‌تر از گذشته شده است.

امروزه مشکلات و شبهات فراوانی در سطح جهانی دامن‌گیر اصل دین و خداپرستی شده است؛ چراکه عده‌ای در پی جایگزینی نحله‌های فکری‌ای چون عرفان‌های کاذب، اومانیزم یا دین هستند تا از این راه ادیان الهی و آسمانی را از صحنه زندگی به کلی خارج سازند یا دست‌کم به حوزه عمل فردی محدود سازند. از سوی دیگر مسلمانان که روزی الگوی پیشرفت و تبلیغ دین بودند، امروزه دچار ضعف و سستی شده‌اند. از مصادیق این سستی نظریه‌پردازی در علوم انسانی و عقلی است که به ندرت صورت می‌گیرد. رفع این مشکل نیازمند تلاش مشترک پیروان ادیان آسمانی است. آنها باید با تلاش مضاعف و بهره‌گیری از امکانات روز، از مبانی و اصول مشترکشان دفاع کنند.

هرچند درخصوص رسالت علما و متکلمان، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده است، راهکار مهمی در زمینه چگونگی انجام این رسالت ارائه نشده است. نوشتار حاضر درصدد است با نگاهی نو، رسالت متکلمان را در عصر حاضر بررسی کند. با توجه به این مطلب، هدف این پژوهش بررسی فتنه‌های آخرالزمان نیست، بلکه بیان وظایف خواص در مقابله با فتنه‌های این دوره از تاریخ است تا از این طریق، زمینه تشکیل حکومت مهدوی مهیا شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی

در این مبحث مفاهیم مهم به‌کاررفته در این تحقیق تعریف و تشریح می‌شود:

### ۱.۱. رسالت در لغت

پیغامبری، ادای امانت و مأموریت از معانی لغوی رسالت است. این واژه در شریعت، به معنای



برانگیختن انسانی از سوی خداوند به سوی بندگان است؛ خواه این امر به خلق ابلاغ شده باشد یا ابلاغ نشده باشد. در واقع رسالت با نبوت در یک ردیف قرار دارد (دهخدا، ۱۳۳۵، ج ۸، ص ۱۲۰۲).

## ۱,۲. رسالت در اصطلاح

رسالت از اسم رسول به معنی فرستاده، سفیر، قاصد و پیک، نماینده و فردی که از طرف فرستنده‌ای به رساندن پیغامی مأمور باشد، آمده است. درحقیقت رسول کسی است که مأمور به ابلاغ پیغام از جانب کسی به دیگری است. در عرف مسلمانان، به کسانی که برای راهنمایی بشر و دین حق فرستاده شده‌اند، خواه صاحب کتاب باشند یا نباشند، رسول گفته می‌شود. فردی که رسالت را برعهده دارد، «افزون بر دریافت وحی و ابلاغ آن، حفظ دین، پاسداری و نگاهبانی از ره‌آورد وحی، تشریح و تبیین خطوط کلی مذهب و بیان حدود و ثغور و اجرای احکام آن» را نیز برعهده دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۶).

## ۱,۳. فتنه در لغت

فتنه در لغت به معنی امتحان می‌آید. در زبان عربی به گذاشتن طلا در آتش برای آنکه خالصی آن از ناخالصی‌اش آشکار شود، فتنه می‌گویند. جمع فتنه فِتن است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۴۷).

## ۱,۴. فتنه در اصطلاح

از شرک و کفر به فتنه تعبیر شده است؛ زیرا کفر به هلاکت و بدبختی می‌کشاند و فتنه چیزی است که باعث بدبختی و هلاک است. برخی گفته‌اند «کفر» فساد و تباهی‌ای است که هنگام آزمایش روشن می‌شود و برای همین به کفر «فتنه» گفته می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۳۳)؛ به عبارت دیگر هر عملی که به منظور آزمایش حال چیزی، لوازم معمول آن و سختی و عذابی که متوجه مردودان در این آزمایش یعنی گمراهان و مشرکان می‌شود، فتنه نامیده می‌شود. قرآن فتنه را بدتر از قتل دانسته است؛ چون کشتن، تنها انسان را از زندگی دنیا محروم می‌کند، ولی فتنه مایه محرومیت از زندگی دنیا و آخرت و انهدام هر دو است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۹).

## ۱.۵. آخرالزمان

آخرالزمان در معنای عامش به واپسین دوران جهان اطلاق می‌شود که مراد از آن دوران نبوت پیامبر اسلام ﷺ از هنگام بعثت تا قیامت است؛ اما به طور خاص، زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از آن اراده می‌کنند. در آیاتی از قرآن کریم، رویدادهای آینده انسان و جامعه انسانی بیان شده است؛ همچون برپا شدن حکومت توحید و عدالت، خلافت انسان در زمین، وراثت و فرمانروایی صالحان و پیروزی حق بر باطل. روایات شیعه نیز به گونه مفصل از آخرالزمان و نشانه‌هایش یاد کرده‌اند. از مجموع روایات درباره آخرالزمان برمی‌آید که نشانه عمده و عمومی آغاز این دوران، فراگیری فساد و تباهی در جامعه انسانی است. در این هنگام است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند و تحوّل ژرف و شگرفی روی می‌دهد و تباهی و ستم از میان می‌رود و جامعه آرمانی اسلام جان می‌گیرد. زمین آباد می‌شود، خردمندی و بالندگی بر جامعه انسانی حاکم می‌گردد و میان انسان و طبیعت آشتی و سازگاری کامل پدید می‌آید (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

## ۲. انواع فتنه

فتنه و آشوب با جهل و هواپرستی آغاز می‌شود و زندگی بشر را به تباهی می‌کشاند. قرآن هشت بار از فتنه یاد کرده و آن را بزرگ‌تر و شدیدتر از قتل (بقره: ۱۹۱) دانسته است. امام علی ع در نهج‌البلاغه از فتنه به خدا پناه برده است (نهج‌البلاغه، بی‌تا، حکمت ۹۳). در روایات از گونه‌های متعددی از فتنه‌های آخرالزمان سخن گفته شده است که در این مبحث سه دسته‌بندی برای آن مطرح می‌شود.

### ۲.۱. فتنه با توجه به مرزبندی حوادث

فتنه‌ها با توجه به مرزبندی حوادث، به دو نوع تقسیم می‌شوند:

۱. **درون‌گرا:** این نوع فتنه، درون‌مرزی، درون‌ساختاری، درون‌سازمانی و درون‌جمعی است. در جوامع گرفتار این فتنه، مجموعه‌ای از «عقاید، علایق، افکار و خواسته‌های صواب و ناصواب به صورت خودبه‌خود و به تدریج یا به صورت عمدی، برنامه‌ریزی شده و برای هدف خاص به وجود می‌آید» (مقصودی، ۱۳۶۱، ص ۳۴). در چنین جامعه‌ای اهل

فتنه اعضای حزب خود را تحریک می‌کنند تا به سود فرد مورد نظر خود یا برضد او موضع بگیرند. در این مواقع، افراد محرک سعی می‌کنند از عقاید و باورهای عمیق اعضا، به نفع اهداف خود بهره گیرند. آنها غالباً سطح متوسط و ضعیف جامعه را با تطمیع هدف قرار می‌دهند.

۲. **برون‌گرا:** در این نوع فتنه «افرادی خارج از جوامع، از اتحاد و انسجام آنان رنج می‌برند و منافع و مقاصد خود را در خطر می‌بینند» (همو). جوامع گرفتار این نوع فتنه، به جهت برخورداری از منابع غنی طبیعی و گاه انسانی، مورد طمع دیگرانی قرار می‌گیرند که به طور طبیعی و رسمی نمی‌توانند از آنان بهره برداری کنند. در چنین فتنه‌ای ابزار فتنه‌گران، آشوب و اختلافات داخلی است.

## ۲,۲ فتنه باتوجه به زمان بندی

فتنه‌ها براساس زمان بندی به دو نوع تقسیم می‌شوند:

۱. **فتنه سطحی:** فتنه‌هایی که سطحی، زودگذر و کوتاه مدت (همو) هستند، توسط افراد بی تجربه یا افراد تندرو طراحی می‌شوند. این فتنه‌ها معمولاً به هدف منتهی نمی‌شوند. در آنها فتنه‌گران صرفاً با ایجاد موج قصد دارند به اهداف اولیه خود برسند.
۲. **فتنه رسوبی:** فتنه‌هایی با این مضمون که «تدریجی و بلندمدت» (همو، ص ۳۵) هستند، معمولاً توسط افراد صاحب نفوذ ادیان یا احزاب به صورت برنامه‌ریزی شده و برای اهداف بلندمدت در محدوده جغرافیایی خاصی شکل می‌گیرد.

## ۲,۳ طبیعت فتنه

فتنه‌ها براساس طبیعت فتنه، به دو قسم تقسیم می‌شوند:

۱. **فتنه طبیعی:** طبیعت جهان جمع اعداد است. گاه فتنه‌هایی به صورت طبیعی اتفاق می‌افتد. این فتنه‌ها همان ابتلائات و امتحان‌های الهی است که از آنها به عنوان سنتی از سنت‌های تحویل ناپذیر و تبدیل ناپذیر الهی تعبیر می‌شود. این فتنه‌ها برای روشن شدن میزان خلوص افراد روی می‌دهد (همو، ص ۴۱).

۲. **فتنه غیرطبیعی:** فتنه‌هایی که از خشم، شهوت، حسادت، عداوت، حبّ مقام، آمیختگی حق و باطل، جنگ‌ها و مسائل هیجانی و تحریک‌آمیز ناشی می‌شود (رک: همو، ص ۴۵-۴۴). پس از بیان انواع فتنه که هریک از آنها نمونه‌هایی در تاریخ زندگی بشر داشته است، لازم است ضرورت و مراتب رسالت بیان شود تا نقش رسولان در کنترل و مهار فتنه‌ها مشخص گردد.

### ۳. ضرورت رسالت

از ابتدای آفرینش انسان تاکنون هر دوره از زندگی بشر، ویژگی‌ها و ضرورت‌های خاصی داشته که حاصل تغییرات ناشی از گذشت زمان، پیدایش مسائل و مفاهیم جدید در عرصه اجتماع و فرهنگ انسان‌ها بوده است. خداوند نیز بنابر مصالح هر دوره، پیامبرانی برای هدایت خلق مبعوث کرده است؛ اما دوره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، دوره رشد و بلوغ فکری و اجتماعی بشر دانسته می‌شود. از شواهد این سخن، حدیث زیر از پیامبر صلی الله علیه و آله است:

«عَلَمَاءُ أُمَّتِي كَانِيَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ «دانشمندان امت من مانند انبیای بنی اسرائیل

هستند» (مجلسی، ۱۱۱۱، ج ۲، ص ۲۶۲).

از سوی دیگر حکمت خدا اقتضا می‌کند پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بندگان خود را بدون راهنما رها نکند. بر همین اساس در آخرین سفر حج به پیامبر وحی شد که امام و جانشین بعد از خود را معرفی و ختم نبوت را اعلام نماید (ماده: ۶۷). این اعلام نشان می‌دهد که بشر از این پس می‌تواند بدون دسترسی به وحی و با استفاده از قوه عقل، راه سعادت خود را بیابد.

البته پس از پیامبر به سبب خودرایی و استفاده از عقل منفعت‌گرا و دنیاطلب، جامعه اسلامی دچار تفرقه شد. پیامبر صلی الله علیه و آله که این حوادث را پیش بینی کرده بود، برای حفظ وحدت و آرامش جامعه و پیشگیری از فتنه و دودستگی به امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش کرد:

«دست به شمشیر دراز مکن که موجب فساد و فتنه و تفریق و تشّت و خروج از آیین اسلام می‌شود و در بین آنها اصلاح کن و در صورت انحراف طریق، صبر پیشه کن؛ زیرا تو مانند هارون هستی نسبت به موسی که او نیز برای حفظ کیان رسالت برادرش موسی دست به شمشیر نزد» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶، ج ۱۰، ص ۳۹۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام از حقّ ولایت خود به جهت حفظ منافع جامعه مسلمانان چشم پوشید. نظیر

این اتفاقات در دوره آخرالزمان نیز اتفاق خواهد افتاد. در این میان، علما که همان رسولان الهی به سوی خلق اند، وظیفه راهنمایی خلق و پاسخ به شبهات اعتقادی را برعهده دارند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«الْعَالَمُ بِرِزْمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَايِسُ؛ آن کس که از وضع زمان خود آگاه است، مورد هجوم اشتباهات قرار نمی‌گیرد» (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۵، ص ۲۶۹).

رسالت دانشمندان در هر عصر این است که با هوشیاری کامل و بررسی مسائل روز، شبهات اعتقادی و خلأهای روحی، فکری و اجتماعی را دریابند و آنها را به شکل صحیحی پاسخ دهند. یکی از مسائلی که در آخرالزمان اتفاق خواهد افتاد، گسترش دین اسلام در سراسر کره زمین است. در این سال‌ها به علت جنگ در خاورمیانه، مسلمانان مجبور به مهاجرت به سراسر عالم شده‌اند و این فرصت مغتنمی برای ترویج دین اسلام فراهم آورده است. اکنون در اروپا و آمریکا و دیگر کشورها تعداد زیادی مسجد و حسینیه بنا شده است که در آنها آیین‌های مذهبی انجام می‌شود. یکی از امتیازات ویژه دین اسلام نسبت به سایر ادیان، همه‌جانبه بودن تعلیمات آن برای همه افراد جامعه با اندیشه‌ها و روحیه‌های مختلف است. در اسلام با گذشت زمان و اقتضائات روز، احکام و آراء جدیدی نیاز است که باید توسط اهل فن و خبرگان وضع شود؛ زیرا همواره افرادی هستند که در مبانی و اصول دچار تردید می‌شوند. اسلام برای این افراد از راه «ارشاد مولوی، استدلال و بیان منطقی، ولایت و کشف، به معرفی و تبیین می‌پردازد تا آگاه شوند و براساس عقل و منطق به دستورات دین عمل کنند» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۴۷). حال با توجه به جایگاه انسان در خلقت، باید پرسید چه کسی متصدی آگاهی انسان‌ها است؟

#### ۴. مراتب رسالت

پس از بیان مفهوم و ضرورت رسالت، لازم است مراتب رسالت بیان شود. خداوند براساس مصلحت بشر انسان‌های کاملی را بنا به مقتضیات هر دوره مبعوث کرده است تا راهنمای خلق باشند؛ زیرا تنها او می‌داند چه کسی وظیفه رسالت را به خوبی عهده‌دار می‌شود و چه کسی نمی‌شود. او رسالت خود را به کسی واگذار می‌کند که ظرفیت آن را داشته باشد و در برابر آزارهای مردم استقامت کند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۲۶۱).

#### ۴٫۱ . پیامبران

**الف) اولوالعزم:** خداوند از میان ۱۲۴۰۰۰ پیامبری که برای هدایت خلق فرستاده، پنج تن را دارای کتاب و شریعت کرده است (احقاف: ۳۵ / شوری: ۱۳). رسولان اولوالعزم عبارت‌اند از: نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۳۱).

**ب) انبیای الهی:** خداوند رسولان را از میان انبیا برگزیده است. همیشه تعداد رسولان از شمار انبیا کمتر است؛ چنان‌که در روایت ابوذر درباره شمار انبیا و رسولان الهی چنین آمده است: «۱۲۴۰۰۰ نفرند که ۳۱۵ نفر رسول و دیگران انبیای الهی هستند. با این توصیف هر رسولی نبی است؛ ولی هر نبی‌ای رسول نیست و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم الانبیا و الرسل است» (ر.ک: صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۲۴).

#### ۴٫۲ . امامان معصوم

امامت در دین اسلام جایگاهی بسیار مهم دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای تکمیل رسالت خود امام و جانشین معرفی کرده است تا پس از او راهنمای خلق باشد. قرآن نیز پس از اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اطاعت از «اولوالامر» (نساء: ۵۹) فرمان داده است. «اولوالامر» وظیفه قانون‌گذاری ندارد؛ بلکه وظیفه‌اش حراست از قانون و اجرای آن است. مفسران، اولوالامر را امامان بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بیان کرده‌اند و با اشاره به امامت حضرت ابراهیم (بقره: ۱۲۴)، مهم‌ترین وظیفه آنان را اجرای قانون دانسته‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امر خدا، علی علیه السلام را منصوب کرد تا عهده‌دار اجرای قوانین وضع شده در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳). امام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ولی است و «ولایت» استمرار رسالت و همسنگ و هم‌طراز آن است (همو، ص ۱۸۱).

#### ۴٫۳ . علمای دین

یکی از وجوهی را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عالمان امت خود را از انبیای بنی‌اسرائیل افضل معرفی کرده است، می‌توان مسئولیت سنگین عالمان دین اسلام برشمرد. این سخن به‌ویژه در خصوص عالمانی صدق می‌کند که در آخرالزمان وظیفه دفاع از دین را بر عهده دارند. برای تبیین بهتر موضوع و مشخص کردن وظایف عالمان، آنان را به دو گروه طلاب علوم دینی و متکلمان متخصص

تقسیم می‌کنیم تا مشخص شود این افراد در دوران بلوغ فکری و ظهور نظریه‌های جدید چه رسالتی برعهده دارند و چگونه باید از عقاید دین اسلام دفاع کنند.

### ۴,۳,۱ . طلاب علوم دینی

عصر حاضر دوره جاهلیت مدرن است که از جاهلیت بدوی گذشته بسیار خطرناک‌تر است. اکنون جاهلیت با آشکالی فریبنده‌تر از گذشته، سعی در ایجاد فتنه و اختلاف در جوامع دارد. در مقابل این جریان، طلاب علوم دینی با فراگیری احکام و دستورات دین به صورت تخصصی، ضمن آگاهی بخشی به مردم، از عقاید دین دفاع می‌کنند. کار طلاب علوم دینی فراگیری علم و آموزش آن به دیگران است که «با برقراری ارتباط مؤثر و تعامل روحانیت با مردم» (کریمی، ۱۳۹۲، ص ۶۵) تحقق می‌یابد. آنان از طریق سخنرانی به روش چهره‌به‌چهره، مشاوره، فعالیت در سازمان‌ها، مساجد و مدارس می‌توانند به آموزش مسائل دین اقدام کنند. در ادامه دو رسالت از مهم‌ترین رسالت‌های طلاب علوم دینی بیان می‌شود:

#### الف) معرفی دین

یکی از چیزهایی که دشمنان دین از آن برای فتنه‌انگیزی به صورت مقطعی و زودگذر بهره می‌برند، جهل مردم به احکام دین است. مهم‌ترین بخش رسالت طلاب علوم دینی، معرفی صحیح دین به جامعه مسلمانان است. آنان باید به مردم بگویند دین چیست، چه کاربردی در زندگی دارد و تفاوت زندگی براساس مبانی دینی با زندگی غیردینی چیست.

قرآن در آیه ۱۲۲ سوره توبه، به مسلمانان امر کرده است که گروهی از آنان به تحصیل علم و دانش در زمینه مسائل دینی مشغول شوند و پس از فراغت از تحصیل، برای تبلیغ احکام اسلام به نقاط مختلف، به‌ویژه به سوی قوم و طایفه خود بازگردند و آنها را با مسائل اسلامی آشنا سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۹۳). این امر در ابتدای رسالت پیامبر ﷺ ابلاغ شده است. حضرت محمد ﷺ همواره عده‌ای را تعلیم می‌داد و برای آموزش مسلمانان به مناطق دور از مرکز اسلام می‌فرستاد. برپایه این سیره، یکی از وظایف اولیه و مهم طلاب علوم دینی، آشنا کردن مردم با دین در حوزه‌های مختلف احکام، عقاید و اخلاق است. اگر این وظیفه به درستی انجام شود و مردم با آموزه‌های دینی به خوبی آشنا باشند، فتنه‌های مخالفان جامعه دینی موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

## ب) ایجاد اخوت

ایجاد اخوت و برادری میان انسان‌ها به خصوص مسلمانان را باید از دیگر رسالت‌های طلاب حوزه‌های دینی برشمرد. مسلمانان به دو گروه تشیع و تسنن تقسیم شده‌اند که دارای مبانی و اصول مشترک فراوانند؛ با این‌همه امروزه بیشترین فتنه‌انگیزی میان مسلمانان، ناشی از اختلافات این دو گروه است که با هوشیاری اهل علم و طلاب علوم دینی از هر دو گروه، به آسانی رفع می‌شود. طلاب علوم دینی در همه ادیان اعم از الهی و غیرالهی از محبوبیت خاصی در میان جوامع برخوردارند. این امتیاز، بهترین وسیله برای ایجاد وحدت و همبستگی در جامعه است. اگر براساس حکم قرآن، برتری به تقوا (حجرات: ۱۲) باشد، هیچ فتنه‌گری توانایی ایجاد تفرقه نخواهد داشت.

دوره کنونی که می‌توان آن را دوره آخرالزمان نامید، دوره فتنه‌ها و سرخوردگی‌های سیاسی است. طلاب علوم دینی برای نجات جامعه باید به تبیین و تبلیغ دین مشغول باشند؛ زیرا «بشر را از شربش دیگر آسوده کردن، آزادی واقعی را معرفی کردن و مردم‌آزاری را سلب کردن، از قدرت علم و قدرت تربیت، خارج است و قدرت بالاتری لازم دارد که همان بیان احکام دین و بالابردن سطح آگاهی عموم مردم است. قدرت دین به انسان در مقابل دیگران امنیت و مصونیت می‌دهد، وحدت و یگانگی و اخوت واقعی برقرار می‌کند؛ همان کاری که پیغمبران کرده‌اند» (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲۵، ص ۱۵۶). تنها در این صورت است که مدینه‌ای فاضله برای برپایی حکومت علوی توسط منجی آخرالزمان مهیا خواهد شد. البته لازم است بیان شود که طلاب علوم دینی وظایف فراوانی دارند که در این مقال نمی‌گنجد و از آنجا که هدف اصلی این تحقیق، بیان رسالت علمای علم کلام است، به همین دو وظیفه بسنده می‌شود.

## ۴,۳,۲ متکلمان

وظیفه متکلم تبیین عقاید دینی براساس موازین صحیح و غیرقابل تشکیک، به منظور این است که پایه‌های ایمانی دین‌داران استوارتر و شبهات مخالفان، دروغ‌سازان و شکاکان برطرف شود (رک: حلی، ۱۳۶۷، ص ۲۶). در ادامه بحث مهم‌ترین رسالت‌های متکلمان را در این زمینه بررسی می‌کنیم.



## الف) تبیین عقلی عقاید دینی

تبیین عقلی آموزه‌های دینی، به‌ویژه اصول اعتقادی، از رسالت‌های اساسی متکلم است؛ زیرا «عقل، پایه و اساس انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف بنیادین اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است» (اخلاقی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۵). انسان با توجه به شرایط و محیط زندگی خود به بلوغ فکری و عقلی می‌رسد و هرچه دایره تفکر او وسیع‌تر شود، عاقل‌تر می‌شود؛ اما همیشه این امر صادق نیست؛ زیرا امروزه «ابو علم‌ها علم را دستاویزی برای مقاصد و اهداف خود قرار داده، بت‌پرستی مدرن» (ر.ک: رفیع، بی‌تا، صص ۳۰-۲۶) را رواج می‌دهند؛ از این رو در شرایط کنونی که عصر تولید نظریات و ایدئولوژی‌های جدید بر پایه مبانی عقلی است، تبیین عقلی آموزه‌های دینی و پیشگیری از جهالت مدرن از مهم‌ترین رسالت‌های متکلم است. کوتاهی در چنین رسالتی است که فرقه‌هایی همچون بابیت، بهائیت، طالبان و داعش را به وجود آورده است.

## ب) تسلط بر مبانی دینی و دانش روز

فردی که خود را متکلم می‌داند، باید به مبانی، اصول و روش‌های تبلیغ دین و دفاع از آموزه‌های آن آشنا باشد. از آنجاکه امروزه مخالفان دین، از ابزارها و علوم مختلف برضد دین بهره می‌برند، لازم است که متکلمان افزون بر آشنایی با مبانی دینی، به علوم روز و فناوری‌های پیشرفته هم مسلط باشند. دنیای مدرن دوره اقامه برهان و حاکمیت عقل است. بنابراین آموزه‌های دینی زمانی مورد پذیرش قرار می‌گیرند که تبیین عقلانی مناسبی از آنها صورت گرفته باشد.

## ج) دفاع از عقاید

یکی از رسالت‌ها و وظایف مهم متکلمان، دفاع از عقاید دینی است. همواره کسانی به مبانی دینی با دیده تردید می‌نگرند و اشکالات و شبهاتی به آنها وارد می‌کنند. در این میان «متکلم موظف است با شناسایی شبهات، به پاسخ‌گویی آنها مبادرت ورزد و با تبیین و دفاع از عقاید، فتنه را سرکوب کند» (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۳، ص ۵۸).

## د) شناسایی فتنه

دوره آخرالزمان دوره تضارب و تعدد آراء است. در این دوره «فتنه چون شب تاریک، شما را فرا خواهد گرفت، بین مشرق و مغرب خانه‌ای از مسلمانان باقی نمی‌ماند، مگر اینکه فتنه داخل آن

خانه می‌شود» (نجفی، بی تا، ص ۳۲). از سوی دیگر با پیشرفت روزافزون تکنولوژی در دنیای امروز، امکان کاربست ابزارهایی بسیار پیشرفته‌تر و متنوع‌تر از قبل برای ایجاد فتنه میان دین‌داران فراهم شده است. بنابراین بر متکلمان است که به‌عنوان متخصصان دین، انواع مختلف فتنه‌های اعتقادی همچون ادیان انحرافی و عرفان‌های نوظهور، جعلی و خرافی را شناسایی و با آنها مقابله کنند و از این طریق فتنه‌های اعتقادی آخرالزمان را خنثی کنند.

### ه) پاسخ به شبهات

آموزش روش گفت‌وگو با مخاطبان و ارائه پاسخ درست به پرسش‌های آنان، جزئی از سیره رسول الله ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است. آنان به یاران خود می‌آموختند که در گفت‌وگو و پاسخ به پرسش‌ها اجازه دهند، پرسش‌کننده عقده‌ها و ناخرسندی‌های خود را بازگو کند. آنچه در دل دارد بگوید تا فشار درونی‌اش کم شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۱۸)؛ سپس پاسخی درخور به پرسش، ارائه دهند. بدین جهت در متون دینی به عالمان سفارش شده است که با مخاطبان همراهی نشان دهند و پرسش‌پریش‌گر را قطع نکنند. شبهات را بشنوند و عالمانه پاسخ دهند. از آنجاکه عصر نزدیک به ظهور، دوره شیوع شبهات اعتقادی است، سؤالات و دغدغه‌هایی نو میان جامعه دین‌داران مطرح می‌شود. بنابراین متکلم وظیفه دارد این شک‌ها و تردیدها را رفع کند و به سؤالات و احتیاجات فکری با منطق، زبان و افکار روز پاسخ دهد (ر.ک: مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲۴، ص ۵۲۹).

### و) اصلاح کج‌روی‌ها

همان‌طور که پیش از این بیان شد، عصر حاضر دوره تعدد شبهات است. در این دوره برخی از منتقدان دین به‌عنوان روشنفکر دینی تلاش می‌کنند مکتب فکری جدیدی ایجاد کنند و با استفاده از شبهات توجه بسیاری را به خود جلب نمایند. در این شرایط، وظیفه متکلم نجات جامعه دینی از دست کج‌روی‌های فکری است. او باید با ارائه پاسخ منطقی و مستدل به شبهات و بیان اشکالات مکاتب و مذاهب جدید، ذهن افراد را از افکار باطل، پاک کند و مسیر درست را نشان دهد. اگر جامعه عقب‌مانده و خرافی و گرفتار انواع باورها و عادت‌های غلط باشد، کار متکلم بسیار سخت خواهد بود (ر.ک: همو، ج ۱۳، ص ۴۸۸). متکلم برای اصلاح کج‌روی‌ها می‌تواند از روش‌های مختلفی بهره برد که مهم‌ترینشان عبارت‌اند از:

## ز آگاهی بخشی و راهنمایی مردم

یکی از رسالت‌های دین، شکوفاسازی قوه تعقل و تفکر انسان است؛ زیرا اگر «انسان تحت حکومت عقل قرار بگیرد، در بعد نظری خود را به خدا مربوط می‌سازد و در بعد عملی در مسیر عبودیت حق تعالی قرار می‌گیرد» (اخلاقی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۵). برای همین در قرآن به پیامبر امر شده است که مردم را با دلیل روشن از جهل و نادانی آگاه کند (ابراهیم: ۳). طبق روایات در برخورد با ناهنجاری و منکر، اولین وظیفه متکلم خیرخواهی و آگاهی‌بخشی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«بر مؤمن واجب است که به مؤمن اندرز دهد و خیر او را بخواهد» (مجلسی، ۱۱۱، ج ۱۶، ص ۲۳۰).

مقصود از اندرز و نصیحت مؤمن، راهنمایی او به مصلحت دنیا، دین، آموزش و آگاهی از غفلت و دفاع از جان و آبروی او است (ر.ک: همو). امام جواد علیه السلام فرموده است:

«اگر عالمان از نصیحت و راهنمایی خودداری ورزند، خیانت کرده‌اند و اگر راه‌گم‌کرده‌ای را ببینند و راه را به او نشان ندهند، کار بسیار بدی کرده‌اند؛ زیرا خدای متعال از آنان در کتاب خود پیمان گرفته است که مردمان را امر به معروف و نهی از منکر کنند و مددکار تقوا و کار نیک باشند و به گناه و تجاوز کمک نکنند» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۵۹).

## ح) فعالیت علمی و نوشتاری

اولین آیاتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، اهمیت خواندن و علم‌آموزی را بیان می‌کند:

«اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۳-۴).

خداوند دو نعمت زبان و قلم را در دسترس بشر قرار داده است تا دانشمندان از راه سخن‌گفتن و نوشتن مطالب، علم خود را به دیگران منتقل کنند. بدین وسیله نسل‌های بعد، از نتایج معلومات و تحقیقات گذشتگان بهره‌مند می‌شوند. زبان و قلم دو پل ارتباطی میان متکلم متخصص و عموم مردم جامعه است. تألیف کتاب‌های علمی، مقالات پژوهشی و شرکت در همایش‌ها و کنفرانس‌های تخصصی و بین‌المللی، ابزارهای مناسبی برای متکلمان امروز جهت تبیین مسائل دینی است.

## ۵. جمع‌بندی نتیجه‌گیری

این مقاله با رویکردی جدید وظایف متکلم در قرن حاضر را بررسی کرده و راهکارهایی کاربردی برای آنها ارائه داده است. در آن پس از بررسی مفهوم واژگان کلیدی این تحقیق، انواع فتنه در سه حیطه زمانی، مکانی و طبیعی بیان شده است. پس از آن ضرورت رسالت و مراتب آن توضیح یافته و جایگاه رسالت در زندگی انسان‌ها تبیین شده است. در عصر حاضر سؤالات و شبهات متعدد و متنوعی از سوی جریان‌های صاحب قدرت و نفوذ همچون روشنفکران، فرقه‌های انحرافی و عرفان‌های کاذب مطرح می‌شود و این، بار مسئولیت علمای دینی را سنگین‌تر از قبل نموده است.

علما در این مقاله به دو گروه طلاب علوم دینی و متکلم تقسیم شده‌اند و برای هر گروه، وظایف خاصی به مقتضای نیاز روز بیان شده است. اینان باید با بهره‌مندی از فناوری روز، پاسخ‌های مناسبی برای شبهات اعتقادی عرضه کنند و مانع فتنه‌گری مخالفان دین‌داری باشند. معرفی دین و ایجاد برادری میان همه انسان‌ها، به‌ویژه مسلمانان، از وظایف طلاب است. رسالت متکلمان هم عبارت است از: تبیین عقلی عقاید دینی، تسلط بر مبانی دینی و دانش روز، دفاع از عقاید، شناسایی فتنه، پاسخ به شبهات و اصلاح کج‌روی‌ها.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح، بی تا.
۲. ابن داود حلی، حسن بن علی، سه ارجوزه در کلام- امامت و فقه، تحقیق و تعلیق حسین درگاهی و حسن طارمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷.
۳. اخلاقی، عبدالرحیم، نگاهی به جامعه و سازمان های عصر ظهور؛ ویژگی ها و پیش فرض ها، قم: مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۶.
۴. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۶.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقررین، تصحیح محمد صفایی، قم: تسنیم، ۱۳۸۸.
۶. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی، مشهد: علامه طباطبایی، ۱۴۲۶.
۷. حکیمی، اخوان، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر اسلامی، ۱۳۸۰.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: چاپ سیروس، ۱۳۳۵.
۹. رفیع، جلال، ارتجاع مدرن و رسالت ما، تهران: بعثت، بی تا.
۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، رسالت تشیع در دنیای امروز، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۴. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۵. کریمی، محمد کاظم، روحانیت و اقتضائات جامعه معاصر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۶. گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعه، تهران: پیام حق، ۱۳۷۷.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار، اسلامیه، تهران، ۱۱۱۰.
۱۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۵۸.
۱۹. مقصودی، احسان، مبانی و کلیات فتنه، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۶۱.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۱. \_\_\_\_\_، آیات ولایت در قرآن، قم: نسل جوان، ۱۳۸۶.
۲۲. نجفی، محمد جواد، فتنه و آشوب های آخر الزمان، تهران: اسلامیه، بی تا.



